

# فصلنامه علمی - تخصصی پاسخ

سال هشتم، شماره سی و دوم، زمستان ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه

مدیرمسئول: محمدباقر پورامینی

سرمدیر: حمید کریمی

مدیر اجرایی: محمدکاظم حسینی کوهساری

صفحه‌آرا: سجاد ناصری

## هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا).

ابوالحسن بکتاش: مدیر گروه سیاست و جامعه مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

امیرعلی حسنلو: مدیر گروه تاریخ و سیره مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

نصرالله درویشی: معاونت پژوهش مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

عزالدین رضانزاد: استاد جامعه المصطفی العالمیه

حسن رضا رضایی: استادیار جامعه المصطفی العالمیه

حسن رضایی‌مهر: استادیار جامعه المصطفی العالمیه

احمدرضا فامیل‌دردشتی: مدیر گروه شبهه‌شناسی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات

حمید کریمی: دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

حسن معلمی: دانشیار دانشگاه باقرالعلوم

نشانی: قم: خیابان ۱۹دی (باجک)، انتهای کوچه ۸، پلاک ۲۱،

مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه

پست الکترونیکی: [ntpasokh@gmail.com](mailto:ntpasokh@gmail.com) وبگاه: [www.pasokhmag.ir](http://www.pasokhmag.ir)

شماره ثبت وزارت فرهنگ و ارشاد: ۷۶۴۳۷

چاپ دیجیتال فام

تقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است



## فراخوان

اساتید و محققان محترم می‌توانند با ارسال مقاله در زمینه پاسخ به شبهات در چارچوب ضوابط مربوط به فصلنامه همکاری بفرمایند.

### راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

فصلنامه علمی - تخصصی پاسخ مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه

#### ساختار کلی مقاله

##### الف) نحوه تدوین متن مقاله

- عنوان: عنوان مقاله گویا، رسا و ناظر به محتوای مقاله باشد.
- مشخصات نویسنده: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، شماره تلفن و نشانی الکترونیکی.
- چکیده: عصاره مقاله است و باید بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ کلمه باشد (بیان مسئله یا موضوع، قلمرو بحث، قلمرو منابع، اشاره به دستاوردها).
- واژگان کلیدی: حداقل سه واژه کلیدی که نقش محوری در متن اصلی مقاله دارند.
- مقدمه: شامل خلاصه‌ای از بیان مسئله، اهمیت موضوع، اهداف پژوهش، سؤال‌های پژوهش و پیشینه پژوهش است.
- بدنه اصلی مقاله: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله لازم است به این موارد پرداخته شود: توصیف و تحلیل ماهیت، ابعاد و زوایای مسئله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به‌طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم مطالب در قالب محورهای مشخص.
- نتیجه‌گیری: شامل یافته‌های حاصل از پژوهش با اهداف در نظر گرفته شده از انجام پژوهش، مقاله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط پیشنهاد تحقیق است.
- ارجاعات: به شیوه درون‌متنی تنظیم شود: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، شماره جلد و صفحه)، همچنین استناد به کتب مقدس (قرآن، تورات، انجیل) به صورت (نام سوره: شماره آیه) و قوانین موضوعه به صورت (شماره ماده: شماره بند) ذکر شود. اسامی نویسندگان خارجی به فارسی نوشته شده و از زیرنویس کردن معادل انگلیسی آن‌ها خودداری شود.

۹. فهرست منابع: نام خانوادگی، نام، عنوان کتاب، (نام و نام خانوادگی مترجم، مصحح)، شماره جلد، نوبت چاپ، محل نشر: ناشر، سال انتشار.

**مقاله:** نام خانوادگی، نام نویسنده، عنوان مقاله، نام مترجم، نام مجله، شماره مجله، سال انتشار مقاله.  
**پایان نامه:** نام خانوادگی، نام، عنوان پایان نامه، رشته، دانشکده، نام دانشگاه، نام کشور، سال دفاع.

۱۰. اشکال / نمودار / جداول: به طور جداگانه و به ترتیب از ابتدا تا انتها شماره گذاری شوند.  
**ب) اصول صفحه بندی و نگارش مقاله:**

تعداد صفحات مقالات، حداقل ۱۰ و حداکثر ۲۵ صفحه ۳۰۰ کلمه ای و با رعایت صفحه بندی موارد زیر قابل ارزیابی است:

۱ - مقاله باید در محیط نرم افزار Microsoft office word 2007 و ویرایش های بالاتر از آن تایپ شود.

۲ - اندازه ها از حاشیه صفحه، بالای صفحه سه سانتیمتر؛ پایین صفحه ۲/۵ سانتیمتر؛ سمت چپ صفحه ۲/۵ سانتیمتر؛ سمت راست صفحه ۲/۵ سانتیمتر تنظیم گردد.

**ج) نکات مهم:**

- مقاله های ارسالی نباید در هیچ کتاب یا مجله دیگری چاپ شده باشند و یا به طور همزمان برای کنفرانس ها و همایش های داخلی و خارجی ارسال شده باشند.

- مقالات دریافت شده عودت داده نمی شود.

- در این فصلنامه مقالاتی انتشار می یابد که در راستای پاسخ به شبهات نگاشته شده باشند.

- چاپ مقاله در فصلنامه منوط به تأیید داوران است و فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.

- نسخه word و pdf مقاله باید به پست الکترونیکی [ntpasokh@gmail.com](mailto:ntpasokh@gmail.com) و یا از طریق پایگاه اینترنتی [www.pasokhmag.ir](http://www.pasokhmag.ir) ارسال شود.

- نامه پذیرش مقاله صرفاً پس از انجام اصلاحات مورد نظر ارزیابان توسط نویسنده، صادر خواهد شد.

- مقالات رسیده توسط سردبیر بررسی و پس از تأیید ارزیابان، برای چاپ آماده می گردد.

- مسئولیت مطالب مقالات بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن است.

## فهرست مطالب

زمینه‌های تحول در حوزه‌های علمیه در دنیای معاصر

آیت‌الله علیرضا اعرافی ..... ۷

ضرورت مشارکت مردم در انتخابات

ابوالحسن بکتاش - سید روح‌الله لطیفی ..... ۱۳

مبانی معرفتی و ماهیت مشارکت سیاسی در سیاست متعالی امام خمینی علیه السلام

محمد سجادی فر ..... ۲۷

بایسته‌ها و نبایسته‌های رقابت‌های انتخاباتی

علی مجتبی‌زاده ..... ۴۷

الزامات مشارکت حداکثری در انتخابات نظام اسلامی

محمد ملک‌زاده ..... ۶۷

اخلاق انتخاباتی از دیدگاه قرآن و روایات معصومان علیهم السلام

علی ملکی ..... ۸۷

انتخابات و نظارت‌های شورای نگهبان / نشست علمی

سیدابراهیم حسینی - محمدرضا باقرزاده ..... ۱۰۷

پاسخ به پرسش‌ها و شبهات منتخب / انتخابات ..... ۱۱۹



## زمینه‌های تحول در حوزه‌های علمیه در دنیای معاصر

آیت‌الله علیرضا اعرافی\*

### اشاره

متن پیش‌رو سخنان حضرت آیت‌الله علیرضا اعرافی، به مناسبت آئین اختتامیه دومین جشنواره پاسخ برتر است. در این اختتامیه که در آغاز با پیام حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی شروع و با تقدیر از بخش چهره‌های برتر از حجت الاسلام والمسلمین علی ربانی گلپایگانی، حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی و حجت الاسلام والمسلمین ناصر رفیعی تقدیر و به پایان رسید.

### مقدمه

در جمع ما خطبا، وعاظ، محققان و پژوهشگران عزیزی هستند که در صحنه هدایت جامعه مؤثر هستند. عمده‌ترین هدف این جشنواره، تقدیر از کسانی است که به پاسخگویی تقید دارند و عزلت و انزوای کار علمی را ترجیح ندادند بلکه کار علمی را به میدان تبیین و تبلیغ و به‌ویژه گره‌گشایی عقده‌های ذهنی جامعه و بویژه نسل جوان گره

\*. عضو مجلس خبرگان رهبری و مدیر محترم حوزه‌های علمیه کشور. این متن گزیده‌ای است از سخنان ایشان در آئین اختتامیه دومین جشنواره برتر که از سوی مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) در سالن همایش‌های امین مرکز مدیریت حوزه در مورخ ۲۳ آبان‌ماه سال ۱۴۰۲ برگزار شد.

زدند، این پیام اصلی این جشنواره است. این جشنواره می‌گوید راه و رسم حوزه و خط مشی حرکت حوزه باید به‌گونه‌ای باشد که کانون‌های علم و تدریس و پژوهش و اندیشه‌ورزی را به کانون‌های تبیین و تبلیغ پیوند دهد، این رسالت ما است. این جشنواره هم به نوبه خود سعی می‌کند، از همه مراکز و مؤسسات و شخصیت‌های حقیقی و حقوقی حوزوی حاضر در این میدان بزرگ جهاد تبیین و تبلیغ و پاسخ به نیازها و پرسش‌ها و شبهه‌ها، تکریم کند.

### نکته اول: پیوند علوم دینی با نیازهای روز

یکی اینکه ما اگر در یک قرن اخیر پانزده تا شخصیت تراز اول را در نظر بگیریم و این‌ها در جریان تاریخ حوزه نبودند، خیلی دنیا فرق می‌کرد، شما علامه طباطبائی، که ایام بزرگداشت ایشان نزدیک است، تا امام، امام یکی از پاسخگویان به شبهه‌ها است، کشف الأسرار ایشان یک کتاب در گره‌گشایی از یک شبهه‌ای بود که به نگارش درآمد، شش ماه ایشان درس خودش را تعطیل کرد و کشف الأسرار را نوشت، با اینکه استاد برجسته حوزه بودند، دیدند یک خلأی وجود دارد، باید شش ماه درس را کنار بگذارند و به آن جواب بدهد، تا شهید مطهری، آیت‌الله مکارم، آیت‌الله سبحانی، آیت‌الله مصباح، آیت‌الله جوادی تا آیت‌الله شهید صدر در نجف و جمعی، شاید بیست یا سی تا در قله داریم عالمانی که اگر نبودند معضلات فکری بیشتر بود و شاید جریان جامعه هم طور دیگری رقم می‌خورد و به سمت دین‌داری به اندازه امروز حرکت نمی‌کرد.

ویژگی این مجموعه این است که تعهد به زمان خودشان دارند، آشنا با جریان‌ات فکری و معرفتی دنیای خود هستند و وارد میدان گفتگو با نسل و فرهنگ امروز و شناخت گره‌ها و تلاش برای گشودن آن گره‌ها شدند، این‌ها ویژگی‌هایی است که در همه نیست، همه روحانیت نور است، همه کارهای علمی تحقیقی، تدریس تدرّس، این‌ها همه بنیان‌های علم و دانش حوزه است، تمام این‌ها هم ارزش دارد، در همه قلمروهای علوم اسلامی را، باید هم عمق به روش درست و منهج صحیح را ادامه بدهیم و هم گسترش بدهیم مرزهای علوم اسلامی از فقه و کلام و فلسفه و حدیث و تفسیر و تمام شعبی که بوده است و امروز هم دامنه دارتر شده است. اما یک رویکرد می‌تواند به همه این‌ها شکل دیگری بدهد.



رویکرد چیست؟ رویکرد شناخت زمانه و پیاده کردن این معارف در بستر و فرهنگ زمان است، این پیاده‌سازی، این رویکرد همه آن‌ها را مقداری معنادارتر، پر جلوه و مؤثر می‌کند. البته این نکته مهم است که وقتی به متن میدان آمدیم، مشکل را شناختیم و تلاش کردیم تا پاسخ دهیم، این آمدن به میدان آن ذخائر و بنیادها را هم تقویت می‌کند، این داد و ستد میدان تبلیغ و تبیین با آن میدان بررسی و پژوهش است، همه پژوهشگران این را باید بدانند که اگر ملاصدرا نظریه‌های بزرگ آورد حتماً در زمان مواجه با یک واقعیت‌هایی شده است که آن‌ها را آورده است، شیخ مفید و شیخ طوسی و شیخ انصاری و دیگران هم همین‌طور هستند.

بنابراین اولین وظیفه ما این است آن رویکرد تبیینی، پاسخگویی و نقش‌آفرینی در میدان عمل را داشته باشیم، این رویکرد بر همه علوم ما، و تمام دانش‌های حوزوی و اسلامی چتر می‌افکند. اگر این رویکرد بر آن‌ها سایه بیفکند همه زنده می‌شوند و با پرسش‌های جدید، گره‌ها را باز می‌کنند و نور دیگری پیدا می‌شود. وقتی عالمان بخواهند مرزبانان و هادیان امت باشند، این نگاه جدید می‌تواند آن‌ها را به انجام وظیفه خودشان موفق کند.

### نکته دوم: توسعه علوم حوزوی با رویکرد ناظر به میدان نیاز جامعه

این نگاه میدانی، حضور در قلمرو پاسخ دادن، شناخت مشکلات یک بازتاب بسیار مهمی دارد بر حوزه تحقیق و پژوهش؛ یعنی تحقیق‌ها و پژوهش‌ها عمق و گسترش پیدا می‌کنند. گسترش علوم اسلامی از صدر اسلام، از دوره بعد از حضور در زمان غیبت، شکل‌گیری حوزه‌های علمیه به این معنای امروزی، گسترش حوزه‌ها و علوم اسلامی در شعاع مواجهه با واقعیت‌های خارجی بوده است، می‌گوییم موضوع را می‌شناسیم، مواجهه با حقائق خارجی می‌شوید، آن موضوع شما را تکان می‌دهد، ذهن شما را هم بازتر می‌کند، علم را هم توسعه می‌دهد.

بنابراین رویکرد میدانی و تبیین در صحنه و رفتن در عمق ذهن و ضمیر جامعه و جوان برای شناخت مسئله و معالجه مسئله و حل مشکل نیز وظیفه ذاتی است برای انجام آن هدایت و هم اینکه کمک می‌کند علوم ما گسترش پیدا کند، فقه و اصول و فلسفه و کلام و تفسیر و حدیث و معارف ما در علوم اسلامی همه با این پرسش‌ها غنا پیدا می‌کنند و این

یکی از رازهای تطوّر در علوم است. لذا آنچه که باید انتظار داشت این است که مؤسسات علمی و پژوهشی، درس‌ها و کلاس‌های علمی و تحقیقی حوزه و همه نظامات علمی حوزه این رویکرد ناظر به میدان را پیدا کنند، این رویکرد ناظر به میدان نیاز جامعه هم خدمتی به جامعه و نسل امروز و آیندگان و انجام وظیفه الهی است و هم اینکه از آن بازخوردی منعکس می‌شود و علوم ما را هم هدفمندانه و واقع بینانه توسعه می‌دهد، این نکته‌ای بسیار مهم است، ما در تبیین فرمایشات اخیر مقام معظم رهبری در حوزه تبلیغ، یکی از محورهایی که در طراحی‌هایی که دوستان کار می‌کنند مورد تأکید است این است که نظامات آموزشی، پژوهشی، درس و تدریس و این‌ها همه باید دست‌مايه و دروغ‌مايه تبلیغ و تبیین و پاسخ به سؤال و البته در قله آن پاسخ به شبهه باشد که مستحضرید پاسخ به شبهه یعنی یک مطلبی که گره افکننده است بر ذهن‌ها، جلوی دین‌داری، معنویت و پیشرفت معنوی و اخلاقی را گرفته است، باز کردن آن یک چیزی عمیق‌تر از این است که حالا سؤال دارد و جواب می‌دهید. خب همه آن‌ها این رویکرد را باید داشته باشند.

### **نکته سوم: لزوم شناخت رسانه‌های فضای مجازی**

نکته دیگری که بسیار اهمیت دارد شناخت فرهنگ و فضا و و محیط رسانه‌های نو و فضای مجازی است. حالا جامعه‌شناس‌ها و تحلیلگرها راجع به محیط فضای مجازی کارها کردند، خیلی کار می‌کنند. نکته اصلی این است که تا قبل از فضای مجازی ما یک محیط رسانه و فضای رسانه داشتیم ولی آن فضا تابعی بطور واضح از واقعیت‌های خارجی بود اما این گستره‌ای که فضای مجازی پیدا کرده است، یک دنیای جدیدی را خلق کرده است، یک محیط اجتماعی نو را آفریده است، یک فضای تازه‌ای را شکل داده است که این محیط گاهی بسیار بیشتر از محیط خارجی در تربیت و شکل‌گیری شخصیت‌ها مؤثر است. این دنیای جدید است، فضای رسانه و این‌ها هم همین‌طور هستند منتها امروز تبدیل شده است به محیط نو و یک محیط تازه‌ای داریم، این محیط نو با سرعت گره می‌خورد با هوش مصنوعی و امثال این‌ها، فناوری‌های سطح بالاتر.

این ترکیب رسانه و اینترنت و هوش مصنوعی دنیای جدیدی را به وجود آورده است و در حال پیشرفت است، مهم این است که این دنیا یک محیط تازه است. شما گاهی در همین

مسائل اجتماعی می‌بینید بچه‌هایی که در آن دنیا زندگی می‌کنند وقتی آن را کنار می‌گذارند و به دنیای خارجی می‌آیند اینجا یک چیز دیگری است، این دنیای جدید سؤال‌های نو، پرسش‌های دشوار و شبهه‌های گسترده دارد. محیطی که فرد در آن محیط اینطور رشد پیدا می‌کند، این حرف تازه‌ای است. پاسخگویی به شبهه امروز اگر بخواهد موفق شود و بویژه حرکت تهاجمی داشته باشد باید آن فضا را ببینید و بشناسد این محیط مجازی جدید یک محیط اجتماعی نو است با محاسن و معایب خودش، محاسن فراوان دارد در جای خودش، ما باید از همه آن خوبی‌ها استفاده کنیم و معایبی دارد. عیب آن این است که اگر کسی به آنجا برود یک حالت ایزوله شدن به او دست می‌دهد، انقطاع از واقعیت‌ها به او دست می‌دهد، ضمن اینکه آن محیط تا الان که ما اینجا نشستیم هشتاد نود درصد از آن دست تمدن غربی، فرهنگ و بیگانگان از منطق و فهم الهی است. حوزه و عالمان دین باید این محیط را تحلیل کنند و بشناسند، بدانیم محاسن و معایب و شیوه‌های حضور در آن محیط را و اصلاح آن محیط برای رفع مشکلاتی که به بعضی از آن‌ها در اینجا اشاره شد. این هم نکته‌ای است که نیازمند کار بیشتر همه ما است و باید برای آن تلاش کنیم.

### **نکته چهارم: لزوم تقویت بنیان‌های تمدن اسلامی در برابر تمدن غرب**

نکته دیگری را هم عرض کنم و آن اینکه بارها اشاره شده است، بزرگان ما هم فرمودند که تقابل اصلی ما در قصه انقلاب اسلامی یک تقابل گفتمانی است یعنی شاخص‌های مهم بنیادی تمدنی وجود دارد در گفتمان انقلاب اسلامی که برآمده از حوزه‌های علمیه است با آن تمدنی که در دنیا ساری و جاری است. این گفتمان ساری و جاری که از غرب ناشی می‌شود و ضمن اینکه محاسن خودش را هم دارد ولی می‌آید آن همه مشکل ایجاد می‌کند که یکی همین قساوتی است که امروز در اسرائیل و فلسطین اشغال شده می‌بینیم. اما بدتر از آن آشفتگی‌ای است که در دنیای علم و فرهنگ و سبک زندگی بوجود آورده است. این بنیاد باید شناخته شود، این بنیاد روی دانشگاه ما، فضای مجازی ما، علم ما، دانش ما، فلسفه ما، سبک زندگی ما، فناوری‌های ما، هنر ما، روی همه این‌ها تأثیرگذار است و شالوده این حوزه‌های مختلف است، شناخت آن مهم است، ما وقتی در حوزه می‌گوییم باید آن‌ها را بشناسیم خیلی باید وسواس داشته باشیم که نرویم در این شناخت غرق شویم و هضم

شویم، اصالت خودمان را حفظ کنیم ولی نمی‌توانیم این را نشانسیم، همان پیشگامانی که من عرض کردم در این یک قرن اخیر نقش بزرگی داشتند از قم تا نجف و مناطق دیگر، این ویژگی را داشتند که می‌فهمیدند چه اتفاقاتی در این لایه‌های بنیادین فکر و فرهنگ اتفاق می‌افتد. برای همین ما نیاز به این داریم که علم کلام در حوزه ده تا صد برابر رشد کند، با حفظ همان جایگاه فقاقت و این‌ها، علم کلام امروز ما پاسخگوی این دنیای پیچیده نیست، از کلام عقلی تا کلام نقلی، پایه‌های فلسفی آن تا برسد به مسائل نقلی.

عرایضی هم من در آنجا دارم و شما آگاه‌تر هستید، ما علم کلامی را امروز باید علوم کلامی بدانیم، یک خانواده علوم کلامی با شاخه‌های مختلف آن، کم و بیش در بعضی رشته‌ها و مسائل در آن درختواره به این توجه شده‌است ولی این قدم اول است واقعاً، این هم به نظرم بسیار مهم است. گسترش حوزه علوم کلامی؛ تا حدی هم به این مسئله در این طراحی‌ها توجه شده است ولی در میدان عمل خیلی کار می‌برد، ما باید روش عمیق اجتهادی و عقلی را در گسترش علوم کلامی بکار بگیریم، ضمن اینکه شیوه‌ها و روش‌ها را هم باید بسیار مهم بشماریم. بنابراین گسترش علوم کلامی ناظر به شبهه‌ها و پرسش‌ها و حل مشکلات و گسترش فناوری‌های تبلیغ و تبیین وظایفی است که بر دوش ما است.

مقدم همه خواهران و برادران و اساتید بزرگوار را گرامی می‌دارم، از همه مسئولان و فعالان برگزارکننده، دوستان شرکت‌کننده در این جشنواره تشکر می‌کنم و امیدوارم این جشنواره بتواند پیشرانی برای تحولات بیشتر و برای جهاد تبیین، تبلیغ جامع و پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهه‌ها داشته باشد با آن نگاه تهاجمی و بین‌المللی، ما بسیاری از این‌ها را به جاهای دیگری ببریم و حتی اگر پاتک می‌کنیم به اعماق نقاط دیگری ببریم و آنجا جلوی هجوم‌های اندیشه‌های ناروا را بگیریم. خیلی عذرخواهی می‌کنم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

## ضرورت مشارکت مردم در انتخابات

ابوالحسن بکتاش\*

سید روح الله لطیفی\*\*

### چکیده

انتخابات نهاد مردم‌سالاری در هر جامعه‌ای است که اعتبار آن ارتباط مستقیمی با میزان مشارکت مردم دارد، به‌گونه‌ای که افزایش یا کاهش مشارکت مردم به معنای تقویت یا تضعیف پایه‌های مردم‌سالاری است. در نظام اسلامی ایران نیز این مسئله حائز اهمیت فراوان است و ثبات و اقتدار نظام مرهون توجه به این امر است و به‌همین دلیل دشمنان نظام به دنبال کاهش مشارکت مردم هستند تا پایه‌های مشروعیت نظام را تضعیف کنند. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای ضمن پرداختن به ضرورت‌های مشارکت مردم در انتخابات، موانعی که منجر به کاهش مشارکت شده را مورد بررسی قرار داده و در پایان راهکارهایی برای فائق آمدن بر این موانع ارائه کرده مانند: آگاهی بخشی و بصیرت‌افزایی؛ درک احساس مؤثر بودن مشارکت مردم در انتخابات؛ لزوم توجه حاکمیت به مطالبات عمومی؛ توجه به عدالت اجتماعی و فعال کردن آن در لایه‌های مختلف حاکمیت و اقشار جامعه؛ ایجاد فضای رقابتی سالم در انتخابات؛ ارائه برنامه‌ها و اهداف از سوی نامزدها؛ پرهیز از نزاع‌های فردی و جناحی انحرافی؛ پرهیز از سیاه‌نمایی شرایط کشور؛ گوشزد کردن مسئولیت‌های ملی و شرعی مردم؛ تشویق به مشارکت در انتخابات از طریق نخبگان جامعه.

**واژگان کلیدی:** انتخابات، مردم‌سالاری، مشارکت، مردم.

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، استقرار نظام مردمسالاری دینی است. از مهم‌ترین ویژگی‌های چنین نظامی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش است که یکی از جلوه‌های آن مشارکت در انتخابات‌های مختلف و تعیین عمده مسئولان کشور از طریق فرایند انتخابات است. در همین راستا مقام معظم رهبری معتقدند: «در نظام اسلامی - یعنی مردمسالاری دینی - مردم انتخاب می‌کنند، تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیلهٔ منتخبان خودشان در اختیار دارند، اما این خواست و انتخاب و اراده در سایه هدایت الهی، هرگز بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود. نکتهٔ اصلی در مردمسالاری دینی این است. این يك هدیهٔ انقلاب اسلامی به ملت ایران است. این تجربهٔ جدید و جوانی است» (امام خامنه ای، ۱۳۸۰/۵/۱۱).

ایشان همچنین خاطر نشان می‌کنند: «در قانون اساسی ما و در تعالیم ما و راهنمایی‌های امام علیه السلام، همیشه بر این نکته تأکید شده است که نظام بدون حمایت و رأی و خواست مردم در حقیقت هیچ است؛ باید با اتکا به رأی مردم کسی بر سر کار بیاید. باید با اتکا به ارادهٔ مردم، نظام حرکت کند. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان، انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات دیگر مظاهر حضور رأی و اراده و خواست مردم است» (امام خامنه ای، ۱۳۸۰/۳/۱۴).

انتخابات نمایانگر قدرت مردمی و پشتوانهٔ ملی نظام است و به هر میزان مشارکت بیشتری در انتخابات شکل بگیرد و حضور گسترده‌تری را در این عرصه از سوی مردم شاهد باشیم، نظام از پشتوانه مستحکم‌تری برخوردار خواهد بود و در ادامه مسیرخویش با صلابت و قدرت بیشتری حرکت خواهد نمود. اهمیت و جایگاه ویژه انتخابات آنچنان است که دشمنان نظام اسلامی، تمامی تلاش خویش را به‌کارگیرند تا مردم را نسبت به شرکت در انتخابات دلسرد و مأیوس نمایند تا بدین وسیله نظام را از این پشتوانه قوی محروم سازند و بتوانند در روند حرکت نظام خلل وارد نمایند، از این‌رو برای خنثی نمودن توطئه دشمنان باید تدابیر و راهکارهایی اندیشید که از یک سو، موانع مشارکت مردم در انتخابات شناسایی و نسبت به رفع آن‌ها اقدام شود و از طرفی انگیزه مشارکت مردم در انتخابات افزایش پیدا

نماید و زمینه حضور حداکثری آنان فراهم گردد، در این مقاله سعی شده است، ضمن بررسی ضرورت مشارکت مردم در انتخابات، موانع عمده و راهکارهای برون رفت از آن مورد بررسی قرار گیرد.

### ضرورت مشارکت مردم در انتخابات و دلایل اهمیت آن

در ساختار سیاسی جهان امروز، برگزاری انتخابات و گزینش افراد اصلح، یکی از متداولترین اصول دموکراسی محسوب می‌شود؛ بدین معنا که آنچه موجب قوام و حافظ این اصول است، صرفاً ساختار قانونی نیست، بلکه مشارکت مردم است و این حضور سیاسی، با بارزترین مؤلفه انتخابات؛ یعنی حق رأی شهروندان همراه است.

از پیش‌شرط‌های لازم برای تحقق قانون، در نظر داشتن این حق و اهمیت مشارکت مردمی است، برای اینکه رأی ملت در واقع، راه ارتباطی مردم و حکومت شده و این‌گونه بین دو قطب تعامل صورت می‌پذیرد. خواست و اراده مردم زیربنا و ستون مردم‌سالاری دینی است و نظام سیاسی محقق نمی‌شود مگر با مشارکت و خواست همگانی، بدین خاطر نظام جمهوری اسلامی ایران با دارا بودن دو ویژگی اساسی، از دیگر نظام‌های حکومتی جهان متمایز می‌گردد. ۱- اسلامی بودن. ۲- مردمی بودن. افتخار نظام جمهوری اسلامی ایران در میان نظام‌های حکومتی، برخورداری از ویژگی خداباوری و مردم‌گرایی آن است. هنگامی که مردم مسلمان کشورمان به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام مبارزه با رژیم شاهنشاهی را به سرانجام رساندند، نظامی را جایگزین حکومت طاغوت کردند که شکل و خصوصیات آن با موازین اسلامی و دیدگاه‌های دینی هم‌خوانی داشت و ارزش‌ها و احکام الهی مبنای عمل مسؤلان آن بود.

این نظام که از متن مردم برخاسته بود و آرای عمومی جامعه را نیز با خود همراه داشت؛ هویت، روح و معنایش را از حضور مردم می‌گرفت و مردم در چارچوب احکام دین و قوانین شرع مقدس در سرنوشت خود تأثیرگذار بودند.

از آن‌جا که جمهوری اسلامی ایران، نظامی دینی و مردمی است، ثبات و اقتدار آن با حضور و مشارکت گسترده اقشار مختلف مردم در صحنه‌هایی چون انتخابات تأمین می‌گردد؛ چراکه انتخابات مهم‌ترین نمود مشارکت سیاسی و نیز نقش‌آفرینی مردم در تعیین



سرنوشت جامعه اسلامی است و دقیقاً به همین علت امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: «نگوید که دیگران رأی می‌دهند؛ من هم باید رأی بدهم. تو هم باید رأی بدهی، آن روستایی هم که کنار مزرعه خودش کار می‌کند باید رأی بدهد. تکلیف است، این يك تکلیف الهی است» (امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۵۸).

در واقع عدم حضور مردم در صحنه‌های انتخابات، پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران را سست می‌کند و باعث تضعیف دین و ارزش‌ها می‌گردد. همچنین حضور مردم در عرصه انتخابات، شگردهای تبلیغی دشمنان اسلام و ایران را خنثی می‌کند. آرزوی مستکبران و مخالفان دین و ایران، روی‌گردانی مردم از نظام الهی است. برای رسیدن به این آرزو، آنان با طرح برخی از کاستی‌ها و دشواری‌های اقتصادی، بر آند تا شاید بتوانند مردم را از حکومت اسلامی جدا کنند و ملت نیز با عدم حضور خود در پای صندوق‌های رأی، ناخرسندی خود از حاکمیت و اعراض خویش از نظام جمهوری اسلامی را اعلام نمایند.

### موانع مشارکت مردم در انتخابات

بررسی موانع مشارکت مردم در انتخابات و ارائه راهکارهای مثبت در جهت رفع آن‌ها، موجب ازدیاد شور و حال در این انتخابات خواهد بود. موانعی که به‌طور معمول از اجرای انتخابات پُرشور و با مشارکت حداکثری، جلوگیری می‌کند به دو قسم موانع درونی و موانع بیرونی قابل تقسیم هستند:

#### الف) موانع درونی

منظور از موانع درونی، آن موانعی است که از درون؛ طراوت و شادابی انتخابات را مورد تهدید قرار می‌دهد که می‌توان برخی از این موارد را به‌این‌صورت بیان کرد:

#### ۱. بی‌تفاوتی ناشی از عوامل روانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

از نظر روانشناسی مشاهده شده که در شرایطی که افسردگی، احساس یأس و احساس تنهایی در میان عامه مردم یا بخش‌هایی از آن‌ها گسترش پیدا کند، عزلت سیاسی و بی‌تفاوتی سیاسی (Political Apathy) نیز پدید می‌آید. همچنین مشاهده شده که افزایش میزان آموزش، بالا رفتن آگاهی‌های سیاسی، افزایش ثروت و شهرنشینی و بالأخره افزایش دسترسی به ارتباطات، میزان بی‌تفاوتی سیاسی را کاهش می‌دهد. از نظر سیاسی نیز





معمولاً در رژیم‌هایی که مشارکت سیاسی تشویق نمی‌شود و با تشکیل گروه‌ها و نهادهای مستقل مخالفت می‌شود، مشارکت سیاسی نیز محدود است؛ به همین دلیل گفته می‌شود علت اصلی کناره‌گیری برخی از افراد، بی‌تفاوتی سیاسی است که این بی‌تفاوتی محصول عوامل روانی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد.

## ۲. دل‌سرد کردن مردم

از جمله موانع درونی شرکت مردم در انتخابات، دل‌سرد کردن مردم است. لذا یکی از نقشه‌های حساب شده دشمنان خارجی و داخلی، دل‌سرد کردن و مأیوس نمودن مردم و در نتیجه نهادینه کردن، بی‌انگیزگی در آنان است. دل‌سرد کردن مردم، عموماً از دو راه صورت می‌پذیرد.

### ۱-۲. ایجاد شک و تردید

مقام معظم رهبری در این باره می‌گویند: «مبادا در روزنامه یا رسانه‌ای - به هر نحوش - یا در تبلیغاتی، طوری حرف زده بشود که مردم را نسبت به انتخابات دو دل بکنند ... مبادا کسانی در داخل محدوده نظام اسلامی پیدا بشوند که به این خواسته دشمن کمک کنند. به علت اختلافی که با زید و عمرو و بکری دارند، برای خاطر یک امر جزئی، کم اهمیت و احياناً شخصی یا گروهی، بیایند مردم را نسبت به این حقیقت عظیم - که حضور آنها را در صحنه نشان می‌دهد - مردّد و دل‌سرد بکنند» (امام خامنه‌ای، ۱۹ / ۱۰ / ۷۰).

### ۲-۲. تبلیغ ضعف مدیریت

یکی دیگر از مواردی که موجب دل‌سرد کردن مردم در انتخابات می‌شود، تبلیغ ضعف مدیریت مدیران عالی نظام است. ایشان تأکید می‌کنند: «... از عوامل دیگری که از موجبات واگرایی مردم است، تبلیغ ضعف مدیریت در کشور و نبود اقتدار است، که متأسفانه تبلیغات گوناگونی از جناح‌های مختلف کشور وجود دارد که انسان از این رنج می‌برد» (امام خامنه‌ای، ۵ / ۶ / ۸۲).

## ۳. وجود برخی تبعیض‌ها و برخی از بی‌عدالتی‌ها

از دیگر موارد موانع درونی، می‌توان به «وجود تبعیض و بی‌عدالتی» توسط برخی مسئولان اشاره نمود. رهبر انقلاب در این مورد تأکید می‌کنند: «... مسئله دیگری که از موجبات

واگرایی و دلسرد شدن مردم است، تبعیض‌ها و فرصت‌های اختصاص داده شده به اشخاص است که گاهی مشاهده می‌شود...» (امام خامنه‌ای، ۵ / ۶ / ۸۲).

## ۲. موانع بیرونی

منظور از موانع بیرونی آن موانعی است که از بیرون؛ طراوت و شادابی انتخابات را مورد تهدید قرار می‌دهد. بزرگترین مانع بیرونی، همان تبلیغ دشمنان است. بی‌گمان، دشمنان ملت ایران، درصدد یافتن راه‌های مختلف در جهت تضعیف نظام جمهوری اسلامی‌اند. یکی از این راه‌ها تبلیغ منفی در جهت کاستن از حضور گسترده مردم در انتخابات مختلف است. در این مورد به چند شیوه متوسل می‌شوند، اول آنکه با پاشیدن بذر تردید و شک و بدبینی، درصدد کم‌رنگ کردن شور مردمی می‌باشند؛ رهبر معظم انقلاب این توطئه دشمن را خاطر نشان کرده و هشدار می‌دهند: «دشمن می‌خواهد مردم را نسبت به آینده خودشان بدبین و ناامید کند... دشمن می‌خواهد بگوید مردم ایران نسبت به مسئولیت‌هایشان خوش‌بین نیستند و به آن‌ها اعتماد ندارند. دشمن می‌خواهد بگوید فاصله میان مردم و مسئولان به وجود آمده و این فاصله هر روز بیشتر می‌شود، این چیزها را دشمن دارد تفهیم و سمپاشی می‌کند. دشمن می‌خواهد بذر تردید و شک و بی‌اعتمادی و بدبینی در جامعه بپاشد» (امام خامنه‌ای، ۲۸ / ۷ / ۶۸).

دیگر آنکه با پخش شایعاتی از قبیل؛ وجود تقلب در انتخابات و ... در پی نیل به خواسته‌های شوم خود هستند. به تعبیر مقام معظم رهبری: «دشمن به همان اندازه‌ای که از اجتماع آراء در روز انتخابات ناراحت است، به همان اندازه هم درصدد است که اگر این تجربه به وسیله ملت ایران با موفقیت انجام شد، شیرینی انتخابات را به دهان مردم تلخ کند. از مدتی پیش دارند برای این قضیه برنامه‌ریزی می‌کنند. شایعه تقلب در انتخابات و صوری بودن آن را مطرح کردند، لطیفه و مثل درست کردند و در دهان مردم انداختند...» (امام خامنه‌ای، ۳۱ / ۲ / ۷۶).

البته در مقابل این موانع، راهکارهایی چون تشویق نخبگان جامعه و ایجاد فضای متعادل در مشارکت و رقابت‌های انتخاباتی و نیز برآورده شدن انتظارات و توقعات مردم با رعایت‌های لازم در مورد امانت در انتخابات می‌تواند برون‌رفتی مناسبی از موانع مذکور باشد.

## رفع موانع مشارکت با راهکارهای حضور حداکثری

علیرغم موانعی که در مسیر مشارکت مردم در انتخابات وجود دارد راهکارهایی وجود دارد که می‌تواند این موانع و دشواری‌ها را از سر راه برداشته و تحقق مشارکت حداکثری را تسهیل کند که در این بخش می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را به این صورت برشمرد:

### ۱. آگاهی بخشی و بصیرت افزایی

آگاهی بخشی و بصیرت افزایی در مردم، نقش مؤثری در افزایش مشارکت مردمی در انتخابات دارد، مردم اگر درک صحیحی از موقعیت و جایگاه کشور داشته باشند و حساسیت انتخابات ریاست جمهوری و نقش آن را در پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور و ناکامی دشمنان در دستیابی به اهداف خویش بشناسند، به یقین در عرصه انتخابات حضور پر رنگی پیدا خواهند کرد. مردم باید نسبت به این واقعیت آگاهی پیدا نمایند که نظام جمهوری اسلامی که بر پایه فرهنگ ناب اسلامی شکل گرفته است، با وجود مشکلات و ضعف‌هایی مدیریتی و داخلی و دشمنی‌ها و کارشکنی‌های خارجی توانسته است در مسیر پیشرفت گام برداشته و به دستاوردهای ارزنده‌ای در عرصه‌های مختلف دست یابد و افق روشنی را فراروی کشور روشن نموده است که ادامه این مسیر جز با پشتیبانی و همراهی مردم همانگونه که تاکنون چنین بوده است، امکان پذیر نخواهد بود و همین پیشرفت‌ها و حرکت رو به رشد کشور سبب شده که دشمنان نظام از جایگاه نظام جمهوری اسلامی و تأثیرگذاری آن و تبدیل شدن آن به الگویی برای کشورهای اسلامی احساس خطر نمایند و تلاش خویش را برای دشمنی با آن به کار بندند.

مردم باید بدانند که حضور آنان در صحنه، خنثی‌کننده بسیاری از توطئه‌های دشمنان بوده و امنیت بیشتری را برای کشور به ارمغان خواهد آورد، مقام معظم رهبری فرمودند: «گسترش مشارکت و حضور گسترده مردم در انتخابات اهمیت دارد. شور انتخاباتی در کشور و حضور مردم پای صندوق‌های رأی می‌تواند تهدیدهای دشمنان را بی‌اثر کند؛ می‌تواند دشمن را ناامید کند؛ می‌تواند امنیت کشور را تأمین کند. ملت عزیز ما در همه نقاط کشور این را بدانند؛ حضور گسترده آن‌ها در پای صندوق رأی، در آینده کشور تأثیر دارد؛ در امنیت، در استقلال، در ثروت ملی، در اقتصاد، در همه مسائل مهم کشور تأثیر می‌گذارد» (امام خامنه‌ای، ۹۲/۱/۱).



## ۲. شناخت و درک احساسی مؤثر بودن مشارکت مردم در انتخابات

طبق اصل ششم قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود از راه انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس، اعضای شوراهای و نظایر اینها و... لذا آگاهی و شناخت مردم از نقش مؤثرشان در اداره کشور و تعیین سرنوشت کشور می‌تواند انگیزه شرکت در آنان را افزایش داده و هرگونه ادعای بی‌فایده بودن رأی مردم و اتهام نمایشی و بی‌اثر بودن آرای آنها می‌تواند میزان مشارکت مردم را تضعیف و رو به کاستی ببرد، برای همین توجیه مردم در خصوص میزان نقش و تأثیری که در اداره آینده سیاسی کشور دارند و ملموس کردن این نقش و حق آنان در تعیین سرنوشت سیاسی کشور می‌تواند میزان مشارکت را به مراتب افزایش دهد.

## ۳. لزوم توجه حاکمیت به مطالبات عمومی

یکی از امور مهمی که توجه به آن، می‌تواند موجب حضور گسترده مردم در انتخابات باشد، عنایت حاکمیت به مطالبات عمومی و تلاش در راه رفع معضلات عمومی و مشکلات مردم است. در اینکه نظام اسلامی در طول این سالها، گام‌های بلندی را در این راستا برداشته است، شکی نیست اما تکیه گاه مردمی نظام، اقتضا دارد مسئولان امر بیش از پیش به رفع مشکلات جامعه پرداخته و فعالیت‌های کارشناسی را در راه تأمین هر چه بهتر و بیشتر مطالبات عمومی شدت بخشیده و زمینه آرامش و آسایش عمومی را در کنار حفظ آرمان‌های دینی و ملی نظام جمهوری اسلامی توسعه بخشند. وجود اختلاف طبقاتی، اقتصاد ناپایدار، رانت‌خواری‌های کلان در برخی لایه‌های نظام و جامعه، لابی‌گری برخی مسئولان نسبت به ترویج و اشاعه بی‌هویتی اجتماعی - اخلاقی از سوی کسانی که از موفقیت این نظام و مردم برومند ایران، خرسند نیستند، از جمله آسیب‌هایی هستند که حضور عمومی مردم در عرصه‌های مختلف تصمیم‌گیری، می‌تواند به شدت متأثر از آنها باشد. مسئولان وظیفه دارند نسبت به تأمین مایحتاج عمومی مردم به نحو احسن و با استفاده از امکانات موجود اهتمام بورزند؛ چراکه به قول حضرت امام راحل علیه السلام «ما هر چه داریم از این ملت است» (امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ص ۷۲)، ایشان در خصوص لزوم توجه به مصالح فرموده‌اند: «شما فکر این ملت، فکر این زاغه‌نشین‌ها، فکر این مردمی که همه چیزشان را

دادند و شما را به مسند نشانند، فکر آن‌ها را بکنید، شب وقتی خلوت می‌کنید، فکر بکنید که من امروز که کار کردم برای خودم کار کردم یا برای مردم، امروز که صحبت می‌کنم برای خودم صحبت می‌کنم یا برای مصالح کشور» (امام خمینی، همان، ج ۱۳، ص ۷۵).

مقام معظم رهبری نیز در این زمینه معتقدند: «مردم از اعماق وجودشان نظام اسلامی را می‌خواهند، منتها از این نظام اسلامی توقعاتی دارند و این توقعات باید برآورده شود. این توقعات، به حق هم هست. توقع عدل و رفاه و پیشرفت در امور زندگی و برطرف شدن مشکلات و کم شدن شکاف‌های طبقاتی، این توقعات، توقعات درستی است، همین چیزهایی است که اسلام به ما و مردم یاد داده، این‌ها تعلیمات اسلامی است» (امام خامنه‌ای، ۱۳ / ۱۲ / ۸۱).

#### ۴. توجه به عدالت اجتماعی و فعال کردن آن در لایه‌های مختلف حاکمیت و اقشار جامعه

چنانکه گذشت مردم از وجود ناعدالتی طبقاتی موجود در بسیاری از مناصب و شغل‌ها و رانت‌خواری‌های بخشی از افراد در عذابند، اینکه برخی از سیری بمیرند و برخی از گرسنگی، آن پول‌های بادآورده‌ای که فقط جیب قشری خاص و بی‌درد را می‌شناسد، همه و همه این‌ها می‌تواند به‌عنوان ناعدالتی اجتماعی، حضور مردم را در عرصه‌های مشارکتی تقلیل داده و کم‌رنگ نماید. مسئولان امر نباید فراموش کنند که اساس احکام الهی و میزان تشریح عدالت است، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید قیام به عدالت کنید (و در راستای برقراری آن بکوشید)، (نساء: ۱۳۵). عدالت در قانون آن است که همهٔ آحاد جامعه در برابر قانون علی‌السویه باشند و مفاد آن بدون هیچ استثنایی برای همه عملی گردد. عدالت اقتصادی از توصیه‌های اُکید اسلام بر حاکمان است. عدالت در زمینهٔ روابط اجتماعی در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است و برای حفظ عدالت اجتماعی برای اقشار مختلف جامعه حقوق خاصی معین کرده است، بدیهی است اگر نظامی نتواند حقوق افراد را مورد توجه قرار دهد نه تنها از پشتوانه مردمی بهره‌مند نمی‌گردد، بلکه در مقابل موجی علیه خود قرار می‌گیرد، امام خمینی علیه السلام در خصوص لزوم پرهیز از اختلافات و ضرورت توجه به مصالح کشور و مشکلات مردم در جمع هیئت دولت شهید رجایی فرمودند: «اگر بنا باشد که شما به‌جای اینکه اقتصاد مردم را درست کنید،

به جای اینکه این کشور را بررسی کنید، ببینید کجاهاست که مخروبه هست و مردم از همه چیز ساقط هستند، به جای این، اگر بنشینید سر مسند و با حرف و با فحاشی به هم، از آن مسائل غفلت بکنید؛ این همان است که قدرت‌های بزرگ می‌خواهند تا این مملکت خرابه بماند و صدای مردم درآید، اگر شما به مردم کار نداشته باشید، به مصالح مردم، به مصالح کشور کار نداشته باشید، فقط مشغول این باشید که من چطور، شما چطور، من چطورم، شما چطوری، مردم با من هستند، مردم با شما هستند، اگر فکر این باشید این همان است که آمریکا می‌خواهد» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۲۰۲) و باز فرمودند: «بپرهیزید از اینکه از ملت جدا شوید، شما را بخواهند جدا کنند» (امام خمینی، همان، ج ۹، ص ۱۴۴)، «هر چه خوف دارید از خودتان بترسید از اینکه مبادا خدای نخواستہ مسیر، یک مسیر دیگر بشود، راه، راه دیگری باشد و توجه به این چیزی که الآن هست از دست برود و مردمی بودن از دستتان برود که - خدای نخواستہ - یک وقت این قضیه پیش آمد و شما از مردمی بودن بیرون رفتید و یک موضع دیگری پیدا کردید... آن وقت بدانید که آسیب می‌بینید» (امام خمینی، همان، ج ۱۶، ص ۴۴۶).

بر همین اساس در صورت مواجه شدن با افرادی که در جامعه به دلیل وجود فضای تبعیض و بی‌عدالتی حاضر به مشارکت در انتخابات نیستند ابتدا باید این‌گونه افراد را با ادله صحیح، قانع کرد که منکر برخی بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها در سطوح جامعه نیستیم، اما باید توجه داشت که این تبعیض‌ها در نظام اسلامی، یک امر ناخواستہ و تحمیلی است که باید با آن برخورد شود. علت اصلی شکل‌گیری نظامی به نام «جمهوری اسلامی ایران» ایجاد و اجرای عدالت است. حال اگر در برخی سطوح جامعه ما، برخی از مدیران تبعیضات ناروایی را اعمال می‌کنند، این مسئله را نباید به تمام ارکان نظام تسری داد. قطعاً، مسئولان درجه اول نظام، از این اتهام مبرا هستند و تمام تلاش و سعی آنان بر رفع تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه استوار شده است.

در مرحله بعد باید به این‌گونه افراد گفت که بر فرض هم ایراداتی بر حکومت وارد باشد، تبعیض در آن وجود داشته باشد، آیا این امر موجب خواهد شد تا از حق قانونی و ملی خود بگذریم، درحالی‌که شرکت در انتخابات همانا استیفای حقوق خود ماست، اصلاً در یک

جامعه‌ای (بفرض) تبعیض وجود داشته باشد، در این صورت شرکت در انتخابات امری لازم است؛ چراکه می‌توانیم با انتخاب انسان‌های شایسته، مدیران ناصالح و غیرمتعهد را کنار بزنیم و حکومت شایسته‌ای را بر روی کار آوریم.

#### ۵. ایجاد فضای رقابتی سالم در انتخابات

فضای رقابتی سالم بین نامزدهای انتخابی از عناصر قابل توجه در اقبال عمومی به انتخابات و حضور حداکثری در آنها به‌شمار می‌آید. ضروری است هم حاکمیت و هم جامعه در راستای ایجاد فضای رقابتی سالم برای انتخابات تلاش وافر کرده تا از این رهگذر زمینه مشارکت عمومی در رأی‌گیری فراهم آید. هر چند وظیفه خود نامزدها را نیز در این خصوص نباید از نظر دور داشت.

#### ۶. ارائه برنامه‌ها و اهداف از سوی نامزدها

ارائه برنامه‌ها و اهداف از سوی نامزدهای انتخاباتی برای مردم مهم و در پیشگاه آنها حیاتی است. دغدغه اساسی مردم، از حیث درون اجتماعی، رفع مشکلات و معضلات جامعه، ارتقاء سطح بهینه‌سازی و توسعه کشور در عرصه‌های مختلف رشد و تکنولوژی و در حوزه بین الملل، رساندن ایران همراه با اقتدار دینی و ملی به جایگاهی است که شایسته آن است. از این‌روی آنچه برای مردم حایز اهمیت بوده و بالتبع در تشریح مساعی آنها در انتخابات مؤثر می‌نماید، عملیاتی کردن آن اهداف است، بدیهی است بیان راهکارهای اجرایی کردن برنامه‌ها برای مردم تأثیر به‌سزایی در ارزیابی آنها نسبت به تأیید و یا رد نامزدها با حضورشان در انتخابات دارد. حال اگر نامزدهای انتخاباتی از داشتن برنامه‌های تأثیرگذار و نیز راهکارهای عملیاتی کردن آنها دست خالی باشند و یا در اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی آنها برای افکار عمومی ضعف داشته باشند، نه تنها در جلب آرا موفق نخواهند بود بلکه در اقبال مقتدرانه مردم به انتخابات نیز تأثیر منفی دارند.

#### ۷. پرهیز از نزاع‌های فردی و جناحی

نامزدها باید بدانند که مردم از نزاع‌های جناحی خرسند نیستند، بنابراین لازم است کاندیدها، گرایش‌های خاص حزبی و جناحی را کنار گذاشته و آنچه را که گرهی از کار مردم باز نماید، انجام دهند و در ارائه طرح‌ها و راهکارهای عملیاتی‌کردن آنها، به دور از



بزرگ‌نمایی، شعارهای چشمگیر و دهان‌پرکن، صادقانه با مردم صحبت کنند. روشن است که مردم وقتی صداقت را در شخصی دیدند او را می‌جویند و اگر انتخاباتی بر این رویه حسنه محقق شود، حضور مردم در آن به اوج خود می‌رسد.

البته هر انتخاباتی به اقتضای موضوعش، شرایط و خصوصیات لازم برای نامزدها از جمله تعهد، دانش، تخصص و کارآمدی مورد نظر را تعیین می‌کند.

در این خصوص نکته مهم‌تر تبیین این مسئله مهم برای مردم است تا بدینوسیله زمینه‌های شناخت واجدین صلاحیت و حضور آگاهانه و متراکم آن‌ها در انتخابات فراهم آید، بدیهی است عدم اهتمام به چنین مهمی از سوی مسئولان مربوطه و عدم تلاش رأی‌دهندگان در راستای تشخیص شرایط لازم در نامزدها، به نوعی می‌تواند در تنزل کمی و کیفی انتخاب تأثیر قابل توجه داشته باشد.

#### ۸. پرهیز از سیاه‌نمایی شرایط کشور

هر چند وجود برخی از مشکلات به ویژه مشکلات اقتصادی، گرانی، تورم و نوسانات قیمت‌ها قابل انکار نیست، اما نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آنان باید از سیاه‌نمایی و بزرگ‌نمایی مشکلات کشور و نادیده انگاشتن اقدامات و عملکردهای مثبت پرهیز نمایند و با ارزیابی منصفانه و منطقی از شرایط کشور، برای برطرف شدن مشکلات چاره‌اندیشی نموده و برنامه روشنی ارائه دهند، به‌هرحال دولت‌های گذشته دارای نقاط ضعف و قوتی بوده‌اند که در ارزیابی وضعیت کلی کشور باید به مجموعه این نقاط توجه شود و برای برطرف نمودن نقاط ضعف و کاستی‌ها و تقویت نقاط مثبت راهکارهایی معرفی گردد، سیاه‌نمایی وضعیت کشور ضمن اینکه انگیزه مشارکت را در مردم کاهش خواهد داد، دانسته یا نادانسته حرکت در راستای اهداف دشمنان محسوب خواهد شد.

#### ۹. گوشزد کردن مسئولیت‌های ملی و شرعی به مردم

به عبارتی باید به آن‌هایی که به بهانه‌های مختلف در انتخابات شرکت نمی‌کنند، متذکر شد که شرکت در انتخابات يك حق و يك وظیفه ملی و اسلامی است و بی‌تفاوتی در مقابل این حق، خیانت به اسلام و کشور است، همان‌طوری‌که حضرت امام خمینی علیه السلام معتقدند که «باید ملت شریف بدانند که انحراف از این امر مهم اسلامی [انتخابات] خیانت به اسلام و کشور



است و موجب مسئولیت عظیم است» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۱۲، ص ۳). همچنین باید از منظر «شرعی» به آنان خاطر نشان کرد که شرکت در انتخابات يك امر شرعی و دینی است و شرکت نکردن در آن حرام است، این سخن را می‌توان با استناد به کلام برخی از بزرگان بیان نمود، به‌عنوان نمونه حضرت امام علیه السلام معتقدند که: «باید همه شما، همه ما، زن و مرد، هر مکلف، همان‌طور که باید نماز بخواند، همان‌طور باید سرنوشت خودش را تعیین کند» (موسوی خمینی، همان، ج ۱۵، ص ۱۶۸)، همین‌طور می‌توان به فتوای بسیاری از مراجع کنونی اشاره نمود که در آستانه هر انتخاباتی در نظام جمهوری اسلامی ایران، مقلدان خود و عموم مردم را به شرکت در این امر فرا می‌خوانند و این مسئله را يك تکلیف شرعی و دینی قلمداد می‌نمایند.

#### ۱۰. تشویق به مشارکت در انتخابات از طریق نخبگان جامعه

نخبگان جامعه می‌توانند با تشویق مردم به شرکت در انتخابات، موجب پرشوری این انتخابات شوند. حضرت امام علیه السلام در وصیتنامه خویش تأکید می‌کنند: «وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات در صحنه باشند...» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۲۱، ص ۱۸۷) و به این طریق مردم را تشویق به شرکت در این امر مهم می‌نمایند. ایشان همچنین با گوشزدکردن این مهم که حفظ اسلام در گرو شرکت مردم در انتخابات است، همگان را تشویق به شرکت در انتخابات کرده و خاطر نشان می‌کنند: «مردم اگر اسلام را، استقلال و آزادی را، نبودن تحت اسارت شرق و غرب را می‌خواهند، همه در انتخابات شرکت کنند، و در صحنه حاضر باشند» (موسوی خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۱۸، ص ۱۸۰).

#### نتیجه گیری

مشارکت مردم در انتخابات‌های مختلف، رکن رکین نظام مردم‌سالار جمهوری اسلامی ایران است که دشمنان این نظام نسبت به کم‌رنگ کردن آن طراحی‌های فراوانی دارند تا بدینوسیله پایه‌های مردمی این نظام را سست و آن را آسیب‌پذیر نمایند. از این‌روی شناخت موانع مشارکت مردم در انتخابات برای پیشگیری از به ثمر رسیدن این توطئه دشمنان ضروری است که در این راستا در این مقاله به دو دسته عوامل درونی و برونی اشاره شد و

در پایان راهکارهایی برای برون رفت از این شرایط و برچیده شدن موانع ارائه شد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی؛ شناخت و درک احساس مؤثر بودن مشارکت مردم در انتخابات؛ لزوم توجه حاکمیت به مطالبات عمومی؛ توجه به عدالت اجتماعی و فعال کردن آن در لایه‌های مختلف حاکمیت و افشار جامعه؛ ایجاد فضای رقابتی سالم در انتخابات؛ ارائه برنامه‌ها و اهداف از سوی نامزدها؛ پرهیز از نزاع‌های فردی و جناحی انحرافی؛ پرهیز از سیاه‌نمایی شرایط کشور؛ گوشزد کردن مسئولیت‌های ملی و شرعی مردم؛ تشویق به مشارکت در انتخابات از طریق نخبگان جامعه است.

### فهرست منابع

#### قرآن کریم

۱. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۸.
۲. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.

## مبانی معرفتی و ماهیت مشارکت سیاسی در سیاست متعالی

### امام خمینی علیه السلام

محمد سجادی فر\*

#### چکیده

مشارکت سیاسی به عنوان مداخله مؤثر مردم در امور سیاسی، یکی از اساسی‌ترین اصول نظام‌های مردم‌سالار است. در سیاست متعالی امام خمینی علیه السلام نیز هیچ ساختار سیاسی - اجتماعی بدون اذن و اراده مردم مورد پذیرش قرار نگرفته است. این پژوهش از روش اسنادی - کتابخانه‌ای و توصیف و تبیین محتوا بهره گرفته و هدف آن یافتن پاسخ به این پرسش است که امام خمینی علیه السلام مشارکت سیاسی را چگونه ترسیم نموده و بر چه مبانی آن را استوار کرده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که امام خمینی علیه السلام با تفسیر توحیدمحور از هستی، انسان و جامعه و نیز پیوند دادن دنیا و آخرت، نظام سیاسی - اجتماعی را بستری برای رشد فضائل و کرامات انسانی برمی‌شمارد و سیاست را تدبیر امور و تربیت و هدایت مردم، به جهت دستیابی به مصالح و منافع دنیوی و اخروی تعریف می‌کند. نتیجه اینکه مشارکت سیاسی، وظیفه‌مدار و تکلیف‌محور است. هر فردی به میزان توان خود موظف و مسئول است تا با مشارکت خویش مصالح و منافع جامعه را به مثابه یک عبادت فراگیر برپا دارد. مشارکت در هر شکلی که مورد نیاز باشد باید به همان شیوه عمل گردد. **واژگان کلیدی:** امام خمینی علیه السلام، مشارکت سیاسی، سیاست متعالیه، نظام توحیدی، تکلیف‌پذیری.

زیست جمعی و تشکیل جامعه، پاسخ به بخشی از نیازهای انسان است که به تنهایی نمی‌تواند آن را برآورده کند. مشقت در دستیابی بر منابع زیستی و پایدارسازی آن‌ها و احیاناً کمبود منابع، سازوکارهای اجتماعی و تشکیلات به‌خصوصی را در پی داشته است. مشارکت سیاسی و فعالیت سیاسی در اسلام - به‌عنوان یک دین جامع - از همان ابتدا وظیفه‌ای همگانی برشمرده شده است تا جایی که پیشینه این مسئله در اندیشه اسلامی نشان از آن دارد که هر کدام از اندیشمندان نحله‌های مختلف اسلامی، آن را بخشی از قلمرو تخصصی خود به‌شمار بیاورند. چنانچه برخی مسئله سیاست را گسترده‌ترین و پر مناقشه‌ترین مسئله امت اسلامی از حیث نظری و عملی دانسته‌اند (ر.ک: شهرستانی، الملل و النحل ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲).

در عصر حاضر نیز جاذبه‌های نظریه سیاسی امام خمینی علیه السلام توجه بسیاری از اندیشمندان، دانشگاه‌ها و مراکز مطالعاتی جهان را به خود معطوف ساخته است. چنانچه جلوه‌های این امر را می‌توان در رشد شمار پژوهشگران، مؤسسات پژوهشی، مقالات علمی و مراکز دانشگاهی مشغول به این جریان، خصوصاً در آمریکای شمالی و اروپای غربی مشاهده کرد (ر.ک: عبدالمطلب، راهنمای مطالعات انقلاب اسلامی در دانشگاه‌های آمریکای شمالی و اروپای غربی، ۱۳۹۵، ص ۶).

در این پژوهش از روش تحلیل مضمون بهره گرفته شده است. تحلیل مضمون، شیوه‌ای در روش پژوهش کیفی است که بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوی معانی داده‌های کیفی تمرکز دارد. داده‌ها و اطلاعات اولیه این پژوهش برگرفته از مجموعه آثار، تألیفات، بیانات، پیام‌ها و موضع‌گیری‌ها که در قالب اسناد متنی - کتاب، مجلات، سایت و نرم افزار - با شیوه «تحلیل متن» یا به تعبیر موریس دورژ «روش کلاسیک» (دورژ، اصول علم سیاست، ۱۳۶۹، ص ۱۰۴) برگزیده شده است. هندسه مشارکت سیاسی متشکل از اضلاع هستی‌شناختی و جایگاه انسان در هستی، ماهیت نظام اجتماعی و سیاسی و نحوه مشارکت و دخالت در امور سیاسی است.



## مفهوم‌شناسی

### الف) مشارکت سیاسی

مفهوم مشارکت سیاسی قرابتی نزدیک و تداخل مفهومی با رقابت سیاسی دارد. این هم‌جنسی و هم‌خانوادگی سبب پیوند این دو گشته و در کنار هم فهمیده می‌شوند به‌گونه‌ای که اساساً رقابت سیاسی در بستر مشارکت سیاسی معنا می‌یابد و اساس و قوام دموکراسی را تشکیل می‌دهند (بشیریه، آموزش دانش سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۵؛ کوهن، دموکراسی، ۱۳۷۳، ص ۳۷۵). مشارکت سیاسی، علی‌رغم هم‌زاد بودن با جامعه سیاسی در دوران گذشته، به لحاظ مفهومی در عصر دولت‌های مدرن امروزی به ادبیات سیاسی وارد شده است (ارسطو، سیاست، ۱۳۷۱، ص ۱۰۱).

اندیشمندان در توصیف مفهوم مشارکت بیانی واحدی ندارند و در حدود، ثغور و مصادیق آن اتفاق نظر و اجماعی یافت نمی‌شود (نصرآبادی، تکثرگرایی سیاسی در اسلام، ۱۳۹۱، ص ۵۰؛ راش، جامعه و سیاست، ۱۳۸۸، ص ۱۲۳؛ حسینی، مشارکت سیاسی از دیدگاه قرآن، ۱۳۸۱، ص ۳۶). وایتز نیز ضمن بررسی تعاریف متعدد از مشارکت، پس از بیان ده مقدمه تلاش نموده است که تعریفی ارائه دهد که هم شمول و هم عمومیت داشته و به نحوی جامع همه آن تعاریف باشد و هم فعالیت‌هایی را که در جوامع مختلف به‌عنوان مشارکت سیاسی شناخته شده‌اند را پوشش دهد (پای و دیگران، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳-۲۴۷). شاید بتوان مشکل اصلی را دو نکته بیان کرد؛ اول، بداهت مفهوم مشارکت سیاسی و دوم، مصادیق آن. بنابراین مشارکت سیاسی امری بدیهی است که دارای مصادیق و شئون متعددی است که همان دخالت مؤثر به‌صورت ایجابی و یا سلبی در امور سیاسی و شئون مختلف آن است.

به‌طور کلی مشارکت سیاسی عبارت است از هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع و نامشروع برای تأثیر بر انتخاب رهبران، سیاست‌ها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی را مشارکت سیاسی گویند. همچنین ورود و پرداختن انتخاب‌گرا و فعالانه در امور سیاسی، نظارت و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری، صورت‌بندی و هدایت سیاست را، مشارکت سیاسی گویند و مفهوم آن دربرگیرنده مصونیت‌بخشی به منافع، حقوق و تأمین آزادی‌های اجتماعی - سیاسی نیز هست (لیپست، دایرة المعارف دموکراسی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۴۱؛ آقابخشی،



فرهنگ علوم سیاسی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۸؛ بیات، فرهنگ واژه‌ها، ۱۳۸۱، ص ۲۷۴؛ بابائی، فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، ۱۳۹۱، ص ۷۸۳؛ آشوری، دانشنامه سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۲.

### ب: نظریه سیاسی

نظریه سیاسی، کاربردی کردن اندیشه‌های سیاسی بر اساس ظرفیت‌های جامعه گفته می‌شود و نظریه‌پرداز تلاش می‌کند تا با نظم و قوام ببخشیدن به اندیشه خود و ساختارپذیر جلوه‌دادن آن منطبق با واقعیت‌های مرتبط با حیات سیاسی و زمینه‌های کلی و امکانات اجتماعی، نظریه خود را طراحی و مهندسی نماید، از این جهت آن را نظریه تجویزی هم گفته‌اند (اسپرینگز، فهم نظریه‌های سیاسی، ۱۳۷۷، ص ۱۷-۳۳) از طرفی چون نظریه‌های سیاسی مبتنی بر استلزامات هستی‌شناسانه و انسان‌شناختی هست، لوازم و الزامات خاصی را برای راهبردهای سیاسی رقم می‌زند؛ به این معنا که نظام‌های سیاسی باید در راستای برآورده کردن مقتضیات نوع ماهیت این جهان و انسان طراحی گردند. اهمیت ماهیت انسان در ساختار و صورت‌بندی یک نظریه سیاسی تا آنجاست که نقد بنیادین نظریه سیاسی را می‌توان در واقع، نقد انسان‌شناسی مستتر در آن دانست (نک: شجاعیان، ماهیت انسان و نظریه سیاسی، ۱۳۹۶، ص ۳) ابتناء اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام با جهات هستی‌شناسی و انسان‌شناختی به‌گونه‌ای است که نظریه سیاسی ایشان لازمه منطقی پذیرش هستی‌شناسی و انسان‌شناختی ایشان می‌باشد. ایشان مانند انبیا الهی مهم‌ترین هدف تشکیل حکومت و سیاست را نیل به کمال و سعادت و تلاش برای رفع موانع کمال‌طلبی برمی‌شمارد (ر.ک: عبدالحسین خسروپناه، منظومه فکری امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۶، ص ۵۷۷). امام خمینی علیه السلام آراء خویش را بر پایه عقل، تجربه و وحی صورت‌بندی کرده و همه حوزه‌های فکری ایشان - علاوه بر چارچوب‌های معرفتی مشخصی که دارند - دارای هویت جمعی واحدی برابر با کل ساختار و هندسه معرفتی حاکم بر اندیشه‌های ایشان می‌باشند (سجادی فر و دیگران، اثرپذیری نظریه سیاسی امام خمینی علیه السلام از ماهیت انسان، ۱۴۰۰، ص ۵۸-۴۳).

### ۱. مبانی معرفتی مشارکت سیاسی

این مبانی در سه موضوع «خدامحوری هستی»، «جامعه‌شناسی توحیدی» و «سیاست متعالیه» به صورت استقرائی پایش و رصد شده و مورد توصیف و تبیین قرار گرفته است.

## ۱-۱. خدا محوری هستی

در نگاه امام خمینی علیه السلام، هستی فراتر از ماده، اعم از غیب و شهود، هدفمند و دارای مبدأ و معاد و مخلوق آفریدگار بی‌همتا است که با نظامی احسن آفریده شده و إعطاء و سلب وجود از آن منحصر در ذات اقدسش می‌باشد. انسجام، غایت‌مداری و هدف‌مندی همه گیتی امام خمینی علیه السلام را به این فهم از هستی سوق داده است که «طریقه غایت‌آمال و نهایت حرکات و منتهای اشتیاقات و مرجع موجودات و معشوق کائنات و محبوب عشاق و مطلوب مجذوبین را ذات مقدس خداوند است» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۸۸، ج ۵، ص ۳۸۷، ج ۱۵، ص ۷۱، ج ۲۱، ص ۲۲۲؛ همان، شرح چهل حدیث، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷؛ همان، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۵، ص ۱۰). در این بینش همه‌گیتی، از جمله انسان مفطور به فطرت خداشناسی است و انسان از عجائب خلقت و برخوردار از دو نشئه مُلک و ملکوت با قوا، مقامات و درجات متفاوتی است و معرکه مقامات و قوای رحمانی و شیطانی است که اولی به ملکوت اعلی دعوت می‌کند و دیگری به ملک سفلی و شقاوت می‌کشاند (همان، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۲۸۰؛ همان، شرح چهل حدیث، ۱۳۸۰، ص ۵ و ص ۳۸۷) در این نگاه هم و غم انسان این نیست که فقط بخورد، بیاشامد، بپوشد، شهوترانی کند، قدرت به دست آورد، ثروتمند شود، تنومند گردد و نسبت به موجودات دیگر و طبیعت، دانش و آگاهی بیابد و یا اینکه بر همه انسان‌ها پیشی بگیرد و غلبه پیدا کند (همان، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۴۳۲؛ همان، شرح دعای سحر، ۱۳۸۸، ص ۴۰) بلکه انسان بر اساس فطرت خویش، میل به خیر و کمال دارد و از نقص و بدی منزجر است (همان، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۷۷). این همه ناآرامی‌ها و کوشش‌های بشر جهت رسیدن به کمال مطلق است و به‌هیچ مرتبه‌ای قانع نمی‌شود و تا بدانجا پیش می‌رود که هیچ‌گونه نقصی در خود نبیند و به کمال کامل و بدون هرگونه عیب و نقصی نائل شود (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۲۰۶-۲۱۱؛ ج ۱۷، ص ۵۲۴؛ مصباح یزدی، نظریه سیاسی اسلام، ۱۳۸۰، ص ۱۳-۹؛ همان، مجموعه آثار مشکات، ۱۳۹۰، ص ۵۷-۵۳). سبب این حالت انسان همان فقر فراگیر و ذاتی اوست که او را به طرف خداوند سبحان بر می‌انگیزاند و آرامش خویش را در تقرب به حضرتش می‌یابد (جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷-۱۶۵؛ مصباح یزدی، مجموعه آثار مشکات، ۱۳۹۰، ص ۵۵). چنانچه در بیانی از امام خمینی مطرح شده است: «تقرّب به حق تعالی سرچشمه همه سعادات است و دوری از آن ساحت مقدّس، مایه



همه شقاوت‌ها است» (موسوی خمینی، آداب الصلوة، ۱۳۷۰، ص ۱۴۳؛ همان، شرح حدیث جنودعقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۳۴۶). رشد واقعی انسان تنها در پناه ایمان و عمل صالح و در گرو پرهیز از مشتهیات و هواهای نفسانی است (همان، شرح حدیث جنودعقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۲۹۰)؛ زیرا توسعه‌ای که در سایه ایمان و عمل صالح به دست نیاید نه تنها رشد، توسعه و کمال حقیقی معنا نمی‌شود بلکه چیزی جز حرمان و نقصان به دنبال ندارد (جعفری، انسان در افق قرآن، ۱۳۶۱، ص ۳۶؛ مصباح یزدی، نظریه سیاسی اسلام، ۱۳۸۰، ص ۷۰؛ همان، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷).

### ۲-۱. جامعه‌شناسی توحیدی

انسان و جامعه توحیدی، بهترین تفسیر از نگاه امام خمینی به جامعه و انسان است (قاسمی پطروودی، حکومت دینی در اندیشه سیاسی توماس آکویناس و امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱). پذیرش مالکیت مطلق خداوند و سلطه فراگیر او موجب گردیده تا تکلیف‌گرایی و عمل بر اساس تکلیف نقش به‌سزایی در اندیشه‌های امام خمینی پیدا کند (لکزائی، سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۶-۱۳۰). در این رویکرد، انسان مدنی بالطبع و دارای گوهر اختیار و آزادی است و هیچ یک از افراد بشر نمی‌تواند فرد دیگری را به قید بکشد و یا او را مورد تعرض قرار دهد (موسوی خمینی، مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۸؛ همان، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۳۳؛ همان، شرح حدیث جنودعقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۱۰۲؛ همان، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۴۶۷؛ انصاری، حدیث بیداری، ۱۳۸۰، ص ۱۷۷؛ براتعلی‌پور، ساختار جامعه و دولت دینی، ۱۳۹۰، ص ۷۸-۶۳). امام خمینی علیه السلام با استناد به آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ (رعد: ۱۱) تغییرات اجتماعی را حاصل تلاش خود انسان می‌داند (موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۴۲؛ ج ۱۰، ص ۱۳۰). برخلاف رهبران فکری مادی‌گرایی که با جامعه، مانند یک کارخانه بزرگ صنعتی رفتار می‌کنند و بر جان و مال و سرنوشتان سلطه دارند و می‌توانند هر گونه که بخواهند آن را رقم بزنند. امام خمینی علیه السلام معتقد است که جامعه متشکل از انسان‌ها و دارای بُعد معنوی و روح عرفانی است (همان، کتاب البیع، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۴۲ و ۶۶۳؛ صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۴۱۰). در این دیدگاه جامعه یک چیز از پیش ساخته‌ای نیست که انسان به اجبار بپذیرد و چونان چرخه‌ای در مجموعه آن بچرخد و به گردش درآید. جامعه، ساختار و





بستری برای تأمین نیازمندی‌ها و زائیده مقاصد و خواست افرادش است. از این رو، جامعه به ذاته و فی نفسه، نه متّصف به شر می‌گردد و نه متّصف به خیر؛ زیرا شر بودن جامعه و خیر بودن آن، معطوف به شیوه‌های تأمین نیازها و اهداف و مقاصد افراد همان جامعه است (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۲۹۰-۲۹۴). امام خمینی با نسبت دادن صلاح و فساد جوامع به انسان‌های صالح و فاسد، مبدأ همه کمالات انسان و جوامع را بندگی خدا و ترک هواهای نفسانی، و نیز مبدأ همه کاستی‌ها را حب نفس و خود خواهی و راه اصلاح تمام مفاسد را نیز اقبال به حق معرفی کرده‌اند (همان، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ص ۲۹۲-۲۹۴؛ همان، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۳۳۸).

### ۳-۱. سیاست متعالیه

مفهوم و چیستی سیاست در اندیشه امام خمینی علیه السلام هماهنگ با نظام فکری و نگرش ایشان به هستی، انسان و جامعه است. ایشان با نقض معانی سیاست، آن را به سه قسم سیاست شیطانی، سیاست مادی و سیاست الهی تقسیم می‌کند و ضمن رد و ابطال سیاست شیطانی، سیاست مادی را بنابر فرض اینکه صحیح و کامل هم اجرا بشود، باز هم ناقص می‌داند؛ زیرا که این سیاست تنها متوجه بُعدی از ابعاد انسان شده است و این در حالی است که انسان منحصر به بُعد مادی نیست و بُعد دیگری هم دارد که فرامادی و روحانی است و حقیقت انسان هم همان بُعد روحانی است. سیاست کامل، همان توجه به تمام ابعاد انسان است. ایشان در بیانی سیاست را این‌گونه تعریف می‌کند:

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد، و این‌ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان است، صلاح ملت است، صلاح افراد است» (موسوی خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۵، ص ۲۴۷؛ همان، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۳، ص ۴۳۱).

با این بیان، سیاست دارای ماهیتی هدایت‌گرانه به سمت و سوی صلاح جامعه است. پس در اندیشه امام خمینی علیه السلام، سیاست به معنای هدایت‌گری جامعه به قصد رسیدن به تمامی مصالح مبتنی بر همه ابعاد انسان می‌باشد. از این رو سیاست فی نفسه، نه دارای حسن است و نه دارای قبح. بلکه روش، محتوا و هدف است که سیاست را مطلوب و یا نامطلوب می‌کند. به‌عنوان مثال اگر روش آن غلبه و تحمیل خواست افراد و یا گروه‌ها باشد

و یا با هدف تأمین خواسته‌های فرد و گروه صورت بگیرد، این سیاست یک سیاست شیطانی است، و یا اگر تنها به تأمین معیشت دنیوی انسان معطوف گردد، این هم نامطلوب است و در خدمت انسان نیست؛ زیرا انسان را با همه ابعادش در نظر نگرفته است و جامعه را به فساد می‌کشاند. در واقع این برنامه اصلاً «سیاست» نمی‌باشد، امام خمینی علیه السلام شأن سیاست را اصلاح زندگانی دنیا و آخرت می‌داند و حکومت را وسیله‌ای برای رفع موانع و ایجاد مقتضیات ساماندهی زندگی مردمان، برای تربیت انسانی و سیر به سوی کمالات الهی و تدبیر عادلانه مبتنی بر تقوا و هدایت می‌شمارد (ر.ک: موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۱۲۵؛ دلشاد تهرانی، عارض خورشید، ۱۳۸۰، ص ۲۱۰؛ مقیمی، همنشینی دین و سیاست، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۴). امام خمینی علیه السلام حد و رسم از ماهیت سیاست را این‌گونه کامل می‌کند:

«حکومت وسیله‌ای است برای تحقق بخشیدن به هدف‌های عالی... بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نفس حکومت و فرماندهی به ابن‌عباس فرمود: این کفش چقدر می‌ارزد؟ گفت: «هیچ». فرمود: «فرماندهی بر شما نزد من از این هم کم ارزش‌تر است؛ مگر اینکه به وسیله فرماندهی و حکومت بر شما بتوانم حق (یعنی قانون و نظام اسلام) را برقرار سازم؛ و باطل (یعنی قانون و نظامات ناروا و ظالمانه) را از میان بردارم». پس نفس حاکم‌شدن و فرمانروایی وسیله‌ای بیش نیست و برای مردان خدا اگر این وسیله به کار خیر و تحقق هدف‌های عالی نیاید، هیچ ارزش ندارد» (موسوی خمینی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۵۵).

از منظر امام خمینی انسان به دلیل ضعف آگاهی نسبت به خود و هستی، در هدایت خویش ناتوان است. از این‌رو و بنابر اصل توحید، حق انحصاری قانون‌گذاری و ارائه برنامه هدایت، مختص خداوندگار عالمیان است (موسوی خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۵، ص ۲۴۷). ایشان در ذیل اصل توحید می‌گویند: «... قانون‌گذاری برای بشر- تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است و سعادت و کمال انسان و جوامع، تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است...» (همان، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۸۸؛ انصاری، حدیث بیداری، ۱۳۸۰، ص ۱۷۷). ایشان یکی از اساسی‌ترین امتیازات سیاست متعالیه دینی، دست نداشتن



بشر در قانون‌گذاری برمی‌شمارد: «فرق اساسی ... در همین است، در اینکه نمایندگان مردم، یا شاه، در این‌گونه رژیم‌ها به قانون‌گذاری می‌پردازند؛ در صورتی که قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. شارع مقدس اسلام، یگانه قدرت مقننه است. هیچ کس حق قانون‌گذاری ندارد؛ و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی‌توان به مورد اجرا گذاشت... در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خداست (موسوی خمینی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۴۵؛ همان، تفسیر سوره حمد، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۲۰) و انسان از همین طریق است که می‌تواند به مراتب کمال و سعادت برسد و با روی‌گردانی از آن، به شقاوت و بدبختی منتهی گردد (همان، ۱۳۷۰، ص ۲۶۵).

نکته اساسی دیگری که در سیاست متعالیه امام خمینی علیه السلام مورد توجه قرار گرفته این است که وجود مصالح و مفاسد، واقعه و نفس الامر می‌باشد، ایشان ضمن پذیرفتن حسن و قبح اخلاقی، فهم آن‌ها را به عقل، فطرت و نقل ارجاع داده‌اند و معتقد است که خیر و شر بر حسب هویت‌شان، از واضحات و فطریات‌اند (موسوی خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ۱۳۷۷، ص ۷۶). به‌عنوان نمونه ایشان در خصوص دروغ می‌گویند: «پس بدان که این رذیله از اموری است که عقل و نقل متفق بر قبح و فسادش هستند و خود آن فی نفسه از کبائر و فواحش است» (همان، شرح چهل حدیث، ۱۳۸۰، ص ۴۷۱) از مجموعه آثار امام خمینی به دست می‌آید که ایشان معتقد است؛ چون که حسن و قبح ذاتی بر هیچ عاقلی مخفی نیست، از این بابت عمل نکردن به مقتضای این فهم یکسان و همگانی، موجب نهی خداوند و تنفر انسان‌ها است، چنانچه در باب خیانت در امانت بدان متذکر شده است (موسوی خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۳۸۰، ص ۴۷۷). از همین باب امام خمینی تشبث و پایبندی به اخلاق الهی را پایه همه امور از جمله سیاست می‌داند؛ چراکه انسان غیرمتخلقی، انسانی فاسد است و جز فساد، از او سر نمی‌زند. ایشان در این خصوص می‌گوید: «وقتی سیاست‌مداری بر طریقه اخلاق انسانی نباشد، این چاقوکش از کار درمی‌آید، اما نه چاقوکش سر محله، بلکه چاقوکش در منطقه وسیع، در دنیا. اینکه در روایت هست که «اِذَا قَسَدَ الْعَالِمُ قَسَدَ الْعَالَمِ»، مصداق بالاترش همین‌ها هستند که علمای سیاست هستند، فاسد هستند، عالم را به فساد کشاندند... الآن دنیا به خاطر این علما و این دانشمندان است که ناآرامی دارد. اگر این‌ها حذف بشوند از دنیا، مردم آرامش بهتر پیدا می‌کنند» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۲۳۸).

## ۲. ماهیت مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی دارای دو بُعد متکی به هم می‌باشد. یکی قدرت سیاسی است که موضوع، بستر و محور کانونی و دال مرکزی مشارکت به‌شمار می‌آید و ورود و خروج‌ها و دخالت‌های سیاسی به جهت تثبیت، تقویت، تضعیف و یا نفی آن صورت می‌گیرد. بعد دیگر فعالیت، کنشگری و اقدام سیاسی است که به شیوه‌های گوناگون به تناسب ساختار قدرت شکل می‌پذیرد. در اینجا دیدگاه و آراء امام خمینی علیه السلام با توجه به مبانی پیش گفته مورد تبیین و توصیف قرار می‌گیرد.

### ۱-۲. قدرت سیاسی

قدرت در آراء امام خمینی توانائی و سازوکار اعمال و به‌کارگیری سیاست هدایت‌گری جامعه جهت تربیت به سمت و سوی کمال حقیقی است. در این دیدگاه قدرت سیاسی یا حکومت به‌عنوان امانتی الهی در دست انسان‌ها سپرده می‌شود و سیاست‌مداران و حاکمان در معرض امتحان الهی قرار می‌گیرند. تجبّر، خودکامگی، استبداد، سلطه‌گری و صدارت‌نشینی در این معنا از قدرت راه ندارد؛ زیرا قدرت امانتی است جهت مهرورزی، خدمت و تلاش جهت دفع موانع و ایجاد اقتضائات تربیت و هدایت مردم به‌سوی صلاحشان (دلشاد تهرانی، عارض خورشید، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵-۲۵۳) قدرت وقتی مشروع است که از طرق مجاری عقلانیه و شرعیه با رضایت مردم به دست آید و در غیر این‌صورت نامشروع و غیرقانونی است (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۱۱؛ همان، ج ۶، ص ۱۱۳). بر همین اساس إنشاء قدرت باید به دست جامعه صورت گیرد و میزان و اعتبار همه چیز، رأی ملت است، حتی اگر خواهان دیکتاتوری باشند (همان، ج ۸، ص ۱۸۳؛ همان، ج ۹، ص ۵۳۰)؛ زیرا قدرت چیز جدائی از مردم نیست و اگر قدرتی پدید بیاید که ارتباطی با مردم نداشته باشد، دیگر «قدرت سیاسی جامعه» محسوب نمی‌شود و عنوانی بی‌ربط و بی‌اساس می‌باشد که دخلی به جامعه ندارد (همان، ج ۵، ص ۳۱۱). با این بیان طریقه کسب قدرت منوط به اراده و پذیرندگی مردم و تأمین خواست آن‌ها است. با این قید که اساس همه قدرت‌ها از خداوند است و وقتی در اختیار انسان قرار می‌گیرد به مثابه امانتی است جهت هدایت به صلاح و مصالح آن‌ها. از این‌رو قدرت مطلوب، همان خواسته خداوند متعال است که مردم با اراده خویش، آن را توسط افرادی به جریان درمی‌آورند.

## ۲-۲. کنشگری و اقدام سیاسی

در جوامع امروزی، فعالیت‌های سیاسی در قالب‌های متعددی ظهور و بروز کرده و مورد پذیرش قرار گرفته است و تحزب بارزترین نوع فعالیت سیاسی شناخته شده است. بازگشت به همین مسئله است که احزاب و گروه‌های سیاسی در جوامع مدرن نهادینه شده‌اند و برای آن‌ها کارکردهائی همچون تربیت نیرو برای دستیابی به قدرت، پروراندن کادر سیاسی برای حفظ قدرت و یا تأثیرگذاری بر قدرت در نظر گرفته‌اند (باتامور، جامعه‌شناسی سیاسی، ۱۳۶۸، ص ۶۳؛ دو ورژ، جامعه‌شناسی سیاسی، ۱۳۶۸، ص ۵۵۶-۵۵۱). البته فعالیت سیاسی منحصر در تحزب نمی‌باشد و از طرفی نیز در اندیشه سیاسی شیعه تحزب با قبول و رد روبه‌رو است (ایزدهی، نظارت بر قدرت بر فقه سیاسی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۰). امام خمینی با طرح یک قاعده کلی، همه مسائل، حرکت‌ها، نهضت‌ها و ایستادن‌ها را به «قیام لله» ارجاع دادن و ارزش‌گذاری می‌کند. در این بینش، حرکت و فعالیت سیاسی منحصر به فعالیت فردی و یا فعالیت گروهی نیست؛ چنان‌که آیه شریفه: «قُلْ إِنَّمَا أُعْطِیْتُ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثَلًا وَفُرَادً» بر آن دلالت دارد و انبیا بزرگ الهی علیهم‌السلام یک تنه در مقابل فساد و طغیانگری‌های نظام اجتماعی و سیاست حاکم قیام می‌کردند. در سیاست متعالیه شرکت در امور سیاسی و فعالیت سیاسی امری ضروری است؛ زیرا در صورت خودخواهی و ترک قیام و عدم دخالت در امور سیاسی و اجتماعی، روزگار جوامع، سیاه و مستکبران و دیکتاتوران و انسان‌های فاسد، شرور و هرزه‌گرد بر امور مسلط می‌گردند (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۲۴۴؛ ج ۱۳، ص ۵۱۷). امام خمینی علیه‌السلام، دخالت در امور اجتماعی و مشارکت سیاسی را تکلیف شرعی و بخش مهمی از وظائف مسلمین و منطبق دین می‌داند و منع آن را دسیسه‌ای استعمارگرانه معرفی می‌کند. چنانچه ایشان اساساً موضوع نظریه «ولایت فقیه» خویش را «مأموریت و انجام وظیفه» برشمرده‌اند (همان، ص ۵، ص ۱۸۹ و ۴۴۱؛ همان، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۵۶). و با استناد به آیه شریفه: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» حرکت‌ها و فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی را تا مرز از دست دادن جان روا می‌شمارند (همان، ج ۱، ص ۲۴۲؛ ج ۴، ص ۱۰۹؛ ج ۵، ص ۳۶۳-۳۶۵).. با عنایت به همین بنیان است که اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری



اسلامی، فعالیت‌های سیاسی احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و اقلیت‌های مذهبی در قانون اساسی پذیرفته شده است (همان، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۱۴۷). ایشان با دفاع از جمهوریت نظام، مداخله و مشارکت فعالانه، در کلیه امور را وظیفه‌ای دینی و مسئولیتی همگانی بر شمرده‌اند و اجتناب از آن را برای هیچ فرد و یا گروهی روا ندانسته‌اند (همان، ج ۵، ص ۲۵۷؛ همان، ص ۴۲۸؛ ج ۹، ص ۴۸۱؛ همان، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۳۱۱).

با این تبیین کلیه فعالیت‌های سیاسی اعم از مشارکت در قدرت، نظارت بر قدرت و یا تأثیرگذاری بر قدرت، در هر سطح و لایه‌ای از سیاست در درجه اول وظیفه‌ای همگانی است، در مرتبه دوم هیچ مانع و حائلی نباید داشته باشد و وظیفه سازمان‌ها و ادارات حاکمیتی است که مقتضیات آن را فراهم کنند و راه دستیابی آن را تسهیل نمایند. سوم این فعالیت تنها با خیانت و برهم زدن نظم و ایجاد آشوب متوقف می‌گردد. امام خمینی تأکید دارند که چون سیاست چیزی جز تحقق خواست و اراده مردم نیست، لذا نباید ساختار سیاست به مثابه گنبدی آهنین دور از دسترس همگان باشد، بلکه باید همگان بدون تحمل کمترین هزینه و کمترین زحمت ممکن، اراده‌ها و خواسته‌های خودشان را به سیاست عرضه کنند. از این بابت هیبت و جلال ظاهری حکمرانان، شکوه و عظمت اماکن و دوره‌های سیاسی و پیچیدگی و پرهزینه بودن قوانین سیاسی، هیچکدام نباید خللی در ورود به سیاست، نظارت بر آن و طرح مطالبات وارد کند. امام خمینی با اعتقاد راسخ به این امر، با استشاداتی به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی علیه السلام، معتقدند که فقط اسلام متضمن بالاترین نوع دموکراسی است؛ زیرا در این بینش، ساختار سیاسی جامعه منعطف‌ترین و نفوذ پذیرترین نوع آن است که تمامی اقشار جامعه، علاوه بر احساس سهیم بودن در قدرت، مشارکت در قدرت و فعالیت سیاسی را سهل‌الوصول و به دور از تکلف دانسته و آن را وظیفه خود برمی‌شمارند (همان، ج ۴، ص ۴۲۵-۳۲۹؛ ج ۱۰، ص ۱۱۰). از منظر امام خمینی اگر تعداد افراد و شایستگی‌های آن‌ها برابر با نیاز امور سیاسی بود، در این صورت امور قدرت به اجرا در می‌آید. اما اگر نیاز قدرت به افراد، از نظر کمی و کیفی منطبق نگردید، حال اگر قدرت با ازدیاد و تراکم افراد دارای صلاحیت مواجهه گردید همه این افراد باید خود را به جامعه معرفی کنند و خود را در معرض شناخت قرار دهند، تا جامعه بتواند آن‌ها را با مرجحات مد نظر خویش، مثل انتخابات، گزینش نمایند. در صورتی هم که جامعه با کمبود افراد دارای صلاحیت مواجهه گردید، در این هنگام می‌بایست سازوکارهای پرورش



افراد مثل: آموزش‌های علمی، مدیریتی و یا تشکیل کارگروه‌ها و باشگاه‌های سیاسی، نه تنها نیاز فعلی قدرت را رفع کند، بلکه نیازهای آینده را نیز پیش‌بینی و تدارک نماید (همان، ج ۳، ص ۴۹۳). زیرا اصل دخالت و مشارکت در امور سیاسی واجب کفائی است به این بیان که به مقداری که لازم است باید اقدام به دخالت کنند و نباید کسی شانه از زیر بار خالی کند (همان، ج ۷، ص ۲۱۹؛ ج ۱۱، ص ۴۹۳؛ ج ۱۳، ص ۱۱۵-۱۱۲؛ ج ۱۶، ص ۴۱۵؛ ج ۱۷، ص ۳۲۱-۳۲۰). از این جهت شارحان اندیشه سیاسی امام خمینی، با بهره‌گیری از تبیین ایشان در «کتاب البیع» پیرامون شروط معتبر در حاکم اسلامی (ن.ک: موسوی خمینی، کتاب البیع، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۳)، ولایت فقیه را به «ولایت فقهت و عدالت» تعبیر کرده و گفته‌اند: «آنچه در اسلام حکومت می‌کند، فقهت و عدالت است و به تعبیر دیگر، حاکم و ولی مردم در اسلام، قانون الهی است، نه شخص خاص؛ زیرا شخص فقیه یک تافته جدا بافته از مردم نیست، بلکه او نیز همانند یکی از آحاد مردم، موظف به رعایت احکام و قوانین الهی است» (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۰، ص ۲۵۷ و ۴۸۵). دلیل و جهت اینکه فقیه در رأس هرم قدرت می‌باشد، همان قانون شناسی و عدالت ایشان است (همان، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۷۳) و در هر زمانی که این ویژگی‌ها از شخص حاکم، منتفی گردد، حاکم اسلامی دیگر نمی‌تواند به تدبیر امور بپردازد؛ زیرا فقهت و عدالت منتفی گردیده است و خود به خود معزول است و قبل اینکه مردم او را کنار بزنند، باید خودش کناره‌گیری کند (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳۹ و ۴۹۵؛ ج ۵، ص ۴۰۹؛ همان، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۷۳). با این حال، امام خمینی در عمل، زیرساخت‌های اقتدار مردم، نحوه شکل‌گیری قدرت، توزیع قدرت، کنترل قدرت و نظارت بر آن را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان پایه و اساس مشارکت سیاسی، مورد پیگیری و مطالبه جدی خویش قرار دادند (همان، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۹۸ و ۲۲۷). در قانون اساسی علاوه بر معتبر دانستن ملکه تقوا و عدالت به‌عنوان مهم‌ترین و کلیدی‌ترین اهرم بازدارنده درونی، سازوکارهای تقسیم تفکیک قوا، تعبیه نهادهای نظارتی و مشورتی، گردش قدرت و پذیرش احزاب سیاسی و مطبوعات را جهت تمرکززدائی، مشارکت و کنترل قدرت و نظارت بر آن را نیز هموار کرده و بهترین راه فرار از فساد و دیکتاتوری نیز تمکین قانون مورد قبول ملت و التزام عملی به اسلام دانسته شده است (ارسطا، مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۴، ص ۴۴۴ و ۴۸۶؛ صفار، حقوق اساسی، آشنائی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵، ص ۲۹؛ موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۲۰۲؛ ج ۱۱، ص ۱۹۲).

از این رو مشارکت در قدرت، به معنای استمرار اراده مردم در اداره جامعه و سهیم شدن در تصمیم‌گیری‌هاست و آنچه بر اساس تفکیک قوا مورد توجه قرار می‌گیرد، توزیع قدرت و قرار دادن بستر حاکمیت بر مشارکت سیاسی مردم و اخذ دیدگاه‌های آنان در فرایند تصمیم‌سازی‌های کلان جامعه است و تفکیک قوا در واقع، نه در معنای اصطلاحی آن، بلکه یک نوع تقسیم کار و توزیع وظایف به منظور اداره جامعه است» (ر.ک. ایزدهی، مشارکت سیاسی، ۱۳۹۶، ص ۳۷۶-۳۷۸). بنابر همین بنیان، برای رأس هرم قدرت، تعبیر «ولایت» و «امامت» به کار گرفته شده است. این اصطلاحات دربرگیرنده خصوصیات ظریفی هستند که دیگر عناوین فاقد آن می‌باشند؛ زیرا اصطلاحات «امامت» و «ولایت» همانند «امارت»، «حکومت»، «سلطنت» و «ریاست» است که در آن‌ها قدرت دارای هویتی جداگانه از مردم و جامعه فرض می‌شود و سپس امراء، حکام و سلاطین به روش‌های مختلفی بر آن تکیه می‌زنند و سپس برای جذب مردم، جلب منافع بیشتر و پیوستگی در امارت، حکمرانی و سلطنت خویش، شبکه‌های ارتباطی نیز با مردم تعبیه می‌کنند؛ به این معنا که پس از تملک و سیطره بر قدرت - در بهترین حالت - بخشی از قدرت - به جهت جلب حمایت و یاری‌گری - در اختیار بخشی از مردم گذاشته می‌شود. اما در دو اصطلاح امامت و ولایت، امام و ولی مانند پیش‌آهنگ مردم در تدبیر امور به جهت صلاح و سعادت، ایفای نقش می‌کنند. قبل از همگان، شخص امام و ولی، به‌عنوان عضوی از مردم در انجام امور پیش‌قدم می‌شوند و جامعه هم به دنبال آن‌ها حرکت می‌کند. از این رو امام و ولی، از یک ماهیت اجتماعی بهره‌مند هستند و امامت و ولایت چیزی منفک از مردم نیست؛ زیرا چنانچه گفته‌اند: «ولایت»؛ یعنی کنار هم قرار گرفتن و بهم نزدیک شدن در مواضع و اصل در معنای آن (ولایت) برطرف شدن واسطه در بین دو چیز است، به‌گونه‌ای که بین آن دو، واسطه‌ای که از جنس آن‌ها نیست وجود نداشته باشد» (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۵۰؛ ج ۶، ص ۱۳؛ ج ۱۰، ص ۱۳۰؛ کربلانی پازوکی، ولایت فقیه، پیشینه، حدود و اختیارت، ۱۳۹۲، ص ۲۲؛ جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۹۰، ص ۱۲۲).



## نتیجه

کانون مرکزی مشارکت سیاسی در آراء امام خمینی علیه السلام آن است که نظام توحیدی در همه چیز از جوامع غیرتوحیدی متمایز است (ر.ک: موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۴۳۶؛ ج ۹، ص ۲۸۹؛ ج ۱۱، ص ۴۱۷، همان، وصیت نامه، ۱۳۸۷، ص ۱۷). چنانچه امام خامنه‌ای به‌عنوان شاگرد، جانشین و شارح نظریات امام خمینی علیه السلام نیز می‌گوید:

«قواره جامعه توحیدی، شکل قرارگرفتن اجزای این جامعه، اندام عمومی اجتماعی که بر اساس توحید و یکتاپرستی و یکتاگرایی است، با غیر این چنین جامعه‌ای به کلی متفاوت است. در یک کلمه، آنچه که امروز به آن می‌گویند نظام اجتماعی. نظم اجتماعی و سیستم اجتماعی و شکل اجتماعی جامعه توحیدی، یک چیزی است به کلی مغایر و مابین و احیاناً متعارض و متضاد با جامعه غیرتوحیدی» (حسینی خامنه‌ای، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ۱۳۹۲، ص ۲۷۶).

با این بیان که مؤلفه‌ها و ساخت‌های اجتماعی در جامعه توحیدی با جوامع غیرتوحیدی برابری نمی‌کند. در این نگاه، مشارکت سیاسی نیز بر اساس تکلیف و برحسب وظیفه انجام می‌پذیرد و اساساً نفس رقابت بر سر منافع دنیوی بسیار مذموم دانسته شده است (شریف الرضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۱).

بنابر همین مبنا، امام خمینی علیه السلام در بیانی، سرچشمه مسابقه و رقابت ابرقدرت‌ها را مبادی شیطانی و نفسانی معرفی می‌کند (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۳۹۳). همچنین در کتاب ولایت فقیه با استناد به کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام که می‌فرماید: «...اللَّهُمَّ، إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَاقَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَسَّ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَ لَكِنْ لِيَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ قِيَامَنَ الْمُظْلَمُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَّةُ مِنْ حُدُودِكَ...» (شریف الرضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۹)، تلاش برای دستیابی به حکومت و مشارکت سیاسی را، نه رقابت برای به دست آوردن قدرت سیاسی و کامروایی دنیوی، بلکه برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم دانسته است (موسوی خمینی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸ (ب)، ص ۵۶). در این نگاه مشارکت در سیاست معنایی به‌جز پیشگامی در عبودیت خداوند و



خدمت‌رسانی در امور خیر ندارد. چنانچه در آیات کریمه: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره: ۱۴۸)، «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ» (آل عمران: ۱۳۳)، «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا» (مائده: ۴۸)، «سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» (حدید: ۲۱)، «وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (مطففین: ۲۶) به این معنا پرداخته شده و روایات شریفه نیز در شمار آیات قرآن، این مفهوم را بیان داشته‌اند؛ از جمله کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «فِي اخْتِلاصِ الْأَعْمَالِ تَنَافَسٌ أَوْلَاؤُا النَّهْيِ وَالْأَلْبَابِ» که ورود و مشارکت در سیاست عاقلان و اندیشمندان را در اخلاص عمل دانسته است (مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۷۴).

مشارکت سیاسی، وظیفه‌ای همگانی در ظهور و بروز دادن استعداد و توانایی تدبیر و مدیریت نظام اجتماعی و جامعه سیاسی، جهت تدارک مایحتاج و نیازهای جامعه بر اساس دستورات خداوند می‌باشد. به این معنا که همه افراد جامعه بدون هیچ‌گونه تبعیضی موظف و مکلف به برپایی نظام سیاسی و اجتماعی و حفظ و تقویت آن می‌باشند و همه مسئولیت دارند و در مسئولیت خویش نیز باید پاسخگو باشند. چنان‌که سرور کائنات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمودند: «أَلَا كُتِبَ لَكُمْ رَاعٍ وَ كُتِبَ لَكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ...» (ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶). تبیین مبسوط این نوع سیاست، این‌گونه شرح داده شده است: «... از جمله مسائل مهم کشور، همین مسئله انتخابات ریاست جمهوری است... کسانی که در خودشان این توانایی و همت را می‌یابند که بتوانند در آن موقعیت قرار گیرند، باید بروند و خودشان را در معرض قرار دهند. این یک وظیفه است. وظیفه آحاد عظیم ملت هم این است که... دلسوزانه و مسؤولانه شرکت کنند... شرکت در انتخابات را وظیفه خودشان بدانند... انتخابات در کشور ما باید مسابقه‌ای برای خدمت باشد، نه مسابقه‌ای برای کسب قدرت... در منطق اسلامی، قدرت و عزت و آبرو و خوش‌نامی و امکانات، فقط و فقط برای خدمت به مردم و حرکت دادن خود و جامعه و کشور در راه نظام مقدس اسلامی و رسیدن به آرمان‌های بلندی است که انسان‌ها نیازمند آنند...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مردم گیلان، ۱۳۸۰/۰۲/۱۱)

بر همین اساس، آنچه از بررسی مشارکت سیاسی در آراء امام خمینی علیه السلام به دست

می‌آید این است که مشارکت سیاسی به لحاظ مفهوم، ماهیت و شیوه‌های تحقق، به معنای تلاش همگانی افراد و گروه‌های سیاسی، به منظور انجام تکلیف دینی، اعلان و آشکار ساختن شایستگی‌های خود جهت حضور در عرصه مدیریت سیاسی و کارآمدسازی بهتر نظام سیاسی در اهداف خود، با تکیه بر قدرت الهی و با هدف تدارک و زمینه‌سازی اقامه حدود الهی و رشد فضائل اخلاقی جامعه در سایه نقد، نصیحت، ارائه مشورت و پیشنهاد برنامه‌های سیاسی به حاکمیت، در جهت بهبود امور سیاسی و اجتماعی و... است.

### فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ارسطا، محمدجواد، مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
۲. ارسطو، سیاست، ترجمه: حمید عنایت، تهران: انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۳. اسپرینگز، توماس، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجائی، چاپ سوم، تهران: آگاه، ۱۳۷۷.
۴. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی، چاپ پنجم، تهران: مروارید، ۱۳۷۸.
۵. آقابخشی، علی، افشاری راد، مینو، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار، ۱۳۷۹.
۶. انصاری، حمید، حدیث بیداری، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰.
۷. ایزدهی، سید سجاد، مشارکت سیاسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۸. ———، نظارت بر قدرت بر فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۹. بابائی، پرویز، فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی، تهران: نگاه، ۱۳۹۱.
۱۰. باتامور، تام، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: کیهان، ۱۳۶۸.



۱۱. براتعلی‌پور، مهدی، ساختار جامعه و دولت دینی، تهران: عروج، ۱۳۹۰.
۱۲. بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی، تهران: موسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۴.
۱۳. بیات، عبدالرسول، با همکاری جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه‌ها، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی، ۱۳۸۱.
۱۴. پای، لوسین دبلیو و دیگران، بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه: غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
۱۵. جعفری، محمدتقی، انسان در افق قرآن، تهران: مؤسسه القرآن الکریم، ۱۳۶۱.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان، قم: إسرائ، ۱۳۸۷.
۱۷. ———، ولایت فقیه، ولایت فقاقت و عدالت، قم: إسرائ، ۱۳۹۰.
۱۸. حسینی خامنه‌ای، سید علی، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، قم: موسسه ایمان جهادی، ۱۳۹۲.
۱۹. ———، بیانات در دیدار جمعی از مردم گیلان، ۱۳۸۰/۰۲/۱۱.
۲۰. حسینی، سید علی اصغر، مشارکت سیاسی از دیدگاه قرآن، قم: حبیب، ۱۳۸۱.
۲۱. خسرو پناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران، منظومه فکری امام خمینی رحمته الله علیه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.
۲۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، عارض خورشید، تهران: دریا، ۱۳۸۰.
۲۳. دورژ، موریس، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۲۴. ———، اصول علم سیاست، ترجمه: ابوالفضل قاضی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۶۹.
۲۵. راش، مایکل، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: سمت، ۱۳۸۸.
۲۶. سجادی فر، محمد؛ علی کربلایی پازوکی؛ عبدالله عبدالمطلب، اثرپذیری نظریه سیاسی امام خمینی رحمته الله علیه از ماهیت انسان، دو فصلنامه علمی پژوهشی معرفت سیاسی، شماره ۲۵، سال سیزدهم، بهار و تابستان، ۱۴۰۰.



۲۷. شجاعیان، محمد، ماهیت انسان و نظریه سیاسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
۲۸. شریف الرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغة، تحقیق و تصحیح: فیض الاسلام، ضبط و تنظیم: صبحی صالح، قم: دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
۲۹. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، الملل و النحل، تحقیق: محمد عبدالمطلب بدران، قم: شریف رضی، ۱۳۶۲.
۳۰. صفار، محمدجواد، حقوق اساسی، آشنائی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر استادای، ۱۳۸۵.
۳۱. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ۶ و ۱۰، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۳۲. عبدالمطلب، عبدالله، راهنمای مطالعات انقلاب اسلامی در دانشگاه‌های آمریکای شمالی و اروپای غربی، تهران: رهیافت خط اول، ۱۳۹۵.
۳۳. قاسمی پطروودی، سید مجید، حکومت دینی در اندیشه سیاسی توماس آکویناس و امام خمینی، تهران: عروج، ۱۳۹۲.
۳۴. کربلایی پازوکی، علی، ولایت فقیه، پیشینه، حدود و اختیارت، قم: معارف، ۱۳۹۲.
۳۵. کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه، فریبرز مجیدی، تهران: خوارزمی، ۱۳۷۳.
۳۶. لک‌زایی، نجف، سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۳۷. لیبیست، مارتین، دایرة المعارف دموکراسی، زیر نظر سیمور مارتین لیبست، ترجمه: کامران فانی و نورالله مرادی، [بی‌جا]: کتابخانه تخصصی وزارت خارجه، ۱۳۸۳.
۳۸. مصباح یزدی، محمدتقی، مجموعه آثار مشکلات، به‌سوی او، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۳۹. \_\_\_\_\_، نظریه سیاسی اسلام، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۴۰. مقیمی، غلامحسین، همنشینی دین و سیاست، مجموعه مقالات نخستین همایش اندیشه سیاسی اجتماعی امام خمینی، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر- المصطفی، ۱۳۸۹.

۴۱. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷.
۴۲. موسوی خمینی، سید روح الله، آداب الصلوة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۰.
۴۳. \_\_\_\_\_، تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۵.
۴۴. \_\_\_\_\_، مصباح الهدایة الى الخلافة و الولاية، مقدمه و شرح: سید جلال الدین آشتیانی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۶.
۴۵. \_\_\_\_\_، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷.
۴۶. \_\_\_\_\_، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸ (ب).
۴۷. \_\_\_\_\_، طلب و اراده، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
۴۸. \_\_\_\_\_، لمحات الاصول، تهرات: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.
۴۹. \_\_\_\_\_، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰.
۵۰. \_\_\_\_\_، وصیت نامه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷.
۵۱. \_\_\_\_\_، شرح دعای سحر، ترجمه: احمد فهری، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.
۵۲. \_\_\_\_\_، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
۵۳. \_\_\_\_\_، جواهر الاصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۱۸ ق.
۵۴. \_\_\_\_\_، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۴۲۱ ق.
۵۵. نصرآبادی، جواد، تکثرگرائی سیاسی در اسلام، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، پایان نامه، ۱۳۹۱.
۵۶. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، قم: مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.

## بایسته‌ها و نبایسته‌های رقابت‌های انتخاباتی

علی مجتبی‌زاده\*

### چکیده

رقابت انتخاباتی جزء جدانشدنی انتخابات است. اصل قاعده‌مندی و مقید بودن رقابت‌های انتخاباتی، به‌منظور سلامت و نقش سازنده آن و جلوگیری از پیامدهای منفی آن، در نزد همهٔ عقلا و نظام‌های سیاسی پذیرفته شده است و آنچه آن را متمایز می‌نماید، مبانی فکری و ارزشی حاکم بر نظام‌های سیاسی و فرهنگ حاکم آن‌هاست. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای آمده است که در نظام سیاسی اسلام، فعالیت و رقابت سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی به‌عنوان یک کنش اجتماعی باید در چارچوب نظام ارزشی اسلام صورت گیرد. چارچوبی که رقابت‌های انتخاباتی را بر مبنای آن، رعایت قانون، اخلاق محوری، عقلانیت مداری، ارزش مداری، بایسته‌های رقابت‌های سالم انتخاباتی شکل داده و اختلاف افکنی و تشنج‌آفرینی، جبهه‌گیری، تخریب و تضعیف دیگران، توهین و اتهام به سایر رقیب‌ها، و نیز فقدان مرزبندی با دشمنان، ترجیح منافع حزبی و جناحی بر منافع کشور، تقابل و نفی دیگران به جای رقابت و دادن وعده‌های غیرعملی و خلاف قانون، از آسیب‌های رقابت‌های انتخاباتی محسوب می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** انتخابات - رقابت‌های انتخاباتی - بایسته‌ها - نبایسته‌ها - جریان‌های سیاسی.

رقابت سیاسی احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با انتخابات همراه است و هرگاه نامی از انتخابات برده می‌شود، پای رقابت و تلاش برای پیروزی در آن به میان می‌آید. اساساً انتخابات بدون رقابت و تلاش جریان‌های سیاسی و احزاب برای به‌دست آوردن آرای مردم معنا و مفهوم پیدا نمی‌کند. البته رقابت سیاسی به همان میزان که می‌تواند سازنده و مفید بوده و در ایجاد فضای مناسب برای انتخابات و شور و نشاط تأثیرگذار است، ممکن است مخرب و منفی باشد، از این رو ضابطه‌مند نمودن رقابت‌های سیاسی ضرورتی غیرقابل انکار است و در همه نظام‌های سیاسی که مسئله انتخابات مطرح است، تلاش می‌شود تا چارچوب‌هایی برای رقابت‌های سیاسی مشخص نمایند که زمینه رقابت‌های سیاسی سالم و سازنده را فراهم نمایند.

هر چند انتخابات به شکل امروزی از دستاوردهای عصر حاضر است، اما اصل حق انتخاب مردم و مشارکت آنان در گزینش سیاسی مسئولان و شیوه و بنای عقلایی و تجربه بشری برای انتخاب و گزینش مسئولان نظام سیاسی امری است که مورد قبول اسلام بوده و مصداق مشورت در امور «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»؛ (آل عمران: ۱۵۹) و همفکری و بهره‌مندی از خرد جمعی است.

روشن است که چارچوب‌ها و ضوابط رقابت‌های سیاسی در هر نظام سیاسی بسته به مبانی فکری و ارزشی حاکم بر آن متفاوت است. در نظام‌های سیاسی غیردینی و سکولار که کسب قدرت، معیار بوده و برای رسیدن به آن می‌توان از هر ابزار و وسیله‌ای استفاده کرد و اخلاق و ارزش‌های اخلاقی جایگاه چندانی ندارد، آنچه در انتخابات و رقابت‌های انتخاباتی تعیین‌کننده است، پول، قدرت و موقعیت اجتماعی و استفاده از لابی‌های پر نفوذ است. اما در نظام سیاسی اسلامی که بر پایه مبانی و اصول فکری و ارزش‌های ناب اسلامی شکل گرفته است، فعالیت و رقابت سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی به‌عنوان بخشی از مجموعه نظام نیز باید در چارچوب نظام ارزشی اسلام صورت بگیرد. نمی‌توان پذیرفت که در محیط نظام دینی، رقابت‌هایی سیاسی از اصول ارزشی اسلامی پیروی نکرده و بی‌ضابطه باشند. بنابراین، انتخابات و رقابت‌ها انتخاباتی به‌عنوان یک گُش اجتماعی از حدود دینی خارج نبوده و خطوط و ضوابط کلی دینی بر آن حاکم است.





بر اساس مبانی دینی، رقابت ممدوح و مورد پذیرش دین، چه رقابت در امور فردی و چه در امور اجتماعی و رقابت‌های سیاسی از جمله رقابت انتخاباتی، رقابتی است که مصداق پیشی گرفتن در خیرات «وَيَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ» (آل عمران: ۱۱۴) بوده و بر پایه نیکی‌ها و تقوا شکل گرفته و زمینه‌ساز تعاون بر برّ و تقوی «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) است. در نقطه مقابل، رقابت نکوهیده و مذموم رقابتی است که بر پایه مادیات و چشم و هم‌چشمی‌های دنیاطلبانه شکل گرفته و مصداق تزیین مادیات است «زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالتَّبَيِّنِ وَالفَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالفِضَّةِ وَالفَخِيلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالفَأْنَعَامِ وَالفَحْرُثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالفَللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ»؛ مردم را حبّ شهوات نفسانی، از میل به زن‌ها و فرزندان و همیان‌هایی از طلا و نقره و اسب‌های نشان‌دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و دلفریب است، (لیکن) این‌ها متاع زندگانی (فانی) دنیا است و نزد خداست منزل بازگشت نیکو» (آل عمران: ۱۴) و تعاون بر گناه و آلودگی‌ها که مورد نهی است «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالفَعْدْوَانِ» (مائده: ۲) را رقم بزنند. در روایات اسلامی «التنافس فی الدنيا» مسابقه و رقابت در امور دنیوی، به‌عنوان «داء الأمم» درد اجتماعی، مورد نکوهش قرار گرفته است (النراقی، جامع السعاده، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۰۲).

همه مصالح و منافع فردی و اجتماعی در واژه خیرات و برّ و تقوا نهفته است و بی‌تردید رقابتی که در این دایره شکل بگیرد، عامل پیشرفت مادی و معنوی فرد و جامعه خواهد بود و در نقطه مقابل اگر رقابت‌ها از جمله رقابت‌های انتخاباتی بر پایه دنیاطلبی، مقام‌پرستی و... رقم بخورد، آلودگی و ظلم و تضییع حقوق را به دنبال خواهد داشت.

بر اساس این اصل کلی رقابت در اسلام، به مهم‌ترین بایسته‌ها و نبایسته‌های رقابت‌های انتخاباتی اشاره می‌کنیم که امیدواریم مورد توجه نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آن‌ها قرار گرفته و معیاری برای انتخاب آگاهانه مردم در انتخاب افراد قرار بگیرد.

### بایسته‌های رقابت‌های انتخاباتی

رقابت‌های سیاسی نیازمند قاعده‌مندی و ضوابطی است که آن را تبدیل به رقابت سالم و مؤثر نموده و از تبدیل شدن آن به رقابتی مخرب و ناسالم جلوگیری نماید. اصل قاعده‌مندی

و مقید بودن رقابت‌های انتخاباتی در نزد همه عقلاء و در همه نظام‌های سیاسی پذیرفته شده است و آنچه آن را متمایز می‌نماید، مبانی فکری و چارچوب‌های حاکم بر نظام‌های سیاسی و فرهنگ حاکم آن‌هاست و در نظام ما که بر اساس باورها و ارزش‌های دینی استوار شده است، خطوط کلی این مبانی دینی بر رقابت‌های انتخاباتی به‌عنوان یک گُش اجتماعی و سیاسی حاکم است که می‌توان این بایسته‌ها و خطوط کلی را در موارد زیر برشمرد:

### ۱. ارزش‌مداری

با توجه به اسلامی بودن نظام، توجه به اصول و مبانی ارزشی اسلامی و انقلابی نظام از سوی احزاب و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و رقابت در چارچوب آن، زمینه‌ساز رقابت سالم و صحیح خواهد بود و رقابتی سالم خواهد بود که با در نظر گرفتن اصول و مبانی اسلامی و انقلابی انجام شود. نمی‌توان انتظار داشت که احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در نظام اسلامی بدون در نظر گرفتن معیارها و اصول اسلامی و انقلابی با یکدیگر به رقابت بپردازند. بر همین اساس، مطابق قانون اساسی «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت» (قانون اساسی، اصل ۲۶).

خداوند متعال ویژگی مؤمنان را در توجه به ارزش‌ها و اقامه آن‌ها در هنگام قدرت یافتن، برشمرده است: «الَّذِينَ إِذْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ همان کسانی که هر گاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند» (حج: ۴۱)؛ قطعاً رقابت‌های انتخاباتی که برای به دست گرفتن مسئولیت در جامعه برای اقامه ارزش‌هاست، توجه به ارزش‌ها محوریت خواهد داشت. انتخابات در نظام اسلامی بناست رضایت خداوند را فراهم کند، پس هر آنچه که با مقررات الهی در تناقض باشد، مایه زیرسؤال بردن اخلاق انتخاباتی خواهد شد.

در نگاه دینی و بر اساس آموزه‌های اسلامی، مسئولیت و حکومت در نظام اسلامی، امانت و فرصتی برای خدمت به مردم محسوب می‌گردد، نه زمینه‌ای برای کسب قدرت و ثروت و همانگونه که حضرت علی علیه السلام به یکی از کارگزاران خود فرمودند: «و ان عملک لیس لک بطعمه و لکنه فی عنقک امانه؛ همانا مسئولیت تو برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است» (نهج البلاغه، نامه ۵).

براین اساس، پذیرش مسئولیت‌ها و مناصب در نظام اسلامی باید با هدف خدمت به مردم صورت بگیرد و در نتیجه رقابتی که با این نگرش و در این راستا صورت می‌گیرد، رقابتی است که در آن ارزش‌ها و اصول اسلامی و اخلاقی رعایت خواهد شد و عقلانیت در آن حاکم خواهد بود و جایی برای بد اخلاقی و رقابت‌های مخرب و ناسالم نخواهد بود، زیرا هدف در نهایت خدمت به مردم است نه کسب قدرت و این همان نکته‌ای است که رقابت‌های سیاسی در نظام اسلامی را از نظام‌های سیاسی غیردینی جدا می‌کند و رنگ اخلاقی، ارزشی و معنوی به تمامی فعالیت‌های در این زمینه می‌دهد.

حضرت امام علیه السلام فرمودند: «نصیحتی است از پدری پیر به تمامی نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنند تبلیغات انتخاباتی شما در چارچوب تعالیم و اخلاق عالیه اسلام انجام شود و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت حفظ اسلام است. اگر در انتخابات حریم مسائل اسلام رعایت نشود چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده به کسی توهین نگردد» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۱)

به یقین اگر احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی، مسئولیت‌هایی که برای به دست آوردن آن‌ها با یکدیگر رقابت می‌کنند، زمینه و فرصتی برای خدمت به جامعه بدانند، رقابت‌های سیاسی آنان از مرزهای اخلاقی و اسلامی فراتر نرفته و شکل زیبایی به خود خواهد گرفت و شاهد بد اخلاقی‌ها و رقابت‌های سیاسی ناسالم نخواهیم بود.

## ۲. قانون مداری

اساساً جامعه بدون نظم و قانون به هرج و مرج خواهد انجامید و ضرورت وجود نظم و قانون در جامعه بر کسی پوشیده نیست و رقابت سیاسی نیز به‌عنوان بخشی از

فعالیت‌های اجتماعی، نیازمند قوانین و ضوابطی است که از لجام گسیختگی و بی‌انضباطی آن جلوگیری نماید. بی‌توجهی و رعایت نکردن قوانین در رقابت‌های سیاسی، زمینه ساز رقابت نا سالم و مخرب خواهد بود. از این رو از محوری‌ترین شاخصه‌های رقابت سیاسی سالم، توجه به قوانین و مبنا قرار دادن آن توسط احزاب و گروه‌های سیاسی در رقابت هاست. قانونمندی و قاعده مندی رفتارهای سیاسی و از جمله رقابت‌های سیاسی نقش مهمی در ایجاد فضای رقابت سیاسی سالم دارد و احزاب و گروه‌های سیاسی با رعایت چارچوب‌های مشخص شده در قوانین و مقررات کشور گام مهمی در جهت فراهم نمودن رقابت سیاسی سالم خواهند داشت. افراد و جریان‌هایی که در رقابت‌های انتخاباتی قوانین کشور را نادیده می‌گیرند، نمی‌توان انتظار قانونمندی و احترام به قوانین را در هنگام عهده‌دار شدن مسئولیت داشت.

حضرت امام علیه السلام فرمودند: «گرچه حق تبلیغات صحیح برای خود یا کاندیداهای خود یا دیگران را دارند و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری از این حق نماید و البته لازم است تبلیغات موافق مقررات دولت باشد. (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۳۳۷)

مقام معظم رهبری فرمودند: «در مسئله انتخابات و غیر انتخابات، همه باید تسلیم رأی قانون باشند؛ در مقابل قانون تمکین کنند. آن حوادثی که در آن کسانی که نظام، اسلام، قانون اساسی و امام را قبول دارند، باید به میدان رقابت بیایند؛ منتها رقابت سالم و نه رقابت لجوجانه و عنادآمیز» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از مردم قم، ۱۳۸۲/۱۰/۱۸).

### ۳.۱.۳ اخلاق محوری

توجه به اخلاق و هنجارهای اخلاقی در رقابت سیاسی موجب می‌شود که رقابت سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی از حالت تخریبی فاصله گرفته و در مسیر رقابتی سازنده و سالم قرار بگیرد. رعایت اخلاق در رقابت‌های انتخاباتی از بروز بی‌اخلاقی‌ها، ضد ارزشها جلوگیری نموده و فضای سالمی را برای انتخاب صحیح به وجود خواهد آورد.

گرچه رقابت‌های انتخاباتی به‌عنوان یک فعالیت سیاسی، اجتماعی، تابع ضوابط و اصول قانونی خاص خود است، اما این امر به‌هیچ‌وجه از ضرورت التزام کنشگران به مبادی و

اصول اخلاقی، نمی‌کاهد. اخلاق می‌تواند همچون محافظی قوی در عرصه رقابت سیاسی عمل نموده و از برخی سوء استفاده‌ها و دور زدن قوانین و نفوذ پاره‌ای از بینش‌ها و رفتارهای ناسالم که فضای رقابت سیاسی را مخدوش و ناسالم می‌سازند، جلوگیری نماید؛ گونه‌ای از رفتارها که حتی سدّ قانون نیز گاهی مانع از آن نخواهد شد.

امام خمینی علیه السلام فرمودند: «من از همه قشرها، از همه ملت می‌خواهم که آداب اسلامی خودشان را نسبت به همه امور، خصوصاً در انتخابات حفظ کنند و مبادا خیال کنند که مبارزات انتخاباتی عبارت از این است که به دیگران بد بگویند و کار شکنی بکنند.» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۱۵۲ - ۱۵۱)

#### ۴. عقلانیت مداری

از مؤلفه‌های اساسی رقابت سالم میان احزاب و گروه‌های سیاسی، حاکم شدن عقلانیت بر رقابت‌های سیاسی است. حاکمیت فضای عقلانی بر رقابت‌های سیاسی موجب خواهد شد که تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و همه فعالیت‌ها و از جمله رقابت‌های احزاب و جریان‌های سیاسی بر اساس عقل و منطق و به دور از احساسات و عواطف و هیجان‌های مقطعی و زود گذر و... صورت بگیرد و در سایه عقلانیت، منافع و مصالح عموم جامعه در نظر گرفته خواهد شد.

رعایت این بایسته‌ها و شاخصه‌ها موجب خواهد شد که رقابت‌های سیاسی، به رقابتی سالم و سازنده و مفید برای جامعه تبدیل شود و از آسیب‌های رقابت‌های ناسالم، غیرسازنده و مخرب فاصله بگیرد.

#### نبایسته‌های رقابت‌های انتخاباتی

در کنار بایسته‌ها و شاخصه‌های رقابت سیاسی سالم، رقابت سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی با آسیب‌هایی روبرو می‌باشد که در صورت بی‌توجهی به آن‌ها، رقابت‌های سیاسی را از یک رقابت سازنده و سالم به رقابتی مخرب و ناسالم تبدیل خواهد نمود که نه تنها به ثبات و پیشرفت کشور هیچ کمکی نخواهد کرد، بلکه عامل لجام گسیختگی و بی‌ثباتی خواهد شد و امور کشور را دچار اختلال، عقب‌ماندگی و حتی انحراف می‌نماید.

اگر چه به یک معنا فقدان بایسته‌ها و شاخصه‌های رقابت سیاسی سالم که بدان اشاره

شد را می‌توان به‌عنوان آسیب‌های کلی رقابت سیاسی احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی برشمرد، اما اشاره به محورها و مصادیق عینی نیاسته‌ها و آسیب‌های رقابت‌های انتخاباتی، موجب آگاهی بیشتر و ارزیابی رقابت‌های جریان‌های سیاسی خواهد بود که به مهم‌ترین این آسیب‌ها اشاره‌ای گذرا خواهیم داشت.

### ۱. بی‌توجهی به اصول و مبانی اسلامی و انقلابی

از آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، نادیده گرفتن و زیر پا گذاشتن اصول و مبانی اسلامی و انقلابی و توجه نکردن به آن‌هاست. متأسفانه گاهی دیده می‌شود که در رقابت‌های انتخاباتی، برای رسیدن به نتیجه، اصول و ارزش‌های اسلامی و انقلابی مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد و کسب نتیجه به هر قیمت در دستور کار برخی افراد و جریان‌های سیاسی قرار می‌گیرد. درحالی‌که ماهیت نظام اسلامی و سیاست اسلامی اجازه نمی‌دهد که برای کسب منصب و مسئولیت در آن از هر شیوه‌ای استفاده شود و عمل و رفتار ما باید با ماهیت نظام و مبانی فکری و اعتقادی ما متناسب باشد، نه آنکه مدعی دینداری باشیم، اما در عمل سکولار، رفتار کنیم و در عرصه فعالیت‌های سیاسی از جمله رقابت‌های انتخاباتی برای رسیدن به هدف، از هر وسیله‌ای استفاده کنیم و حدود شرعی و اخلاقی را زیر پا بگذاریم. رقابت‌های انتخاباتی برای عهده‌دار شدن مسئولیت در جامعه اسلامی است و از فردی که در این رقابت‌ها اصول و مبانی دینی و ارزش‌های اسلامی و انقلابی را نادیده می‌گیرد، نمی‌توان انتظار داشت در هنگام تصدی مسئولیت، به مبانی دینی و انقلابی پایبند باشد.

حضرت امام علیه السلام فرمودند: «اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب روشن است که اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است... چراکه همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آن‌ها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است... ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضع‌گیری‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه‌داری غرب و در رأس آن امریکای جهان‌خوار و

کمونیسم و سوسیالیزم بین الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۷۸-۱۷۹).

مقام معظم رهبری فرمودند: «من به خط و گرایش سیاسی شما و رقابتان و اختلافات شما کاری ندارم، اما تأکید می‌کنم که باید با حفظ اصول و مبانی با یکدیگر رقابت و مباحثه کنید... همه شما معتقد به اسلام، انقلاب و امام هستید، ولی در داخل کشور کسانی هستند که همچون آمریکا با این اصول دشمنی می‌ورزند و مهم این است که در برابر این مخالفت‌ها و دشمنی‌ها، به‌طور شفاف و روشن موضع‌گیری شود، اما موضع برخی دوستان و مجموعه‌های سیاسی در این زمینه‌ها به قدری نامحسوس است که اگر کسی به این مواضع، اعتقاد یافت، احساس می‌کند می‌تواند حتی به ضد انقلاب نیز نوعی دلبستگی داشته باشد. به همین لحاظ همه شخصیت‌ها، گروه‌ها و جناح‌های وفادار به اسلام و انقلاب باید مواضع محکم خود را در برابر کسانی که در داخل و خارج زیر پوشش اصلاحات، انقلاب، راه امام، ولایت فقیه و قانون اساسی را مورد تعرض قرار می‌دهند، اعلام کنند...» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار تنی چند از شخصیت‌های سیاسی با رهبر انقلاب، ۱۳۷۹/۲/۷).

«اگر چنانچه کسی وارد میدان رقابت انتخاباتی و مسابقه انتخاباتی بشود، اما بخواهد چهارچوب را بشکند، او از قاعده نظام خارج شده است، از قواعد حرکت انتخاباتی خارج شده؛ این غلط است، این درست نیست. باید همه چیز در چهارچوب نظام باشد. این چهارچوب، قابل تغییر نیست» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۶).

## ۲. اختلاف افکنی و نفرت پراکنی

یکی از آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، اختلاف افکنی، تشنج آفرینی و نفرت پراکنی در سایه رقابت در جامعه است. هر چند احزاب و گروه‌های سیاسی ممکن است دیدگاه‌ها و نظرات مختلفی در مورد مسائل کشور داشته باشند، ولی این به معنای اختلاف افکنی و ایجاد تنش و تشنج در جامعه نیست و باید رقابت آن‌ها به دور از هر گونه اختلاف افکنی و تشنج باشد تا فضای مناسب برای انتخاب و گزینش مناسب توسط مردم فراهم گردد.

وحدت و انسجام مؤمنان و پرهیز از اختلاف از توصیه‌های اکید اسلام به مسلمانان است که در رقابت‌های انتخاباتی نیز باید مورد توجه و مبنای آن قرار بگیرد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَنِّي لَكُمْ طُرُقَهُ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَ يُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ فَاصْدِفُوا عَنْ نَزَاغَاتِهِ وَ نَفَثَاتِهِ، وَ اقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أهدَاهَا إِلَيْكُمْ وَ اغْضَبُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ؛ شیطان راه‌های خویش را برای شما آسان جلوه می‌دهد و می‌خواهد پیمان‌های دینی شما را باز بگشاید و به جای جمعیت و هماهنگی، تفرقه و به وسیله تفرقه فتنه و آشوب برقرار سازد. بنابراین از وسوسه‌ها و فریب‌های او روی بگردانید و نصیحت را از کسی که آن را به شما هدیه می‌دهد، بپذیرید و آن را در درون وجود خود نگهداری کنید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰).

حضرت امام علیه السلام در این باره فرمودند: «این‌طور نباشد که گروه‌های مختلف، احزاب مختلف، و اشخاص مختلف، در یک موقعی که ما همه احتیاج به وحدت کلمه داریم، اختلاف ایجاد کنند؛ تشنج ایجاد کنند... توجه به این معنا داشته باشند که در صدر مشروطیت که احزاب مختلف پیدا شد، دنبال آن پیروزی که ملت پیدا کرده بود. این احزاب مختلف به جان هم افتادند و این کشور را تباہ کردند. شما گمان نکنید که احزابی که در ممالک دیگری هست، در صدر مشروطیت در انگلستان بود، آن احزاب با همان کاری که آن‌ها می‌کردند و حزب بازی می‌کردند، ماها را به اختلاف می‌کشیدند و خود آن‌ها با هم دشمنی نداشتند. هیچ حزبی بر ضد مصالح کشور خودش عمل نمی‌کرد. اگر هم با هم اختلاف سلیقه یا اختلاف رویه داشتند، عاقلانه بود؛ با حساب بود. این‌طور نبود که یک دسته دسته دیگر را آن‌چنان تضعیف کنند که کشورشان آسیب ببیند. مع الأسف همان احزابی که در آنجا بودند به ما نمایش می‌دادند که کشور باید احزاب داشته باشد و احزاب هم باید مخالف با هم باشند، ما را و احزاب ما را روبروی یکدیگر قرار می‌دادند و به ضرر هم صحبت می‌کردند و به ضرر هم قلم‌فرسایی می‌کردند و نتیجه این شد که به ضرر کشور بود» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۴۸-۵۰).

مقام معظم رهبری فرمودند: «گروه‌ها و جریان‌های سیاسی با هم کنار بیایند و با هم کار کنند. بدبینی، تهمت، اهانت به یکدیگر و قهر از یکدیگر نداشته باشند. حالا می‌گویند



که اختلاف مذاق سیاسی داریم... به فرض اگر در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی با هم اختلافی دارند، اگر اختلافشان فقط اختلاف عاطفی نیست، در دایره آن اختلافات با هم رقابت کنند، حرفی نیست. اما این رقابت‌ها را به خصومت به دشمنی و به کینه‌ورزی در مقابل هم نکشانند، ببینید که دشمن این‌جا ایستاده است. ببینید که دشمن منتظر فرصت است. ببینید که روی جنگ جناح‌ها با یکدیگر محاسبه می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران؛ ۱۳۷۸/۵/۸)؛ «ظرافت کار اینجاست که باید در فضای رقابت‌های انتخاباتی، نشاط و تحرک و گفتگوهای گرم و داغ وجود داشته باشد، اما نفرت پراکنی نباشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۲/۳/۷).

### ۳. جبهه‌گیری، تخریب و تضعیف دیگران

از آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، تخریب و تضعیف دیگران است. رقابتی که به دنبال آن تخریب و تضعیف دیگران باشد، رقابتی ناسالم خواهد بود. شخصیت و آبروی مؤمنان در نزد خداوند متعال بسیار ارزشمند است و به بهانه رقابت انتخاباتی، نمی‌توان به تخریب افراد و تضعیف دیگران پرداخت.

حضرت امام علیه السلام فرمودند: «ما اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم با هم در یک محیط آرام، صحبت کنیم و مسائل خودمان را به میان بگذاریم و حل کنیم. با تفاهم مسائل را حل کنیم؛ نه اینکه جبهه‌گیری کنیم. یکی، یک طرف بایستد، با دار و دسته خودش؛ و یکی، یک طرف بایستد با دار و دسته خودش؛ و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی. این‌ها برای این است که تعهد اسلامی نیست و دید سیاسی هم نیست. شماها اگر مُسَلِّم هستید، به احکام اسلام عمل کنید و اگر خدای نخواستہ تعهد اسلامی را قبول ندارید، با دید سیاسی مسائل را حل کنید. اگر ملت اشخاصی را دید، گروه‌هایی را دید که برخلاف مصالح کشور دارند جبهه‌گیری می‌کنند و این طایفه، آن طایفه را می‌کوبند و آن طایفه، آن طایفه را، تکلیف شرعی ملت این است که از آن‌ها اعراض کنند و آن‌ها را پذیرا نباشند» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۴۸-۵۰).

مقام معظم رهبری فرمودند: «من خواهش می‌کنم همیشه، در همه دوران‌ها،

انتخابات‌ها را وسیله‌ای قرار بدهید برای قوت ملی، برای افزایش اقتدار ملی؛ نه برای تضعیف نظام و تضعیف آبروی ملت. جنجال‌هایی که بعضاً از طرف بعضی از احزاب و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و جناح‌های بداخلاق در اطراف انتخابات می‌شود، تضعیف‌کننده کشور و ملت و نظام است. جناح‌های مختلف، جریان‌های مختلف، گرایش‌های مختلف، با شوق و ذوق و علاقه‌مندی همه عوامل‌شان را بسیج کنند و انتخابات را به‌عنوان یک هدف عالی، هدف خوب، هدف شیرین مورد توجه قرار بدهند و به دعوا و جنجال و اهانت و پنجه به روی هم کشیدن قضایا را نکشاند. انتخابات را وسیله‌ای بکنید برای اینکه دشمنان را ناامید بکنید» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۶/۳۱).

#### ۴. توهین و اتهام به سایر رقیب‌ها

یکی از آسیب‌ها و آفت‌های رقابت‌های سیاسی، توهین و اتهام به دیگران در جریان رقابت است. اهانت و توهین به افراد در اسلام منع شده است و در رقابت‌های انتخاباتی نیز این اصل باید رعایت شود و از هر گونه اهانت و توهین به دیگران پرهیز شود.

حضرت امام علیه السلام فرمودند: «هیچ مقامی و حزبی و گروهی و شخصی حق ندارد به دیگران که مخالف نظرشان هستند، توهین کنند یا خدای نخواستہ افشاکاری نمایند؛ گرچه همه حق تبلیغات صحیح برای خود یا کاندیداهای خود یا دیگران را دارند و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری از این حق نماید. البته لازم است تبلیغات موافق مقررات دولت باشد و احدی شرعاً نمی‌تواند به کسی کورکورانه و بدون تحقیق رأی بدهد» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۳۳۷).

مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «فضا باید متعادل، منطقی و عقلایی باشد. گفتگوی انتقادی اشکالی ندارد؛ اما گفتگو با های و هوی فرق دارد. در مردم‌سالاری اسلامی، گفتگو با عربده‌کشی و چاقوکشی در بعضی از دمکراسی‌ها تفاوت دارد. اینجا گفتگو می‌کنند؛ به قول امام، مثل مباحثه‌های طلبگی، در مجلس و جاهای دیگر مباحثه کنند، حتی بر سر مسئله‌ای دعوا کنند؛ اما کینه از هم به دل نگیرند؛ بعد هم پهلوی همدیگر بنشینند و با هم صحبت کنند. نگذارند اختلاف نظر به تنازع برسد. این تنازع موجب فشل و ضعف قوا

خواهد شد. دروغ، اهانت، دستگاه‌ها یکدیگر را متهم کردن، شایعه پراکنی، افتراء به رقیب، تحریک عصبیت‌های گوناگون؛ این‌ها هیچکدام با انتخابات اسلامی سازگار نیست. این خطاب به همه جناح‌هاست؛ خطاب به اشخاص یا جناح معینی نیست؛ این وظیفه همه ماست. همه جناح‌ها باید این چیزها را رعایت کنند. همه هم در چارچوب قانون حرکت کنند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۵/۱۵).

#### ۵. بی‌انصافی و سیاه‌نمایی نسبت به مشکلات

نامزدهای انتخاباتی باید مراقب باشند، ضمن اشاره به مشکلات و راه حل آن، از هر گونه سیاه‌نمایی نسبت به مشکلات پرهیز نمایند. اشاره به مشکلات به معنای نادیده گرفتن تلاش‌های دیگران و خارج شدن از جاده انصاف و یا سیاه‌نمایی در مورد وضعیت کشور نیست و استفاده از چنین روشی در مسیر خواست دشمن خواهد بود.

مقام معظم رهبری فرمودند: «نامزدهای محترم در این برنامه‌های عمومی، خب زبان به نقد و انتقاد باز می‌کنند، این حق آن‌ها است، می‌توانند از هر چیزی که مورد انتقاد آن‌ها است، انتقاد کنند، منتها توجه کنند که انتقاد باید به معنای عزم و نیت برای پیمودن آینده پر تلاش و افتخار آمیز باشد، نه به معنای سیاه‌نمایی و منفی بافی و بی‌انصافی، به این نکته توجه کنند.. من به برادرانی که می‌خواهند اطمینان مردم را به سمت خودشان جلب کنند، نصیحت می‌کنم که منصفانه حرف بزنند، انتقاد کنند، لیکن انتقاد به معنای سیاه‌نمایی نباشد» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۲/۳/۱۴).

#### ۶. ایجاد ناامیدی در مردم

رقابت‌های انتخاباتی با اشاره به مشکلات و کاستی‌ها و انتقاد همراه است، اما این مسئله نباید به گونه‌ای باشد که به ایجاد یأس و ناامیدی در مردم که خواست دشمنان و بدخواهان نظام است، منجر شود. اگر به مشکلات و ضعف‌ها اشاره می‌شود، به اقدامات خوب انجام شده نیز توجه شود و در کنار اشاره به مشکلات، راه‌های عملی برطرف نمودن آن نیز مورد توجه قرار بگیرد، تا این ذهنیت در میان افراد جامعه ایجاد نشود که مشکلات کشور قابل حل نخواهد بود.

حضرت امام علیه السلام فرمودند: «این‌ها نمی‌دانم چه جور مردمی هستند؟... مردم را به یأس می‌کشاند. این‌ها نمی‌دانند این معنا را که اگر مردم مأیوس بشوند، به منزله شکست خوردن است؟ یا می‌دانند و عمداً این کار را می‌کنند؟ من بسیاریشان را عقیده‌ام هست که عمداً با حساب دقیق [است] این اعمال حساب شده است، حسابش هم از خارج است» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۱۰).

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «همه نامزدهای انتخابات و همه هوادارانشان، خودشان را در مقابل توطئه احتمالی دشمن مسئول امنیت بدانند. انتخابات را متهم نکنند؛ کسی آب به آسیاب دشمن نریزد؛ در تبلیغات، القاء فضای اختلاف و ناامیدی نشود، تا ان‌شاءالله انتخابات خوبی داشته باشیم» (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

#### ۷. فقدان مرزبندی مشخص با دشمنان

در رقابت‌های انتخاباتی مرزبندی با دشمنان باید مشخص گردد و مواضع افراد و جریان‌های سیاسی روشن و شفاف مطرح گردد و به‌گونه‌ای موضع‌گیری نشود که مبهم و دو پهلو بوده و مرزبندی با دشمنان معلوم نباشد.

حضرت امام علیه السلام فرمودند: «هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترك دارند که به‌هیچ‌یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب آمریکای جهان‌خوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند...» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۷۸-۱۷۹).

مقام معظم رهبری نیز در این باره فرمودند: «انتخابات مال ملت ایران است، مال جمهوری اسلامی است، مال اسلام است؛ مرز هاشان را با دشمن مشخص و متمایز کنند. من بارها به بعضی از افراد سیاسی که فعالیت‌هایی دارند و گاهی یک مخالف‌خوانی‌هایی می‌کنند، تذکر داده‌ام، نصیحت کرده‌ام؛ گفته‌ام مواظب باشید مرزهای میان شما و دشمن کمرنگ نشود؛ پاک نشود. مرز وقتی کمرنگ شد، احتمال اینکه کسانی از این مرز عبور کنند

یا دشمن از این مرز عبور کند و بیاید این طرف یا دوست و خودی غافل شود و از مرز عبور کند و برود به دامن دشمن، زیاد خواهد بود. مرزها را روشن کنید؛ مشخص کنید» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از مردم قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹).

#### ۸. ترجیح منافع حزبی و جناحی بر منافع کشور

از آسیب‌های مهم رقابت‌های سیاسی احزاب و گروه‌های سیاسی، مقدم داشتن منافع حزبی و گروهی بر منافع عمومی کشور و مردم است. حمایت گروه‌ها و جریان‌های سیاسی از افراد، گاهی با سهم‌خواهی آنان همراه بوده و نامزدهای انتخاباتی برای بهره‌برداری از حمایت‌های آنان به‌گونه‌ای موضع‌گیری می‌کنند که منافع آن‌ها را در نظر بگیرند که در مواردی این منافع با منافع کلان کشور در تعارض بوده و موجب ترجیح منافع جناحی و حزبی بر منافع کلی کشور می‌گردد. حاکمیت نگاه حزبی و جناحی و اولویت دادن به آن در قبال منافع کلان کشور، تهدیدی است که در جریان رقابت‌های انتخاباتی و پس از عهده‌دار شدن مسئولیت‌ها متوجه افراد است و باید مراقب باشند که اولویت‌بندی‌ها دچار خدشه نشود. کسی که در هنگام رقابت‌های انتخاباتی منافع کشور را به منافع حزب و جناح خود ترجیح می‌دهد، نمی‌تواند انتظار داشت در زمان عهده‌دار شدن مسئولیت به منافع کشور و مردم پایبند بماند و آن را به پای منافع حزبی و جناحی فدا نکند. آسیبی که چنین رویکردی به دنبال دارد، تنها متوجه حزب و جناح این افراد نبوده و متوجه کل نظام و کشور خواهد بود.

حضرت امام علیه السلام در این خصوص فرمودند: «اگر در این نظام کسی- یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورت‌ها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آن قدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان



بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۱۷۹-۱۸۰).

مقام معظم رهبری فرمودند: «از ورود در مناقشات جناحی و حزبی که عده‌ای می‌خواهند در کشور ما این‌ها را روز به روز بیشتر کنند، پرهیز کنید و راز موفقیت شما این است. دست‌هایی در کار است تا سر مسائل هیچ و پوچ، عده‌ای را به جان هم بیاندازند و سر موضع‌گیری‌های گوناگون حزبی و جناحی و گروهی و گاهی گروهکی افراد را نسبت به یکدیگر مسئله‌دار کنند، درست نقطه مقابل «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»؛ (حجرات: ۱۰) قرآن می‌فرماید که مؤمنین به خدا، مؤمنین به دین، مؤمنین به راه انبیا، با هم برادرند. دو برادر ممکن است با هم دعوا کنند، اما تکلیف ما چیست؟ فاصلحوا بین اخویکم، بین دو برادر را باید اصلاح کرد. درست نقطه مقابل این عده می‌خواهند با جناح‌بندی و اظهارات حزبی و ایجاد ولایت حزبی به تنور اختلاف افکنی و آتش افروزی بدمند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲).

### ۹. تقابل و نفی دیگران به جای رقابت

از دیگر آسیب‌های رقابت‌های سیاسی، تبدیل شدن رقابت به تقابل، تعارض و دشمنی است. روشن است که در چنین فضایی نمی‌توان انتظار رشد و بالندگی کشور را داشت، رقابت هیچگاه به معنای دشمنی، کینه‌توزی و نفی دیگران نیست، ماهیت رقابت سالم، تکیه و تأکید بر توانایی‌ها و داشته‌های خود است نه تقابل، دشمنی و نفی دیگران. رقابت میدانی برای بیان توانمندی‌ها و نشان دادن شایستگی‌های افراد است، نه آنکه بستری برای تخریب و تقابل، در ذات رقابت تلاش برای پیشی‌گرفتن نهفته است، اما این تلاش به معنای تقابل و نفی دیگری نیست.

حضرت امام این‌گونه نگرانی خود را نسبت به رقابت احزاب و گروه‌های سیاسی بیان فرمودند: «هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تعارض جناح‌های مؤمن به انقلابم که مبادا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و نق بزن گردد» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۸۷-۲۸۸).

«البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دو رأی هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد... اگر در يك ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در يك مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقص است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال این‌ها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم. باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۴۷).

مقام معظم رهبری نیز فرمودند: «انتخابات باید سالم باشد، رقابتی باشد. رقابت غیر از خصومت است، رقابت غیر از تهمت زنی متقابل است؛ این‌ها را باید همه مواظب باشیم. رقابت این نیست که کسی اثبات خود را متوقف بر نفی دیگری بداند. رقابت این نیست که کسانی بیایند برای جلب نظر مردم، وعده‌های خلاف قانون اساسی، خلاف قوانین عادی بدهند؛ این‌ها نباید باشد. کسانی که وارد عرصه انتخابات می‌شوند، چه از طرف مجریان و مسئولان، چه از طرف کسانی که نامزد می‌شوند، بایستی به آداب و شروط یک حرکت عمومی سالم پایبند باشند، متعهد باشند؛ این لازم است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹).

احزاب، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی باید با در نظر گرفتن شاخصه‌های رقابت‌های سالم و توجه به آسیب‌ها و آفت‌های آن با یکدیگر به رقابت بپردازند و مرزهای اخلاقی، ارزشی و اسلامی را رعایت نمایند و پست‌ها و مسئولیت‌ها را، فرصتی برای خدمت به مردم بدانند، نه زمینه‌ای برای کسب قدرت و ثروت.

#### ۱۰. دادن وعده‌های غیر عملی و خلاف قانون

تلاش برای به دست آوردن مناصب مختلف با دادن وعده‌هایی به افراد برای جلب نظر و جذب رأی آن‌ها همراه است. این وعده‌ها باید در چارچوب قانون و عملی باشد. دادن وعده‌های غیر عملی و خلاف قانون، چیزی جز فریب افکار عمومی نبوده و در نهایت زمینه‌ساز دلسردی و بدبینی مردم نسبت به نظام و کارگزاران آن بوده و در کاهش میزان مشارکت در انتخابات بعد، تأثیرگذار خواهد بود.

مقام معظم رهبری در این باره فرمودند: «مردم توجه باید داشته باشند که تبلیغات رنگین و متنوع ملاک نیست؛ وعده‌های غیرعملی ملاک نیست... وعده‌های غیرعملی دادن، وعده‌های بزرگ دادن، این‌ها ملاک نیست؛ باید مردم توجه کنند؛ گاهی علامت منفی هم هست» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از مردم قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲).

«رقابت این نیست که کسانی بیایند برای جلب نظر مردم، وعده‌های خلاف قانون اساسی، خلاف قوانین عادی بدهند؛ این‌ها نباید باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹).

آنچه اشاره شد، مهمترین نایسته‌ها و آسیب‌های رقابت‌های انتخاباتی است که البته به این موارد هم محدود نیست و می‌توان موارد دیگری را نیز برشمرد. توجه نکردن به این آسیب‌ها موجب خواهد شد تا رقابت‌های انتخاباتی، تبدیل به ایجاد فضایی مخرب و ناسالم در جامعه شده و زمینه اختلاف، تنش و دو یا چند قطبی‌سازی جامعه را فراهم نماید و قطعاً چنین رقابت و فضایی نه تنها کمکی به پیشرفت کشور نخواهد کرد، بلکه زمینه‌ساز اختلاف و فضا سازی‌های نادرست در جامعه شده و در پیشرفت کشور خلل وارد نماید. از این جهت همه افراد و جریان‌ها سیاسی که دغدغه کمک به کشور را داشته و خواهان رشد و پیشرفت آن هستند، صرف نظر از هر گونه نگرش سیاسی، باید در رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی خود به این اصول توجه داشته باشند و آن را ملاک همه فعالیت‌های سیاسی خود از جمله رقابت‌های سیاسی قرار دهند.

### جمع‌بندی

رقابت‌های انتخاباتی به‌عنوان یک کنش اجتماعی در یک نظام و جامعه اسلامی از حدود و ضوابط دینی خارج نبوده و خطوط کلی ارزش‌های دینی بر آن حاکم است. رقابت‌های انتخاباتی در نظام دینی، باید مصداق تعاون بر انجام کار نیک و تقوا و پیشی گرفتن در نیکی‌ها و خوبی‌ها بوده و از تعاون بر گناه و ظلم و سبقت گرفتن در زشتی‌ها و بدی‌ها دور باشد. آنچه که موجب خواهد شد رقابت‌های انتخاباتی مصداق برّ و تقوا شود؛ همان رعایت قانون، اخلاق، عقلانیت و معیار قرار دادن ارزش‌های اسلامی و انقلابی می‌باشد و در



نقطه مقابل، اختلاف افکنی و تشنج آفرینی، جبهه‌گیری، تخریب و تضعیف دیگران، توهین و اتهام به سایر رقیب‌ها، بی‌توجهی به اصول و مبانی اسلامی و انقلابی، فقدان مرزبندی مشخص با دشمنان، ترجیح منافع حزبی و جناحی بر منافع کشور، تقابل و نفی دیگران به جای رقابت و دادن وعده‌های غیرعملی و خلاف قانون، سبب می‌شود تا رقابت‌های انتخاباتی تبدیل به رقابت‌های ناسالم و مخرب گردد. از این جهت توجه به این بایسته‌ها و نبایسته‌ها می‌تواند ملاک و معیار ارزیابی افراد و جریان‌های سیاسی و انتخاب یا عدم انتخاب آن‌ها از سوی مردم قرار بگیرد.



## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
۲. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۳۹۲/۳/۷.
۳. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶.
۴. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی؛ ۱۳۸۲/۲/۲۲.
۵. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار تنی چند از شخصیت‌های سیاسی با رهبر انقلاب، ۱۳۷۹/۲/۶.
۶. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار سران جبهه دوم خرداد، ۱۳۷۶/۲/۷.
۷. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی؛ ۱۳۹۰/۱۰/۱۹.
۸. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام؛ ۱۳۸۶/۶/۳۱.
۹. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از مردم قم به مناسبت سالروز قیام ۱۹ دی؛ ۱۳۸۶/۱۰/۱۹.
۱۰. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از مردم قم، ۱۳۸۲/۱۰/۱۸.
۱۱. \_\_\_\_\_، بیانات مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران؛ ۱۳۷۸/۵/۸.
۱۲. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ۱۳۸۹.
۱۳. نراقی، مولی محمد مهدی، جامع السعادات، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات

## الزامات مشارکت حداکثری در انتخابات نظام اسلامی

محمد ملکزاده\*

### چکیده

انتخابات یکی از مهم‌ترین رویدادهای انقلاب اسلامی ایران و مظهر عزت و اقتدار ایران اسلامی است. امتیاز نظام جمهوری اسلامی ایران، برخورداری از دو ویژگی «خدا محوری» و «مردمی بودن» است. نظام اسلامی از ابتدا، اهداف خود را بر طبق معیارها و ارزش‌های الهی تعریف کرد و در عین حال هویت و تجلی خود را از حضور مردم و اتکا به آرای عمومی جامعه دانست و از آنجا که جمهوری اسلامی ایران، نظامی دینی و مردمی است، ثبات و اقتدار آن نیز پس از اهتمام به حفظ ارزش‌های اسلامی، وابسته به حضور و مشارکت فراگیر مردم در عرصه‌های سیاسی همچون انتخابات می‌باشد. بر اساس یافته‌های این پژوهش تحقق مشارکت حداکثری نیازمند توجه همه بخش‌های نظام اعم از مسئولان، نامزدهای انتخاباتی و مردم به وظایفی است که در نظام اسلامی برای برگزاری انتخابات پرشور، رقابتی، قانونمند و در چارچوب یک رقابت سالم تعریف شده است. در این تحقیق وظایف و مسئولیت‌هایی که سه گروه مذکور برای تحقق مشارکت حداکثری و رقابتی در انتخابات نظام اسلامی بر عهده دارند، براساس روش توصیفی - تحلیلی و در خلال یک فرایند علمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**واژگان کلیدی:** انتخابات، انتخاب اصلح، مردم، مشارکت سیاسی، نظام اسلامی.

انتخابات یکی از مهمترین ابزارهای مشارکت سیاسی مردم و تحقق نظام مردم‌سالاری دینی است؛ این مهم اگر با دوراندیشی و اتخاذ تدابیر لازم و مناسب عملی شود می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را در برابر توطئه‌های گوناگون بیمه نموده و از آسیب‌ها و خطرات داخلی و خارجی مصون نگهدارد. انتخابات در دوره‌های مختلف همواره از حساسیت بالایی برخوردار بوده است. آرایش آراء و دیدگاه‌های مختلف در داخل و صف‌آرایی دشمنان خارجی نظام و توصیه‌ها و تحلیل‌های آنان پیرامون این موضوع، نشان‌دهنده اهمیت انتخابات در ایران اعم از انتخابات خبیرگان رهبری، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی بوده است. مقام معظم رهبری همواره در طول سال‌های گذشته بر اهمیت انتخابات به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری انسانی تأکید نموده و آن را ثمره مردم‌سالاری دینی توصیف نموده‌اند:

انتخابات سرمایه‌گذاری عظیم ملت ایران است؛ مثل اینکه شما سرمایه سنگین و عظیمی را در بانک می‌گذارید، بانک با آن کار می‌کند و شما از سودش استفاده می‌کنید؛ انتخابات یک چنین چیزی است. ملت ایران سرمایه‌گذاری عظیمی را می‌کند، سپرده‌گذاری بزرگی را انجام می‌دهد و سود آن را می‌برد. آراء یکایک شما مردم سهمی از همان سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری است. هر رأیی که شما در صندوق می‌اندازید، مثل این است که یک بخشی از پول آن سپرده را دارید تأمین می‌کنید. یک رأی هم اهمیت دارد. هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال می‌شوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان می‌دهد (بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا (ع)، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱).

ایشان در بخشی دیگر از این سخنان، ضمن توصیف انتخابات به‌عنوان رکن و پایه نظام، آن را ثمره مردم‌سالاری دینی دانسته‌اند:

انتخابات در کشور ما یک حرکت نمایی نیست. پایه نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمی‌شود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور



صورت می‌گیرد؛ این هم جز با يك انتخابات صحيح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است (همان).  
تحقق مشارکت حداکثري نیازمند توجه همه بخش‌های نظام اعم از مسئولان، نامزدهای انتخاباتی و مردم به وظایفی است که در نظام اسلامی برای ایشان تعریف شده است.

### ۱. وظایف مسئولان

از آنجا که شرکت در انتخابات در نگاه رهبران انقلاب اسلامی از حقوق مردم است، مسئولان و همه دست‌اندرکاران امر انتخابات موظفند از حقوق مردم به درستی مراقبت کنند. وظیفه تمام دستگاه‌هایی که در امر انتخابات نقش دارند آن است تا با تلاش خود به برگزاری انتخاباتی سالم و بدون حاشیه اقدام نمایند؛ زیرا تجربه نشان داده کوچک‌ترین سهل‌انگاری در این امر خسارت‌های فراوانی را به کشور تحمیل می‌کند. این نکته مهمی است که بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری از ابتدای پیروزی انقلاب تاکنون همواره بر آن تأکید داشته‌اند. ایشان صندوق‌های رأی را امانت‌های ملت در دست مسئولان امر دانسته و همواره به تمام مسئولان توصیه نموده‌اند تا با حساسیت تمام از این امانت‌های مردم نگهداری نمایند. تأکید ایشان بر این بوده که دقت شود حتی یک رأی از کسی ضایع نشود؛ هیچ مصلحتی نباید موجب خدشه‌دار شدن آرای مردم شود و تمایلات فردی یا گروهی و جناحی نباید بر مصالح عمومی و حقوقی افراد مقدم گردد. امام خمینی رحمته‌الله همواره به مسئولان گوشزد می‌فرمودند: «بین خودمان و خدای تبارک و تعالی باید فکر بکنیم که شما مسئول این مسئله هستید هم مسئول کار خودتان و هم مسئول مسئولان دیگری که تحت نظر شما هستند، هستید که جریان انتخابات یک جریان صحيح باشد. هیچ‌کس در انتخابات بر دیگری مقدم نیست» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۳۸۰).

برخی از مهمترین وظایف مسئولان در این رابطه عبارتند از:

#### ۱-۱. نظارت و اجرای دقیق

نظارت دقیق و اجرای مقتدرانه دو نهاد مسئول در امر انتخابات؛ یعنی شورای نگهبان و وزارت کشور، در برگزاری يك انتخابات باشکوه، سالم و عاری از هرگونه شائبه بی‌عدالتی و

بی‌نظمی، یک عامل کلیدی است. قانون اساسی با تأکید بر جایگاه این دو نهاد نظارتی و اجرایی، راهکاری دقیق برای افزایش ضریب اطمینان سلامت انتخابات اندیشیده است؛ وزارت کشور در جایگاه یک مجموعه دولتی موظف به اجرای دقیق انتخابات است و شورای نگهبان به‌عنوان یک نهاد نظارتی خارج از دولت، مأمور به نظارت مسئولانه و دقیق بر امر انتخابات است؛ کارکرد دقیق این دو نهاد در کنار یکدیگر، ضریب اطمینان سلامت انتخابات را ارتقاء می‌بخشد. شرط برگزاری يك انتخابات سالم، قاطعیت عمل مسئولان برگزاری انتخابات در مقابل تخلفات انتخاباتی است: «اگر شورای نگهبان در این قضیه - تشخیص صلاحیت‌ها و برخورد با خلاف‌های انتخاباتی - به يك نتیجه منطبق بر قانون و مقررات رسید، باید با قاطعیت اقدام بکند؛ هیچ چیزی نباید مانع از اقدام قاطع قانونی بشود. در همه امور، به‌خصوص در چنین اموری که با افکار و عواطف و احساسات و عقاید و آرای گوناگونی مواجه است، قاطعیت چیزی لازمی است» (بیانات رهبری در دیدار اعضای هیئت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان، ۱۴/ ۱۱/ ۱۳۷۴).

### ۲-۱. التزام به قانون

شرط دیگر برگزاری يك انتخابات سالم و پرشور، پایبندی همه جانبه مقامات مسئول، به قانون اساسی می‌باشد. مقام معظم رهبری؛ تأکید می‌نمایند: «در امر نظارت باید قانون و موازین، ملاک و معیار باشد و نه مذاق‌ها و سلیق شخصی. مطلقاً دنبال مذاق شخصی نروید...؛ راهش هم این است که هر کدام وظایف قانونی خودشان را انجام بدهند. ... بر روی قانون پافشاری کنید؛ قانون بسیار مهم است» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۹/ ۹/ ۱۳۹۲).

### ۳-۱. پرهیز از گرایش‌های سلیقه‌ای و جناحی

در یک انتخابات سالم مجریان یا ناظران انتخابات باید بی‌طرفی خود را حفظ کنند و از جانبداری نسبت به فرد یا حزب خاص پرهیز نمایند؛ زیرا این امر، زمینه انتخابات ناسالم را فراهم می‌سازد. رهبر معظم انقلاب در این باره خطاب به مسئولان اجرایی و نظارتی انتخابات می‌فرمایند: «به برادران مسئول، اعم از نظار و هیئت اجرائی عرض می‌کنم که مواظب باشید کارتان

سر سوزنی از معیار قانونی تخطی نکند. نظرات و سلايق شخصی را کنار بگذاريد. اينکه کسی به خاطر تشخيصی که از دين و انقلاب و اسلام و رهبری و ملت و دولت دارد، يك نفر را تقويت کند، يك نفر را رد کند، يك نفر را تضعيف کند، یکی را يك خرده جلو بکشد، یکی را يك خرده عقب بزند، خلاف ضابطه است» (بیانات در دیدار مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی و مسئولان شهربانی، ۱۳۶۹/۷/۴).

## ۲. وظایف نامزدهای انتخاباتی

یکی از مهم‌ترین وظایف انتخاباتی متوجه نامزدهای انتخابات می‌باشد. در طول سالیان گذشته با توجه به برگزاری انتخابات متعدد توصیه‌های فراوانی از سوی بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری در این خصوص مورد تأکید قرار گرفته که در این فراز به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. بدیهی است نحوه مواجهه کاندیداهای انتخاباتی با این وظایف می‌تواند شاخص مناسبی برای رأی و اقبال مردم به ایشان باشد:

### ۱-۲. پرهیز از اسراف

بر اساس نص قانون و تأکیدات مکرر امام راحل و مقام معظم رهبری هیچ نامزدی حق هزینه‌های نامتعارف برای تبلیغات انتخاباتی را ندارد، آنان حتی موظفند طرفداران خود را نیز در این خصوص مراقبت نموده و به آنان اجازه ندهند از تبلیغات پُرخرج استفاده کنند؛ مقام معظم رهبری با تصریح به نگرانی خود پیرامون این موضوع می‌فرماید:

یکی از کارهایی که بنده - چه در تبلیغات انتخابات مجلس و چه در انتخابات ریاست جمهوری - همیشه نگران آن هستم، این است. نه خودشان تبلیغات پُرخرج کنند، نه به طرفدارانشان اجازه دهند. بعضی افراد ممکن است بگویند به ما ربطی ندارد؛ این کار پُرخرج را دیگران می‌کنند. شما بگویید نکنند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸).

### ۲-۲. پرهیز از تخریب رقبا

انتخابات در نظام اسلامی دارای شرایط و آداب اسلامی می‌باشد. زینده نظام اسلامی نیست که کاندیداها و طرفداران آنان همچون کشورهای غربی در تبلیغات انتخاباتی از هر روش و

شیوه‌ای برای تخریب رقبا و دستیابی به اهداف خود استفاده نمایند؛ زیرا در نظام اسلامی پذیرش مسئولیت‌ها نه به‌عنوان منفعت شخصی که قبول رسالتی الهی برای تحقق آرمان‌های اسلامی و خدمت به مردم تلقی می‌شود. از این‌رو چارچوب‌ها و ضوابط دینی و اخلاقی باید مورد توجه قرار گیرد. تخریب و توهین به رقبای انتخاباتی یکی از مصادیق بارز عدم پابندی به آموزه‌های اخلاقی و اسلامی است. حضرت امام خمینی رحمته‌الله اهانت و یا تضعیف رقبیان در تبلیغات انتخاباتی را نشانه عدم سلامت انتخابات و فاجعه‌آمیز بودن آن دانسته و می‌فرماید: «امروز این نحو مخالفت‌ها، خصوصاً از چنین کاندیداهایی، برای اسلام و جمهوری اسلامی، فاجعه‌آمیز است» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۱۳۳) ... «هیچ مقامی و حزبی و گروهی و شخصی حق ندارد، به دیگران که مخالف نظرشان هستند، توهین کند...» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۳۳۷) ایشان بارها خطاب به کاندیدها و طرفداران آنان می‌فرمود: «از آقایان کاندیدها و دوستان آنان انتظار دارم که اخلاق اسلامی - انسانی را در تبلیغ برای کاندیدای خود مراعات و از هرگونه انتقاد از طرف مقابل که موجب اختلاف و هتک حرمت باشد خودداری نمایند که برای پیشبرد مقصود، و لو اسلامی باشد، ارتکاب خلاف اخلاق و فرهنگ، مطرود و از انگیزه‌های غیراسلامی است» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۱۲). ایشان حیثیت و آبروی مومن در اسلام را از بالاترین و والاترین مقام‌ها می‌دانستند و هتک مومن را از بزرگترین گناهان می‌شمردند که موجب سلب عدالت می‌گردد (موسوی خمینی، انتخابات در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله، ۱۳۸۷، ص ۳۳۴).

امام خمینی رحمته‌الله در فرازی دیگر درباره تبلیغات انتخاباتی خطاب به نامزدهای انتخابات می‌فرماید: نصیحتی است از پدری پیر به تمامی نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنند تبلیغات انتخاباتی شما در چارچوب تعالیم و اخلاق عالیه اسلام انجام شود و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد، جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت حفظ اسلام است. اگر در انتخابات حریم مسائل اسلام رعایت نشود چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده به کسی توهین نگردد (همان، ص ۱۳۴).



ایشان همچنین بر حفظ وحدت، صمیمیت و اخوت اسلامی در تبلیغات انتخاباتی تأکید داشتند: «من بسیار مایل هستم؛ گروه‌هایی را که متعهد و معتقد به جمهوری اسلامی و خدمتگزار به اسلام هستند، در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در تبلیغ کاندیداهایشان رعایت نمایند و نسبت به یکدیگر تفاهم و صمیمیت و اخوت اسلامی داشته باشند، از تفرقه و کدورت شدیداً احتراز کنند که تفرقه و تشتت، دوستان را نگران و دشمنان را کامیاب می‌کند و موجب تبلیغات سوء می‌شود» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۱۲).

یکی از تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری نیز در طول سالیان گذشته بر همین موضوع بوده است: آن کسانی هم که دستی در تبلیغات دارند، فضای سیاسی کشور را آشفته نکنند؛ بدگویی از این، اهانت به آن، معارضة جناح‌های سیاسی با هم. مردم چه تقصیری کرده‌اند که بایستی ذهن آن‌ها به خاطر انگیزه‌های مختلف سیاسی اشخاص و گروه‌ها و جناح‌ها و مجموعه‌ها، آشفته و مغشوش شود. این‌ها بگذارند فضای انتخابات سالم باشد. البته هر کس حق دارد از خود و نامزد انتخاباتی خود دفاع و حمایت کند؛ این مانعی ندارد. تبلیغات در حد متعارف و بدون اسراف و زیاده‌روی، خیلی خوب است؛ اما اهانت، تخریب و بدگویی - این کارهایی که جزو رسوم زشت بعضی از کشورهای غربی است - را کنار بگذارند؛ بگذارند مردم در يك فضای آرام، با تشخیص، با بصیرت و بدون سراسیمگی انتخاب کنند (بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۵/۸/۲).

## ۲-۳. صداقت با مردم

یکی از شرایط انتخابات سالم در جنبه کاندیداها و داوطلبان، پایبندی آنان به آموزه‌های اخلاقی و شرعی است. لازم است کاندیداها در تبلیغات انتخاباتی خود، از هر گونه دروغ و فریب برای جلب نظر مردم خودداری کنند تا زمینه يك انتخابات سالم و کاملاً رقابتی فراهم گردد. صداقت مهم‌ترین نکته‌ای است که باید مورد توجه نامزدهای انتخاباتی قرار گیرد؛ مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

به آقایان محترمی که در این میدان هستند، این چند توصیه را عرض می‌کنیم:... با مردم با کمال صداقت حرف بزنند؛ هرچه عقیده‌شان هست، به مردم بگویند. اگر بخواهند در دل مردم اثر بگذارند، این صداقت، بیشتر در دل مردم اثر می‌گذارد. آن چیزی که حقیقتاً عقیده و

نیت آن‌هاست، آن را به مردم بگویند؛ اختیار با مردم است که چیزی را انتخاب کنند. وحدت ملی را خدشه‌دار نکنند. طوری نباشد که به خاطر جذب يك دسته یا يك گروه، حرفی بزنند که وحدت ملت خدشه‌دار شود. وعده‌هایی که معلوم است نمی‌توانند به آن‌ها عمل کنند، به مردم ندهند. آن‌چه که در چارچوب قانون اساسی است و امکانات مملکت از امکان آن حکایت می‌کند، آن را به مردم بگویند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸).

## ۴-۲. پایبندی به قانون انتخابات

انتخابات در ایران صحنه رقابت سالم میان صاحبان افکار و دیدگاه‌های متفاوت در درون نظام اسلامی است. وظیفه کاندیداها و داوطلبان انتخاباتی پایبندی کامل به قانون است و هر عمل غیرقانونی برای جلب آرای ملت، مردود می‌باشد. آیت الله خامنه‌ای با اشاره به برخی اقدامات خلاف قانون از سوی نامزدها می‌فرماید: «اگر دیدید، کسی است که دارد پول به مردم می‌دهد و یا دهن آن‌ها را برای این‌گونه کارها شیرین می‌کند، بدانید که این‌طور آدم‌ها، آدم‌های نامناسبی هستند، وقتی معلوم شد که این‌ها هستند که می‌خواهند به خاطر امور مادی و در راه کسب متاع دنیوی، مسند با ارزشی را که برای مردم قانون وضع می‌کند، غصب کنند، بایستی جلوی آن‌ها را بگیریم» (بیانات در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴). رعایت اخلاق انتخاباتی در نظام جمهوری اسلامی ایران همچنین ایجاب می‌کند که همه طرف‌ها به ویژه نامزدهای انتخاباتی با تمکین از قانون، نتیجه انتخابات را هر چه باشد بپذیرند و از نمایش تحرکات غیرقانونی و کشاندن طرفداران خود به خیابان‌ها پرهیز نمایند.

## ۳. وظایف مردم

در انتخابات نظام اسلامی با توجه به حساسیت آن و هجمه تبلیغات دشمنان، مردم باید در فضای آرام و منطقی بهترین تصمیم را گرفته و شایسته‌ترین فرد را برای ریاست جمهوری، خبرگان رهبری و یا مجلس شورای اسلامی انتخاب کنند. با توجه به دیدگاه‌های امام راحل و مقام معظم رهبری چند نکته را به‌عنوان مهم‌ترین وظایف ملت در انتخابات می‌توان مورد تأکید قرار داد:

### ۳-۱. مشارکت حداکثری

انتخابات در جمهوری اسلامی همواره تجلی حضور و مشارکت سیاسی مردم و عرصه تحقق اراده ملت برای تعیین سرنوشت خویش بوده است. از این رو انتخابات دارای اهمیت و جایگاه بلندی است و مردم نقش بزرگی در ایفای این رسالت بر عهده دارند. امتیاز نظام جمهوری اسلامی ایران در میان نظام‌های موجود، برخورداری این نظام از دو ویژگی «خدا محوری» و «مردمی بودن» است. نظام اسلامی از ابتدا، اهداف خود را بر طبق معیارها و ارزش‌های الهی تعریف کرد و در عین حال هویت و تجلی خود را از حضور مردم و اتکا به آرای عمومی جامعه دانست و از آنجا که جمهوری اسلامی ایران، نظامی دینی و مردمی است، ثبات و اقتدار آن نیز وابسته به حضور و مشارکت گسترده مردم از طریق ابزارهایی همچون انتخابات خواهد بود. امام خمینی علیه السلام درباره اهمیت حضور و شرکت همگانی مردم در انتخابات می‌فرماید: «این وظیفه‌ای است الهی؛ وظیفه‌ای است ملی؛ وظیفه‌ای است انسانی؛ وظیفه‌ای است که ما باید به آن عمل بکنیم؛ همه‌مان باید در انتخابات شرکت بکنیم» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۳۱۸).

مقام معظم رهبری این مهم را وظیفه عموم مردم به ویژه نیروهای بسیجی می‌دانند تا مردم را به مشارکت حداکثری تشویق نمایند: «مسئله اول، مشارکت است. در زمینه مشارکت مردم، هرطور که می‌توانید، روی خانواده‌ها و دوستانان کار کنید. مشارکت، یکی از اساسی‌ترین مسائل است. حضور مردم برای پیشرفت و صیانت کشور لازم است. نه این‌که اگر عده زیادی شرکت نکردند، این‌ها به نظام «نه» گفته‌اند؛ به هیچ‌وجه این‌طوری نیست. آن‌هایی که به خاطر «نه» گفتن به نظام نمی‌آیند، درصد خیلی کمی اند. یک عده به خاطر بی‌حالی نمی‌آیند؛ یک عده به خاطر بی‌حوصلگی نمی‌آیند؛ یک عده روز جمعه کار دیگری دارند و نمی‌آیند؛ این‌ها را شما راه بیندازید. و الا کسانی که معتقد به نظام و قانون اساسی نیستند و دلشان برای بیگانگان و نفوذ آن‌ها پر می‌زند و منتظر آمدن بیگانگان هستند، درصد بسیار کمی اند» (بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵).

مشارکت حداکثری مردم در انتخابات فارغ از هر نتیجه‌ای، نشان از اعتماد مردم به نظام اسلامی است؛ زیرا در شرایطی که دشمنان نظام تمام تلاش خود را برای عدم حضور مردم پای



صندوق‌های رأی به‌کارمی‌گیرند، حضور مردم مهر تأیید مجددی بر جمهوریت نظام اسلامی در کنار اسلامیت آن می‌باشد.

### ۲-۲. حفظ وحدت و انسجام

انتخابات در جمهوری اسلامی یکی از عرصه‌های تجلی وحدت و نمایش وحدت مردم است و باید تمامی تلاش‌ها و اقدامات در این راستا صورت گیرد. متأسفانه در برخی دوره‌ها گاه در انتخابات وحدت ملی جامعه دچار آسیب شده که از رهگذر آن، ضربات و خسارت‌های بزرگی بر نظام و مردم تحمیل گردیده است. امام خمینی رحمته‌الله با توجه به وجود دیدگاه‌های متفاوت در جامعه و طبیعی دانستن آن، همواره ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف را مورد تأکید قرار داده و می‌فرمودند: «البته دو تفکر هست؛ باید هم باشد دو رأی هست؛ باید هم باشد سلیقه‌های مختلف باید باشد لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان با هم خوب نباشد... اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد این ناقص است. اگر در یک مجلس اختلاف نباشد این مجلس ناقص است. اختلاف باید باشد؛ اختلاف سلیقه اختلاف رأی، مباحثه جار و جنجال این‌ها باید باشد؛ لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته بشویم... (باید) دوست هم باشیم» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۷).

آنچه مسلم است رقابت‌های انتخاباتی نباید زمینه پراکندگی و اختلاف و دشمنی در جامعه باشد. زیرا این امر زمینه نفوذ دشمنان مردم و نظام را فراهم خواهد ساخت. امام با اشاره به این موضوع می‌فرمود: «من احتمال می‌دهم که عوامل و دست‌های ناپاکی بخواهند از رقابت‌های انتخاباتی در رسیدن به آرزوهای خود استفاده کنند و با طرح مسائل پوچ و بی‌معنا دل‌ها را از یکدیگر جدا سازند» (همان).

از این رو مردم باید با هوشیاری و درایت کامل مراقب القائات دشمنان و نفاق تفرقه افکنان باشند و با اتحاد و همدلی ضمن انتخاب نیروهای متعهد و دلسوز، انتخابات را به عرصه اتحاد و انسجام ملت و جامعه تبدیل نموده و دشمنان را مأیوس نمایند.

### ۳-۲. انتخاب اصلح

حساسیت ویژه انتخابات در نظام اسلامی اعم از ریاست جمهوری، مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی ایجاب می‌کند که مردم با حضور پرشور در انتخابات، اصل انتخاب اصلح را

تحقق بخشند. برای انتخاب اصلح باید به دور از هر گونه تعصب و با توجه به سوابق انقلابی نامزدها افراد دلسوز و انقلابی را برگزید. گزینش اصلح پس از طی دو مرحله تحقق می‌یابد مرحله نخست توجه به معیار اصلح است؛ مرحله دوم تطبیق افراد با این معیارهاست. معیار اصلح در فرمایشات امام و رهبری در مجموع شامل کسانی می‌شود که دردهای مردم را بدانند و برای ریشه‌کن کردن فقر و فساد عزم جدی داشته باشند و البته توان بر دوش گرفتن این مسئولیت عظیم را نیز داشته و خود در دفاع از آرمان‌های انقلاب سد محکمی در برابر دشمن و بیگانگان باشند. در خصوص انتخابات مجلس با توجه به نقش و رسالت بزرگی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با تدوین قوانین و مقررات اسلامی و ملی برعهده دارند؛ مردم باید نمایندگانی را برگزینند که از هر جهت شایستگی نمایندگی ملت مسلمان ایران را داشته باشند. معتقد به دو رکن مهم نظام یعنی «جمهوریت» و «اسلامیت» باشند تا هنگام بررسی لوایح و طرح‌ها این دو رکن مهم را مورد توجه قرار دهند. بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در یکی از بیانات خود درباره ویژگی‌های لازم برای نمایندگی مجلس می‌فرماید: «من متواضعانه از شما می‌خواهم که حتی الامکان در انتخاب اشخاص با هم موافقت نمائید و اشخاصی اسلامی متعهد غیرمنحرف از صراط مستقیم الهی در نظر بگیرید و سرنوشت اسلام و کشور خود را به دست کسانی دهید که به اسلام و جمهوری اسلام و قانون اساسی معتقد و نسبت به احکام نورانی الهی متعهد باشند و منفعت خود را بر مصلحت کشور مقدم ندارند» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۴۹). مقام معظم رهبری نیز به مردم همواره تأکید نموده‌اند: «به کسی- گرایش پیدا کنید که به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معیشت مردم، به آینده مردم و به عزت مردم اهمیت می‌دهد» (بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۸۴/۳/۱۴). ایشان در جایی دیگر با تأکید بر کنترل ورودی‌های میدان سیاست می‌فرمایند: «یقیناً ورودی‌های میدان سیاست باید کنترل شود. باید ... معلوم گردد کسی که دارد می‌آید، کیست؛ اصلاً عرضه این کار را دارد یا ندارد؛ بعد، اعتقاد به این کار دارد یا ندارد؛ بعد، اصلاً می‌فهمد در کشور چه کار باید کرد یا نه. ملاک‌هایی وجود دارد؛ ... نگاه کنید ببینید واقعاً چه کسی طرفدار انقلاب و طرفدار دین و طرفدار عدالت و طرفدار

عدم تبعیض بین فقیر و غنی است؛ چه کسی- کفایت و دنبال‌گیری و نشاط لازم را دارد؛ چنین کسی را پیدا کنید» (بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵).

#### ۴. معیار انتخاب اصلح

با توجه به اهمیت انتخاب اصلح در انتخابات نظام جمهوری اسلامی و نقش آن در مشارکت حداکثری مردم، در این فراز ضمن اشاره به جایگاه این موضوع در متون دینی، معیارهای انتخاب اصلح را با استفاده از منابع دینی مورد تذکر قرار می‌دهیم.

مرحله انتخاب کارگزاران یکی از مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین مراحل اجرایی در یک نظام سیاسی است دلیل اهمیت این مرحله آن است که کارگزاران و مدیران اجتماعی بازوان اجرایی حاکمان و به‌عنوان عاملان اقامه عدل و قانون در جامعه به حساب می‌آیند. شایستگی، توانمندی و سلامت رفتاری آنان مهم‌ترین نقش را در سامان‌دهی بهتر امور اجتماعی برعهده دارد.

در بررسی سیره سیاسی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام مشاهده می‌کنیم که مهم‌ترین معیار گزینش آنان در انتخاب کارگزاران، احراز صلاحیت اخلاقی، تخصص و توانایی‌های لازم در انجام مسئولیت‌های محوله بوده است. اصل شایسته‌سالاری و رعایت اهلیت و صلاحیت برای واگذاری مسئولیت‌ها به افراد، اصلی است که با فطرت انسانی نیز سازگار است. در فرهنگ اسلامی معیار شایستگی، برخورداری یک مسئول از تخصص و تعهد در کنار یکدیگر است؛ به‌طوری که فرد علاوه بر برخورداری از تخصص و توانایی لازم در انجام مسئولیت‌های محوله، خود را موظف به حفظ حدود و مقررات تعیین شده بداند. در منطق قرآن کریم مناصب و مسئولیت‌ها امانت‌هایی به‌شمار می‌آیند که باید به اهلهش واگذار گردد (نساء: ۵۸). به همین دلیل هنگامی که خداوند ابراهیم را پیشوا و رهبر مردم قرار داد در پاسخ وی که از واگذاری این مسئولیت به افراد خاندان خود پرسید فرمود: «پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد» (بقره: ۱۲۴). تأکید رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این اصل و لزوم برخورداری مسئولان از تعهد همراه با تخصص و توانایی در انجام مسئولیت‌های محوله به حدی بود که اگر فردی فاقد اصلحیت در دو گزینه یاد شده بود وی را شایسته پذیرش منصب نمی‌دانستند. روزی ابوذر صحابی بزرگ و وفادار رسول خدا از ایشان خواست تا

منصبی به وی واگذارند رسول خدا ﷺ ضمن دلجویی از وی فرمودند: ای ابوذر! تو را دوست دارم و هر آنچه برای خود می‌پسندم برای تو نیز می‌خواهم لکن مسئولیت‌ها امانت‌هایی هستند که اگر انسان به‌نحو شایسته از عهده آن‌ها برنیاید مایه‌خواری و پشیمانی وی در قیامت خواهند شد من تو را در مدیریت ضعیف می‌بینم پس هیچ‌گاه مسئولیت و حکومت بر حتی دو نفر را نیز قبول نکن (مجلسی، بحارالانوار، [بی‌تا]، ج ۲۲، ص ۴۰۶)

خودداری رسول خدا از واگذاری يك مسئولیت به شخصیتی همچون ابوذر که بارها از جانب پیامبر به بهترین خصال ستوده شده بود، نشان از اهتمام جدی ایشان به رعایت اصلحیت و شایسته‌سالاری در جمیع جهات است. آن حضرت در خصوص مدیر و پیشوای اصلح سه ویژگی بیان فرموده‌اند: «پارسایی که او را از معصیت باز دارد؛ بردباری که بتواند با آن خشمش را کنترل کند و مدیریت نیکو بر مجموعه تحت مدیریتش داشته باشد تا برای آنان همانند پدری مهربان باشد» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۰۷)

امام علی علیه السلام نیز با اشاره به لزوم رعایت اصل شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران سیاسی، سزاوارترین افراد را تواناترین آنان بر اداره جامعه و داناترین به فرمان خداوند در فهم مسایل دانسته‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳). آن حضرت در عهد معروف مالک اشتر به فرماندار خود می‌فرماید: «در امور کارگزارانت بنگر، آن‌ها را آزموده به‌کارگیر، محور گزینش تو میل و گرایش شخصی نباشد ... از میان آن‌ها افرادی که با تجربه‌تر، پاک‌تر، اصیل‌تر و پیشگام‌تر در اسلام‌اند برگزین ... افرادی که کم‌طمع و در سنجش عواقب امور بیناترند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز پس از آن که مجبور به صلح با معاویه گردید در ضمن خطبه‌ای با اشاره به سخنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد لزوم ولایت اهلیت و اصلحیت در انتخاب رهبر فرمود: «هیچ امتی رهبری خود را به شخصی که بهتر و داناتر از وی در میان آنان بوده واگذار نکرده مگر آن که وضعیت آن امت رو به فساد و نقصان نهاده است (طوسی، الامالی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۷۲).

در نظام جمهوری اسلامی که با الگو گرفتن از سیره سیاسی پیشوایان معصوم تأسیس گردید، رعایت این اصل از اهمیت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل بنیان‌گذار

جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری به مناسبت‌های مختلف بارها به این مهم اشاره کرده و با تبیین معیارهای اصلحیت، مردم را نسبت به دقت در انتخاب خود توجه داده اند. رهبر فقید انقلاب با تأکید بر اصولی همچون ساده‌زیستی و عدم انحراف فرد منتخب می‌فرمودند: «توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمین‌خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۲۱، ص ۴۲۲).

ایشان در فرازی دیگر می‌فرمود: «باید به اشخاصی که احتمال انحراف در آنان می‌رود، رأی ندهند - چه احتمال انحراف عقیدتی، اعمالی و یا اخلاقی - که به چنین اشخاص اعتماد نمی‌شود کرد و رأی به آنان موجب مسئولیت خواهد بود؛ تحت تأثیر تبلیغات واقع نشوند و خودشان با موازین اسلامی، اشخاص صحیح را انتخاب کنند» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۲۷۸).

مقام معظم رهبری نیز بارها با تأکید بر انتخاب اصلح به برخی از مصادیق آن اشاره فرموده‌اند: «هتر ملت ایران و مردم شهرها و حوزه‌های انتخابیه این است که دقت کنند، نگاه کنند، بشناسند اصلح را، بهترین را انتخاب کنند؛ بهترین از لحاظ ایمان، بهترین از لحاظ اخلاص و امانت، بهترین از لحاظ دینداری و آمادگی برای حضور در میدان‌های انقلاب؛ دردشناس‌ترین و دردمندترین نسبت به نیازهای مردم را انتخاب کنند» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲).

بدیهی است رعایت این اصل تکلیفی فقط متوجه مردم به‌عنوان انتخاب‌کننده گارگزاران نیست بلکه انتخاب شوندگان (داوطلبان انتخاباتی) نیز مکلفند زمانی در معرض انتخاب قرار گیرند و مسئولیتی را بپذیرند که خود را در انجام وظایف محوله اصلح بدانند؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کسی خود را بر قومی مقدم بدارد در حالی که بداند در بین آن ملت صالح‌تر از او برای آن کار وجود دارد، آن شخص به خدا و رسول و جمیع مسلمانان خیانت کرده است» (امینی، الغدیر، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۲۹۱).



اکنون با بررسی متون دینی و سخنان رهبران اسلامی برای انتخاب کاندیدای اصلح، برخی معیارها برای احراز صلاحیت افراد جهت پذیرش مسئولیت را می‌توان یافت که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

#### ۱-۴. برخورداری از اخلاق نیک

خداوند پس آنکه حضرت محمد ﷺ را به رسالت برگزید در وصف او بر اخلاق نیک پیامبر ﷺ تأکید فرمود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) و در آیه ۱۵۹ آل‌عمران خطاب به پیامبر می‌فرماید «اگر تو دارای خلق نیک نبودی قطعاً مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند». بر اساس این آیات نخستین ویژگی حاکم یا فرد مسئول، برخورداری از اخلاق نیک است. متأسفانه گاه در مناظرات انتخاباتی دیده می‌شود برخی برای تصاحب قدرت به هیچ معیار اخلاقی پایبند نیستند. آنان به جای تشریح برنامه‌های خود، با بداخلاقی سخیف‌ترین دروغ‌ها و تهمت‌ها را به کاندیداهای رقیب روانه می‌کنند. بدیهی است مردم باید چنین افرادی را که در مسابقه اخلاق مردود شده‌اند، انتخاب نکنند.

#### ۲-۴. صداقت در وعده‌ها

در قرآن کریم حضرت هود به قومش می‌فرماید: «من از جانب خداوند برگزیده شدم تا شما را اصلاح کنم و قصدی جز اصلاح شما ندارم تا آنجا که بتوانم» از این جمله حضرت هود که به قومش می‌فرماید: «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ» (هود: ۸۸)؛ یعنی در حد توانم اصلاح خواهم کرد، می‌توان اهمیت صداقت در وعده مسئولان به مردم را دریافت. فرد مسئول یا کسی که قرار است مسئولیتی را بپذیرد نباید قول و وعده‌های بیهوده و خارج از توان خود به مردم بدهد. خداوند در آیات ۲ و ۳ سوره مبارکه «صف» با عتاب خطاب به کسانی که وعده‌های بیهوده می‌دهند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید» و «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید». متأسفانه وعده‌های بیهوده دادن برای جمع‌آوری آرای مردم به عادت انتخاباتی برخی افراد تبدیل شده است!

### ۳-۳. امانتداری و توانمندی

خداوند در آیه ۵۸ سوره مبارکه «نساء» می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛ «خدا به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن‌ها رد کنید» منصب و مقام یکی از مهمترین امانتهاست که باید به اهلش واگذار شود. حضرت علی علیه السلام در عهد مالک می‌فرماید: «اخْتَبَرَهُمْ بِمَا وُلُّوا لِلصَّالِحِينَ قَبْلَكَ فَأَعْمِدْ لِأَحْسَنِهِمْ كَانَ فِي الْعَامَةِ أَثَرًا وَاعْرِفِهِمْ بِالْأَمَانَةِ؛ «آنان را بیازمای به خدمتی که برای والیان نیکوکار پیش از تو، عهده‌دار بوده‌اند و بر آن کس اعتماد کن که میان همگان، اثری نیکو نهاده و به امانت از همه شناخته‌تر است و امتحان خود را پس داده. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) امروز کسانی مدعی پست هستند که عملکردشان در طول سال‌های گذشته پیش روی ملت است. کسانی که به وعده‌های خود عمل نکردند؛ امام علی علیه السلام در نامه ۲۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «وَإِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ، خِيَانَةُ الْأُمَّةِ؛ و قطعاً بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت است. اینکه به مردم قولی داده شود، ولی به آن عمل نشود، خود نوعی خیانت به ملت است. کسانی که در مدیریت ضعیف و ناتوان بودند امروز چشم به منصب مهم دوخته‌اند! در آیه ۵۵ سوره یوسف آن حضرت به حاکم مصر عرضه می‌دارد: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمِ» «خدایا مرا بر خزانه‌ها و ثروت‌های این سرزمین بگمار که من نگهدارنده دانا و عالم هستم». روایت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در این رابطه بسیار گویاست که می‌فرماید کسی که به کاری گماشته می‌شود، در حالی که می‌داند در میان مسلمانان فردی وجود دارد که برای آن مسئولیت شایسته‌تر و به قرآن و سنت آگاه‌تر است، در این صورت، قطعاً به خدا و رسول خدا و همه مؤمنان خیانت کرده است (امینی، الغدير، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۲۹۱).

### ۳-۴. از جنس مردم بودن

ملاک کاندیدای اصلح از جنس مردم بودن و دلسوز و مهربان بودن است. کاندیدایی که مردمی نباشد، دلسوز و مهربان نسبت به اقشار مستضعف و محروم هم نخواهد بود. در آیه ۱۲۸ سوره «توبه» خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ؛ قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او

دشوار است شما در رنج بیفتید او به هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است». فرد مسئول باید مردمی باشد تا بتواند به مردم خدمت کند و نسبت به حل مشکلات آن‌ها دغدغه داشته باشد. به تعبیر مقام معظم رهبری: «انتخابات در کشور ما باید مسابقه‌ای برای خدمت باشد، نه مسابقه‌ای برای کسب قدرت. انتخابات اسلامی این‌گونه است. آن‌جایی که دعوا بر سر قدرت است، آن‌طوری می‌شود که شما در بعضی از انتخابات دنیا مشاهده می‌کنید...» (بیانات در دیدار جمعی از مردم گیلان، ۱۳۸۰/۲/۱۱).

#### ۴-۵. یگانه‌ستیزی

در سوره نساء خداوند تمایل به دوستی با بیگانگان و دشمنان اسلام را از خصلت منافقان دانسته است (نساء: ۱۴۴). امروز از مهمترین ویژگی‌های کاندیدای اصلح عدم دوستی با دشمنان نظام اسلامی و عدم همراهی با جبهه استکبار است. دشمنانی که از هر فرصتی برای ضربه زدن به نظام اسلامی استفاده می‌کنند؛ زیرا دوستی با دشمنان ملت مسلمان ایران خیانت به ملت و آرمان‌ها و ارزش‌های مردم ایران است.

#### نتیجه‌گیری

انتخابات در نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای انقلاب و مظهر عزت و اقتدار ایران اسلامی است. دو ویژگی «خدا محوری» و «مردمی بودن»، امتیاز اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران در میان نظام‌های سیاسی موجود است. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران، نظامی دینی و مردمی است، ثبات و اقتدار آن نیز پس از حفظ ارزش‌های اسلامی، وابسته به حضور و مشارکت سیاسی گسترده مردم در صحنه‌های انقلاب و نظام خواهد بود. این امر نیازمند توجه همه بخش‌های نظام اعم از مسئولان، مردم و نامزدهای انتخاباتی به بایسته‌هایی است که در نظام اسلامی برای هر بخش تعریف شده است. در این پژوهش وظایف و مسئولیت‌هایی که سه گروه مذکور برای تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات نظام اسلامی بر عهده دارند، مورد بررسی قرار گرفت. طبق یافته‌های این پژوهش، برای تحقق مشارکت حداکثری، مسئولان موظفند ضمن پایبندی دقیق به قانون و بدون توجه به گرایش‌های شخصی، سلیقه‌ای و جناحی، بر روند برگزاری انتخابات با دقت



نظارت و از آرای مردم پاسداری کنند. در این میان نامزدهای انتخاباتی نیز موظفند در چارچوب اخلاق و شرع مقدس اسلام و پرهیز از بداخلاقی‌های متعارف در نظام‌های سرمایه‌داری غرب با صداقت وارد عرصه رقابت سالم با یکدیگر شوند و در نهایت نیز همه باید به نتایج انتخابات گردن نهند. مردم نیز در برگزاری یک انتخابات سالم و پرشور نقش مؤثری برعهده دارند. ایشان باید ضمن حفظ وحدت و انسجام خویش تلاش کنند از طریق مشورت با افراد انقلابی، عالم و دلسوز، کاندیدای اصلاح را انتخاب نمایند. بدیهی است رعایت این اصول در نظام جمهوری اسلامی موجب مایوس شدن دشمنان نظام، پیشبرد بهتر امور کشور و در نهایت دلگرم شدن همه مردم برای حضور مؤثرتر در عرصه‌های مختلف نظام اسلامی خواهد شد.

## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. امینی، عبدالحسین احمد، الغدير، تهران، دارالکتب الاسلامية، ۱۳۶۸.
۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در اجتماع بزرگ مردم یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۲.
۳. \_\_\_\_\_، بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا علیه السلام، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱.
۴. \_\_\_\_\_، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۰۲/۲۸.
۵. \_\_\_\_\_، بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۵/۸/۲.
۶. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.
۷. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴.
۸. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار جمعی از مردم گیلان، ۱۳۸۰/۲/۱۱.
۹. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی، ۱۳۸۴/۳/۵.
۱۰. \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی و مسئولان شهربانی، ۱۳۶۹/۷/۴.
۱۱. \_\_\_\_\_، بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴/۳/۱۴.
۱۲. شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، أمالی، نجف: مطب الحیدریة، [بی‌تا].
۱۳. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران: اسوه، ۱۳۶۳.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۱۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله، انتخابات در اندیشه امام خمینی علیه السلام، تبیان: آثار موضوعی، دفتر اول، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷.
۱۶. \_\_\_\_\_، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹.



## اخلاق انتخاباتی از دیدگاه قرآن و روایات معصومان علیهم السلام

علی ملکی\*

### چکیده

انتخابات، روشی مسالمت آمیز برای قانون گذاری و انتخاب حاکمان و یکی از ویژگی های حکومت های دموکراتیک است. دین اسلام از طریق نصوص دینی، شامل آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام، مختصات اخلاق انتخاباتی خود را ترسیم کرده است. این پژوهش درصدد است تا با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تحلیل متون قرآنی و روایی با تبیین نظری به این پرسش پاسخ دهد که قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام، چه ویژگی ها و معیارهایی برای انتخابات عرضه کرده اند و ممیزات اخلاق سیاسی اسلام در نظام مردم سالاری دینی درباره انتخابات، نسبت به دموکراسی های مدرن، چیست. مهم ترین یافته پژوهش حاضر عبارت است از: بررسی و تبیین نظری اخلاق انتخاباتی اسلام از طریق تحلیل متون قرآنی و روایی و در راستای اخلاق سیاسی انتخابات، که می تواند علاوه بر فواید نظری تشریح اخلاق فاضله اسلامی، برای حکومت های اسلامی در برنامه های توسعه سیاسی، راهگشا باشد. ترسیم اخلاق سیاسی اسلامی و وجوه تمایز آن با اخلاق سیاسی مدرن از دیگر یافته های این پژوهش است.

**واژگان کلیدی:** انتخابات، اخلاق انتخابات، اخلاق سیاسی، مردم سالاری دینی، قرآن، روایات.

انقلاب اسلامی ایران با اهداف ایجاد تحولات بنیادین در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در نیمه دوم قرن بیستم به وقوع پیوست. این انقلاب در زمانی که دین از حوزه سیاست کنار گذاشته شده بود مجدداً به احیاء ارزش‌های دینی و هم مرجعیت دین در نظام‌سازی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی پرداخت.

انقلاب اسلامی ایران، مردم‌سالاری دینی را به‌عنوان شکل جدیدی از حکومت معرفی کرد که بر ارزش‌های دینی و اسلامی در کنار جمهوریت و دموکراسی تأکید می‌کند. مردم‌سالاری دینی برخلاف دموکراسی‌های غربی، معیارهای اخلاقی در انتخابات دارد که بخشی از اخلاق سیاسی اسلام است و در اینجا ابتدا به تشریح برخی از مفاهیم؛ مانند مردم‌سالاری دینی، اخلاق سیاسی و انتخابات پرداخته و سپس با روش توصیفی - تحلیلی ویژگی‌های اخلاق سیاسی انتخابات در قرآن و روایات بررسی می‌شود تا وجوه تمایز اخلاق انتخابات در اسلام با دموکراسی‌های مدرن و ممیزات اخلاق سیاسی اسلام در انتخابات برجسته شود. هدف این پژوهش از حیث نظری، ترسیم هندسه انتخابات و گشودن راهی برای ترسیم اخلاق سیاسی در اسلام برای محققین علوم سیاسی و اجتماعی و از حیث عملی، بیان جهت‌گیری‌های اخلاق سیاسی برای تخلق جامعه اسلامی به اخلاق انتخابات جهت شرکت و حضور موثر در سرنوشت جامعه و گزینش نمایندگان اصلح در صحنه‌های گوناگون انتخابات است.

### تبارشناسی موضوع بحث

اگرچه اخلاق انتخابات در رسانه‌ها و مطبوعات مورد توجه و تأمل بوده‌است؛ اما تاکنون تمرکز جدی و دقیق بر، تبیین اخلاق سیاسی و اخلاق انتخابات، نشده است که برای اولین بار در این پژوهش انجام میشود. مقاله‌ای که در این باره نوشته شده و چاپ نشده‌است؛ «انتخابات در نگرش اسلامی» به کوشش عبدالوهاب فراتی و محمد تقی اسلامی است، که بیشتر به؛ مباحث فقهی و اختلاف نظر عالمان اسلامی پیرامون انتخابات، از زمان انقلاب مشروطه تاکنون، پرداخته است. مقاله دیگر در این زمینه، «امکان و امتناع انتخابات در اندیشه دینی» (ملکی، انقلاب اسلامی ایران؛ زمینه‌ها و پیامدها، ۱۳۹۴، ص ۹۴) است که درباره دیدگاه‌های اندیشمندان معاصر درباره امکان و امتناع انتخابات، پرداخته ولی به





اخلاق انتخاباتی توجه نکرده است. این پژوهش درصدد است؛ با توجه به رهیافت قرآنی و روایی، اصول و معیارهای اخلاق انتخاباتی در اسلام را تبیین نماید.

امام خمینی علیه‌السلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی همواره بر رعایت اخلاق انتخابات تأکید داشتند، نصیحتی است از پدری پیر به تمامی نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چارچوب تعالیم و اخلاق عالیۀ اسلام انجام شود و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد، جلوگیری گردد. اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب، حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود به کسی- توهین نگردد و در صورتی که رقیب انتخاباتی به مجلس راه یافت، به دوستی و برادری، که چیزی شیرین‌تر از آن نیست، لطمه‌ای نخورد (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۲۱: ۱۱).

آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی نیز، همواره در بیانات خویش بر توجه به اخلاق اسلامی و دوری از رذایل اخلاقی در رقابت سیاسی اشاره کرده‌اند (بیانات رهبری: ۱۳۹۶/۳/۱۴)

### مفهوم‌شناسی

#### مردم‌سالاری دینی

مردم‌سالاری دینی؛ یعنی برداشتی از حکومت که در آن مردم با پذیرش مرجعیت دین در سامان‌دادن زندگی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، از طریق انتخابات حاکمان خود را انتخاب و در قانون‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها مشارکت می‌کنند (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴۰۲/۳/۱۴). این نوع از حکومت در برابر دموکراسی‌های غربی و شرقی سکولار بوده و دارای ویژگی‌های زیر است: اعتقاد به توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد مبانی کلامی مسلمانان است و توحید جوهره و بنیان مردم‌سالاری دینی می‌باشد که زیر بنای اعتقادات و در نتیجه اندیشه سیاسی مسلمانان است؛ یعنی حاکمیت از آن خداوند است (موسوی خمینی، آئین انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱ و موسوی خمینی، ولایت فقیه، [بی‌تا]، ص ۴۶-۴۷) و لذا ولایت هم منحصر در خداوند است. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومان علیهم‌السلام از سوی خداوند به حاکمیت نصب شده‌اند (موسوی خمینی، ولایت فقیه، [بی‌تا]، ص ۳۴).

چون حاکمیت انحصاری از آن خداوند است قانون‌گذاری هم از اوست (موسوی خمینی، ولایت فقیه، [بی‌تا]، ص ۱۸). پیامبر ﷺ و ائمهٔ علیهم‌السلام مجری احکام خداوند هستند. و قوانین بشری نباید با قوانین قطعی اسلامی منافات داشته باشد.

در زمان حضور معصومان حکومت در آنان متعین است اما در عصر غیبت امام عصر ﷺ بر طبق دلایل عقلی و نقلی (احادیث، فقها نایبان عام امام عصر - بوده و حق حکومت دارند. رهبر جامعه اسلامی باید آراسته به فضایل اخلاقی و به دور از رذایل اخلاقی باشد و بوسیله مجلس خبرگان تحت نظارت قرار گیرد (موسوی خمینی، ولایت فقیه، [بی‌تا]، ص ۱۹، ۵۱، ۵۲ و ۸۰).

از دیدگاه امام خمینی ﷺ در حکومت مردم‌سالاری دینی سیاست از دیانت جدا نیست. در تاریخ اسلام، دین و سیاست در قالبی واحد ارائه شده است. پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام حکومت تشکیل داده‌اند، برنامه‌های سیاسی - اجتماعی اسلام از برنامه‌های عبادی آن بیشتر است (موسوی خمینی، ولایت فقیه، [بی‌تا]، ص ۸ و ۱۹) و هدف دین و سیاست یکی بوده و آن هم تربیت انسان برای رسیدن به کمال و تقرب به خداست.

هدف از حکومت و کسب قدرت، خدمت به جامعه و در نتیجه رضایت الهی است، قدرت، هدف نبوده و صرفاً وسیله‌ای برای تحقق اهداف عالی است (موسوی خمینی، ولایت فقیه، [بی‌تا]، ص ۵۹). هدف کسب قدرت، دفاع از مظلومان در برابر ظالمان است (موسوی خمینی، ولایت فقیه، [بی‌تا]، ص ۲۷).

بر اساس نصوص دینی انسان جانشین خدا در روی زمین است؛ «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ» (فاطر: ۳۹)، «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و حق تصرف در امور خود در چارچوب مقررات دینی را دارد (ملکی، انقلاب اسلامی ایران؛ زمینه‌ها و پیامدها، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳). در مردم‌سالاری دینی، حق آزادی تشکیل احزاب، مشارکت در سرنوشت، حق انتخاب حاکمان و نظارت بر حکومت وجود دارد (همان: ۱۴۴).

### اخلاق سیاسی و اخلاق انتخابات

اخلاق سیاسی فضیلت‌های مورد پذیرش عموم جامعه در حوزه سیاست و قدرت است و به کنش‌ها و واکنش‌های افراد جامعه در عرصه قدرت و حکومت اطلاق می‌شود (رنجبر، اخلاق

سیاسی، ۱۳۸۱، ص ۱۴). اخلاق انتخابات بخشی از اخلاق سیاسی است و از این رو در فضای اخلاق سیاسی پیگیری می‌شود. اخلاق انتخابات هم شامل وظایف مردم و هم کاندیداها در انتخابات بوده و سیاست در اندیشه سیاسی غرب برای کسب قدرت است (عالم، بنیادهای علم سیاست، ۱۳۸۷، ص ۳۰)، ولی قدرت در اندیشه سیاسی اسلام هدف نیست و تنها وسیله‌ای برای احقاق حق، اجرای عدالت و مقابله با ظلم و فساد محسوب می‌شود (همان، ص ۳۰).

### اخلاق انتخابات در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام

اخلاق سیاسی در رقابت و انتخابات در قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام جایگاه رفیعی دارد و اسلام به رعایت اخلاق در رقابت برای تصدی قدرت و در همه حوزه‌ها از جمله قانون‌گذاری، اجرای سیاست‌ها و قضاوت، اصول و ویژگی‌هایی مطرح کرده است که با دیدگاه اندیشمندان غربی متفاوت است. این تمایزات، نه به معنای بی‌تفاوتی به تجارب مغرب زمین، بلکه به معنای تأکید بر تمایزات مبانی و محدودیت‌های انتخاباتی در اسلام در مقایسه با ارزش‌های غرب است. در اینجا به برخی از اصول و ارزش‌های اسلام در قرآن و روایات پیرامون اخلاق سیاسی و اخلاق انتخابات اشاره می‌شود که باید از سوی مردم، متصدیان و کاندیداها انتخاب مورد توجه قرار گیرد:

#### امانت‌داری

امانت‌داری سپردن چیزی به‌عنوان امانت به شخص مورد اعتماد و امین. در بیان عرف و اندیشمندان اسلامی امانت به معنای چیزی است که نزد غیر به ودیعه بسپارند تا آن را برای سپارنده حفظ کند و سپس به وی برگرداند (طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۳۷۰). یکی از صفات انبیا و از جمله بهترین رفتارهای پسندیده اخلاقی و ارزشمند انسانی است. امانت‌داری به‌عنوان یکی از عقود شرعی و دارای احکام شرعی است. یکی از خصایل اخلاقی انسان، که دارای ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای است، امانت و امانت‌داری است.

در بینش قرآنی ولایت و امامت بر مردم نوعی امانت‌داری محسوب می‌شود.

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ «ما امانت را به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم

آن‌ها از حمل آن امتناع کردند و ترسیدند اما انسان آن را بر دوش کشید، او بسیار ظالم و جاهل بود» (احزاب: ۷۲).

بر اساس این آیه، ولایت و حاکمیت به‌عنوان یک امانت الهی به انسان واگذار شده است.

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا».

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانشان بدهید و هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید خداوند اندرزهای خوبی به شما می‌دهد خداوند شنوا و بیناست (نساء: ۵۸).

در این آیه، وظایفی به انسان واگذار شده است (طهرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۳) و واگذاری امر ولایت و حاکمیت الهی از سوی مردم به صاحبان و اجدان شرایط، به امانت، تعبیر شده است. امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: بر امام حق است که به آنچه که خداوند نازل کرده، حکم نموده و امانت را ادا نماید (طباطبایی، ۱۳۶۹، ترجمه المیزان، ج ۸: ۳۴۹، و مجلسی، بحارالأنوار، ۱۴۰۳، ج ۳۷، ص ۲۰۴). در نتیجه هدف حضور در عرصه انتخابات به دست گرفتن قدرت نیست بلکه استفاده از آن در آدای امانت و اجرای حق و عدالت است.

### وفای به عهد

واژه عهد که در فارسی به آن پیمان، قول و وعده می‌گویند، نوعی قرارداد است که بین دو نفر یا دو گروه یا چند نفر و چند گروه یا بین امت و امام (به‌عنوان بیعت) بسته می‌شود که التزام به آن واجب است. وفای به عهد از خصوصیات افراد نیکوکار است: «...وَالْمُؤْمِنُونَ يَعْهَدُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا...» (بقره: ۱۷۷).

«...کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند...» یکی از ویژگی‌های اخلاق سیاسی اسلام در برابر اخلاق سیاسی غرب، وفای به عهد است که باید در رقابت سیاسی و انتخابات مورد توجه مردم، انتخاب‌شوندگان و ناظران انتخابات قرار گیرد. قرآن مجید یکی از ویژگی‌ها و خصوصیات افراد با ایمان را وفای به عهد می‌داند و با

این شاخصه معیاری مهم برای اخلاق انتخابات ارائه می‌کند.

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ»؛ «مؤمنان آن‌ها هستند که امانت‌ها و عهد خود را مراعات می‌کنند» (معارج: ۳).

در جای دیگر، قرآن مجید وفای به عهد را نشانه افراد نیکوکار دانسته و می‌فرماید: «وَالْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا»؛ «... نیکوکاران کسانی هستند که به عهد خود (هنگامی که عهد بستند) وفا می‌کنند...» (بقره: ۱۷۷).

در نتیجه نامزدهای انتخابات باید به وعده‌های خود در انتخابات وفا کنند، برخلاف سیاستمداران غربی که وعده‌های انتخاباتی خود به مردم را نادیده می‌گیرند.

### امتحان و آزمایش

امتحان و آزمایش انسان‌ها از سوی خداوند متعال از سنت‌های الهی است که در واقع هدف ابتدایی از خلقت انسان هم این دو عنصر بوده است (عنکبوت: ۱). انگیزه برای آزمایش‌های الهی جداسازی خوب از بد و بد از خوب است؛ زیرا در جامعه‌ای که همه گروه‌ها خود را انقلابی قلمداد کرده و به ظاهر از آن دفاع می‌کنند، درحالی‌که گروهی از آنان منافق و ضد انقلابند، بهترین وسیله برای شناساندن افراد صالح و فاسد و مؤمن و منافق، آزمایش‌های الهی است، در غیر این صورت همه گروه‌ها با نقاب انقلابی در یک صف قرار گرفته و از یکدیگر تمیز داده نمی‌شوند. در اندیشه سیاسی اسلام دست‌اندرکاران انتخابات و رقابت سیاسی، همواره مورد آزمایش الهی قرار دارند.

از نظر قرآن، پذیرش مسئولیت‌ها برای آزمایش انسان است تا آنچه در اختیار انسان اوست مورد آزمایش و امتحان باشد.

«وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «او کسی است که شما را جانشینان خود در روی زمین قرار داد و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد تا شما را بوسیله آنچه که داده بیازماید و به یقین پروردگار تو سریع الحساب و آمرزنده است (انعام: ۱۶۵). «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ»؛ «اوست خدایی که شما را جانشینانی در زمین قرار داد. هر کس که کافر شد کفر او به زیان خودش خواهد بود» (فاطر: ۳۹).

در نظر قرآن، زندگی سیاسی همانند زندگی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، عرصه‌ای برای آزمایش انسان است. کاندیداهای انتخابات باید به این جنبه توجه کرده و رقابت‌های انتخاباتی را نوعی امتحان و آزمایش الهی بدانند.

### شرح صدر و مدارا

شرح در لغت به معنای بسط و گسترش دادن و صدر به معنای سینه می‌باشد و مراد از "شرح صدر" گشادگی سینه (روح) با نور، آرامش و رحمت الهی است (راغب اصفهانی، المفردات، ۱۳۸۳، ماده صدر). شرح صدر معنایی کنایی دارد و بیشتر به نوعی تحمل و مدارای بالا و قوی در مسئولیت‌های سنگین و دشوار بکار می‌رود.

مدارا؛ یعنی تحمل مخالف و داشتن روحیه نقدپذیری و پاسخگویی، فضیلتی است که می‌تواند ضریب تخلف و اشتباه انتخاب‌شوندگان و متصدیان قدرت را کاهش دهد و در تلطیف اخلاقی فضای حاکم بر مراحل مختلف انتخابات بسیار نقش‌آفرین است. در قرآن کریم برخورداری از شرح صدر، زمینه پذیرش اسلام دانسته شده است: «أَقَمَّنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نَوْرٍ مِّن رَّبِّهِ...» «آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشوده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (همچون کوردلان گمراه است؟) (زمر: ۲۲).

خدای متعال از «شرح صدر» در قرآن به‌عنوان موهبت عظیم به پیامبر خود، یاد می‌کند: «أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ»: «آیا سینه تو را وسیع و گشاده نساختم؟» (انشراح: ۱).

مراد از «شرح صدر» رسول خدا ﷺ گستردگی و وسعت نظر وی است به‌طوری که ظرفیت تلقی وحی و نیز نیروی تبلیغ آن و تحمل ناملایماتی را که در این راه می‌بیند، داشته باشد.

از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند: منظور از شرح صدر چیست؟ فرمود: «نورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَّنْ يَشَاءُ فَيَنْشُرُ لَهُ صَدْرَهُ وَ يَنْفُضُحُ» (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۶ق، ص ۹) «نوری است که خدا در دل مؤمن می‌افکند و سینه‌اش را بوسیله آن گشایش و روشنی می‌بخشد».

مردم، کاندیداهای انتخابات و کارگزاران حکومتی باید مطابق بینش قرآنی دارای شرح صدر و روحیه مدارا بوده و در برابر اعمال خود، پاسخگو و همچنین نقدپذیر باشند.

## تقوای سیاسی

در نظر قرآن، مردم، نامزدهای انتخابات و کارگزاران حکومت باید تقوی پیشه کنند. تقوای سیاسی؛ یعنی ملکه‌ای نفسانی برای سیاست‌مدار تا در احراز مناصب سیاسی، از گناهان مرتبط با آن نظیر ظلم و ستم، فساد و تباهی، دروغ و تهمت بپرهیزد (ملکی، انقلاب اسلامی ایران؛ زمینه‌ها و پیامدها، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳). احترام به ارزش‌های مترقی دینی، معنویت‌خواهی، خشوع و سر سپردگی به فرمان و اراده الهی از لوازم اخلاق بندگی مورد تأکید ادیان آسمانی و قرآن است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»: همانا گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست (حجرات: ۱۳).

بر طبق این آیه انتخاب مجریان و سپردن مسئولیت به آنان (به دلیل اختیاراتی که به آن‌ها سپرده می‌شود)، بر معیار تقوی مبتنی شده است و در نتیجه، تقوی مهمترین ویژگی مناصب و مهمترین عامل کنترل قدرت است. «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا»؛ «و کسی که نافرمانی خدا و پیامبر نماید و از حدود او تجاوز کند، او را در آتشی وارد می‌کند که جاودانه در آن خواهد بود (نساء: ۱۴).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: خداوند واجباتی را بر شما لازم شمرده، آن‌ها را تباه نکنید و حدودی را برای شما معین کرده است که از آن‌ها تجاوز نکنید (دستی، شرح نهج البلاغه، ۱۳۸۲، ص ۴۶۱)

در اخلاق سیاسی اسلامی، هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند و مردم و نامزدها نمی‌توانند از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف استفاده کنند و همواره باید تقوا را در تعاملات سیاسی مدنظر داشته باشند.

## حق محوری

یکی از محورهای اخلاق سیاسی در قرآن و روایات، حق محوری است و مراد از آن، خدامحوری و توجه به معاد است که زمینه‌ای برای هدایت افراد جامعه به سوی حقیقت و دوری از باطل است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا رَأَى حَقًّا فَأَعَانَ عَلَيْهِ أَوْ رَأَى جَوْرًا فَرَدَّهُ وَ كَانَ عَوْنًا بِالْحَقِّ عَلَى صَاحِبِهِ»؛ «خدا رحمت کند کسی را که حقی را



دید پس بر آن یاری کرد یا جوری را دید پس آن را رد کرد و یاری کننده حق بر صاحبش بود» (دشتی، شرح نهج البلاغه، ۱۳۸۲، ص ۴۲۸).

بر این اساس مردم و حاکمان باید طرفدار و حامی حق باشند.

همچنین آن حضرت به فرزند بزرگوارش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «يَا بَنِيَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ، فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَاکْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا، وَلَا تَظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ، وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ، وَاسْتَقْبِحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفْجِحُهُ مِنْ غَيْرِكَ»؛ یعنی «خود را میزان تعامل با دیگران قرار ده. پس آنچه را که برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند. و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران هم نپسند. ظلم و ستم نکن آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود. نیکوکار باش آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی شود. و آنچه را برای خود زشت می‌دانی برای دیگران نیز زشت بدان (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: نامه ۳۱)

از این معیار اخلاق سیاسی اسلام برداشت می‌شود که انتخابات عرضه خود با جامعه برای داوری منصفانه و احقاق حق است.

### کرامت انسانی

کرامت در لغت فارسی به معانی ارزش، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، جایگاه، منزلت، از فرومایگی و پاک‌بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جواهری و سخاوت به‌کاررفته است (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵۹). مفهوم کرامت انسان‌ها جزء لاینفک وجودی و ذاتی آن‌هاست و به این سبب، حقوقی از جمله حقوق شهروندی بر آن مترتب می‌گردد و انسان‌ها به‌صورت فطری و در نهان و ذات خود، فارغ از جنسیت، نژاد، طبقه و . . . از حقوق فردی و اجتماعی برخوردارند.

اسلام به کرامت ذاتی انسان باور دارد که یکی از ویژگی‌های اخلاقی‌کردن سیاست است. انسان صرف نظر از عقیده و روش دارای کرامت ذاتی است و این کرامت انسانی مستلزم حقوق طبیعی و فطری برای او در جهت انسان بودنش می‌باشد و کرامت ارزشی او در کرامت ذاتی وی تأثیری ندارد.

در میان مؤیدات اسلامی این اصل، می‌توان به آیه شریفه زیر اشاره کرد:



«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ «وما به فرزندان آدم کرامت بخشیدیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) حمل کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم (اسراء: ۷۰).

خداوند از تکریم انسان و اینکه او را در خشکی و دریا به انجام کارها قدرت داده و روزی‌های پاکیزه به او عطا کرده و او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری بخشیده است، خبر می‌دهد.

علت این کرامت به دلیل بهره‌مندی انسان از عقل است و انسان به‌وسیله تعقل می‌تواند بر بسیاری از موجودات دیگر سبقت گرفته و بر آنان برتری جوید. در عرصه رقابت‌های انتخاباتی نیز این ارزش از سویی الهام بخش معامله‌ناپذیری گوهر ذاتی انسانی به بهای پست منافع مادی است، و از سوی دیگر، مظهر شرافت همه انسان‌ها و نفی هر گونه تبعیض و ستم بر آن‌هاست. تأکید بر این جنبه اخلاقی، آثار مهمی در سلامت انتخابات و سلامت قدرت حاکمان خواهد داشت.

### اصل صلح

اصل اولیه در اخلاق سیاسی اسلام، صلح و مدارا با دیگران است؛ یعنی از طریق گفتگو و اقناع عمومی بهتر می‌توان به اهداف سیاسی دست یافت. در انتخابات و رقابت‌های سیاسی باید اصل بر صلح، گفتگوی اقناعی و مدارا با دیگران باشد.

اسلام پیام‌آور صلح و دوستی است، آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ»؛ «صلح بهتر است» (نساء: ۱۲۸) و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جامعه جاهلی را از جنگ و درگیری دور و به‌سوی جامعه اسلامی، همراه با گفتگو و صلح دعوت کرد. در روایتی پیامبر خردمندان را کسانی دانسته‌اند که در راه آشکار کردن صلح و سلامت جهانی تلاش می‌ورزند. راوی پرسید: من اولوا النهی قال: هم یغشون السلام فی العالم (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱۸، ص ۲۴) خردمندان چه کسانی هستند؟ فرمود کسانی که سلام و صلح را در جهان آشکار می‌کنند. همه کشورها در عرصه روابط بین الملل نیازمند یکدیگرند و نظام اسلامی نیز، از این قاعده بیرون نیست.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»؛  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید در صلح درآیید و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید. همانا او  
برای شما دشمنی آشکار است (بقره: ۲۰۸).

در این آیه، خداوند، همه افراد با ایمان را به صلح و آرامش دعوت می‌کند که تنها در  
پرتو ایمان امکانپذیر است.

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» و اگر به صلح  
تمایل داشتند. تو نیز مایل به صلح باش و بر خدا توکل کن که خداوند شنوا و دانا است  
(انفال: ۶۱).

از این آیه برداشت می‌شود که اگر دشمنان شما نیز تمایل به صلح نشان دادند شما هم  
آن را بپذیرید. تأکید قرآن بر صلح و تسالم شامل مخالفان هم می‌شود. مراد قرآن کریم از  
جنگ با کفار شامل کافرانی است که با مسلمانان در حال جنگ هستند (ممتحنه: ۸).  
قرآن کریم مراحل دعوت را در سه مورد بیان می‌کند که می‌توان از آن در گفتگوهای  
سیاسی بهره گرفت:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» مردم را به  
حکمت و برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریق مناظره کن (نحل:  
۱۲۵).

در این آیه، قرآن مجید بر حکمت، موعظه و جدال احسن در گفتگوها تأکید می‌کند و  
این امر می‌تواند الگویی برای اخلاق سیاسی کاندیداهای انتخابات و رقابت‌های سیاسی در  
داخل کشور و در محیط بین‌المللی باشد.

### مردم‌مداری

اخلاق سیاسی در قرآن با اهمیت دادن به نقش و جایگاه مردم در حکومت ارتباط دارد.  
امام خمینی علیه السلام در فرآیند شکل‌گیری انقلاب اسلامی شکل جدیدی از دموکراسی را معرفی  
کرد که با لیبرال دموکراسی غرب متفاوت است؛ زیرا دموکراسی‌های لیبرال بر فردگرایی،  
اومانیسم، سکولاریسم، فمینیسم، پراگماتیسم، نسبی‌گرایی اخلاقی و ارزشی و... مبتنی است  
و شکلی از دموکراسی را معرفی کرد که با دموکراسی‌های کمونیستی (سوسیال دموکراسی)

که بر حاکمیت انحصاری حزب کمونیست، مالکیت عمومی، مخالفت با دین و آزادی‌های مدنی، اجتماع‌گروی و... مبتنی است.

انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی را به‌عنوان شکل جدیدی از حکومت معرفی کرد که بر ارزش‌های دینی و اسلامی در کنار جمهوریت و دموکراسی تأکید می‌کند. از مجموعه آموزه‌های دین اسلام که در آثار امام خمینی علیه السلام هم مورد توجه قرار گرفته است. این مطلب بدست می‌آید که اسلام نسبت به افکار عمومی و نقش نظارتی مردم اهمیتی فوق‌العاده قائل است و مردم را شهروند، صاحب اراده و تصمیم‌گیرنده در امور عمومی و سیاسی می‌داند (ملکی، انقلاب اسلامی ایران؛ زمینه‌ها و پیامدها، ۱۳۹۴، ص ۱۴۵).

بر اساس اصل "النصيحة الأئمة المسلمين" مردم مسلمان وظیفه دارند در مواردی که صلاح مسلمانان است به متولیان حکومت تذکر دهند که مبین رابطه مردم با حکومت به‌عنوان عالی‌ترین سطح خیرخواهی برای حکومت است. این امر موجب می‌شود آنان با درایت بهتر به مدیریت و اداره کشور اهتمام ورزند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «ثَلَاثٌ لَا يَغْلُ عَلَيَّهَا قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَ النَّصِيحَةُ لِلْأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَ اللَّزُومُ لِجَمَاعَتِهِمْ» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۳۶۸، ج ۷۵، ص ۶۶)

از آنجا که در نگرش قرآن، مردم خلیفه خدا بر روی زمین بوده (بقره: ۳۰؛ فاطر: ۳۹) و حق تعیین سرنوشت خود را دارند، در امور عمومی و سیاسی مورد اعتماد بوده و باید مورد مشورت قرار گیرند. از این رو تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در حوزه عمومی باید با رضایت اکثریت باشد. در قرآن کریم به رسول خدا سفارش شده است در امور عمومی مشورت نماید:

« وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ » و با مردم در امور مشورت کن پس زمانی که تصمیم جزم گرفتی بر خدا توکل کن (آل عمران: ۱۵۹). با توجه به اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله در امور دینی نباید مشورت کند. پس مراد از مشورت، مشورت در امور سیاسی است و مشورت در عرف عقلاء؛ یعنی رأی اکثریت تنفیذ شود (معرفت، ولایت فقیه، ۳۷، ص ۹۶)، همچنین قرآن در باره ویژگی‌های مؤمنان می‌فرماید: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» مؤمنان

امور خود را با مشورت همدیگر انجام می‌دهند. بدین جهت مردم در تعیین سرنوشت خود و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی ذی‌حق هستند و مسئولان باید به این حق احترام بگذارند.

### احترام به قانون

قانونمندی و احترام به قوانین کشور و قوانین انتخابات، نشانه رشد سیاسی و اجتماعی افراد و گروه‌های جامعه است. قوانین مصوب یک کشور تجلی اراده مردم و مرجع تعیین وظایف و حقوق همه افراد و نهادهای کشور است و بنابراین رعایت حریم قانون بر همگان الزامی است و در سنت معصومان علیهم‌السلام هم بر آن توصیه شده است. قانون‌مداری در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، بدین معناست که آن حضرت قوانین الهی را، که خودآورنده آن از جانب خداوند می‌باشد، عادلانه اجرا نموده، حقوق همگان را در سایه حاکمیت قانون الهی رعایت کرده و خود قانونمندترین انسان‌ها بوده است (مصباح یزدی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، ۱۳۷۵، ص ۳۲).

و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمودند: «اتَّقِيَ النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَعَلَيْهِ» (صدوق، الأمالی، ۱۳۳۵، ج ۲۷، ص ۴).

در جامعه آرمانی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مدینه پایه‌گذاری کرد، همه افراد در برابر قانون یکسان بودند و در آن تبعیض‌نژادی، قومی و قانون‌شکنی وجود نداشت. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به فرزندان خویش و به دیگران وصیت نموده است: «أَوْصِيكُمْأَ، وَ جَمِيعَ وَ لَدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي، يَتَّقَوِي اللَّهَ، وَ نَظِمَ أَمْرِكُمْ»؛ شما را و تمام فرزندان و خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آن‌ها می‌رسد، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی سفارش می‌کنم (نهج البلاغه: نامه ۴۷). ضرورت قانون‌گرایی همچنین از این آیه قرآن فهمیده می‌شود: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيُقِظَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ»؛ به درستی ما پیامبران خود را با دلایل روشن و آگاهی بخش فرستادیم و همراه ایشان کتاب (مجموعه اوامر و نواهی خود) و میزان (معیارهای داوری و قضاوت) فرستادیم تا در میان مردم عدالت اجتماعی برقرار شود و آهن را فرستادیم که در آن شدت فراوانی است (حدید: ۲۵).

قوانین یک کشور در صورتی که از سوی مجلس شورا تدوین شود، میثاق عمومی است

که مصداق صریح «أوفوا بالعقود» بوده و همگان و از جمله کاندیداهای انتخابات باید به آن ملتزم باشند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به همه عهدنامه‌ها؛ حتی آن‌هایی که با کفار بسته بودند، احترام می‌گذاشتند.

### حفظ استقلال، همبستگی و منافع ملی

یکی از موارد اخلاق سیاسی حفظ استقلال، همبستگی و منافع ملی است که ضامن تداوم اجتماع و نظام سیاسی کشور است. مسئولان نظام و کاندیداهای انتخابات با توجه کامل به این امر در انجام مسئولیت خویش و در عرصه فعالیت‌های انتخاباتی، حراست از تمامیت ارضی کشور و استقلال آن از نفوذ بیگانگان را در کنار حفظ حرمت و کرامت اقلیت‌های قومی و زبانی، صنفی و مانند آن همواره مورد نظر داشته، مسئولیت خود را در تقویت این بنیادهای اقتدار ملی انجام دهند.

در قرآن کریم آمده است:

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»

«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن‌گاه که دشمنان یکدیگر بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این‌گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما هدایت شوید» (آل عمران: ۱۰۳).

و نیز فرموده است: «... وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَازَعُوا فَتفَشِلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ «و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست می‌شوید و صلابت شما از بین برود و صبر کنید که خداوند با صابران است» (انفال: ۴۶).

از این رو نامزدهای انتخابات باید قبل و بعد از انتخابات به منافع ملی و استقلال کشور احترام بگذارند و راه سلطه و نفوذ بیگانگان را ببندند.

## عدالت محوری

عدالت در لغت فارسی به معنای دادگری، انصاف و در مقابل ظلم و جور به کار می‌رود (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۸۰، ص ۶۷۶) و در زبان عربی به معنای مساوات و تقسیم مساوی است. (راغب اصفهانی، المفردات، ۱۳۸۳، ص ۳۲۵). در زبان انگلیسی عدالت با کلمه JUSTICE بیان می‌شود که به معنای تساوی و برابری می‌باشد. عدالت در اصطلاح به معانی مختلفی آمده است. افلاطون عدل را یکی از فضایل چهارگانه می‌دانست که بر اساس آن هر کسی باید به کاری دست زند که شایستگی آن را دارد (افلاطون، جمهور، ۱۳۴۸، ص ۲۳۶). ارسطو آن را فضیلتی می‌دانست که بر اساس آن باید به هر کسی آنچه را که حق اوست عطا کرد (ارسطو، سیاست، ۱۳۷۷، ص ۷ به بعد). او همچنین از عدالت طبیعی و عدالت قانونی سخن گفته است.

در اخلاق سیاسی اسلام، هدف از ارسال پیامبران و تشکیل حکومت اسلامی، تحقق عدالت است. حکومت اسلامی موظف است عدالت را در زمینه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اجراء کند.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ؛ یعنی، به درستی ما پیامبران خود را با دلایل روشن و آگاهی بخش فرستادیم و همراه ایشان کتاب (مجموعه اوامر و نواهی خود) و میزان (معیارهای داوری و قضاوت) فرستادیم تا در میان مردم عدالت اجتماعی برقرار شود و آهن را فرستادیم که در آن شدت فراوانی است» (حدید: ۲۵).

در این آیه شریفه هدف از بعثت انبیا، اقامه عدالت بیان شده است و عدالت بدون تشکیل حکومت اجراء نمی‌شود. امام علی علیه السلام درباره آیه قرآن که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰) می‌فرماید: «الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ» (نهج البلاغه: حکمت ۲۳۱) عدل انصاف و احسان نیکویی کردن است.

## تمایز اخلاق سیاسی اسلامی و اخلاق سیاسی مدرن غربی

اخلاق سیاسی اسلامی با اخلاق سیاسی کشورهای غربی متفاوت است. در دموکراسی‌های



غربی و شرقی حاکم و یا نامزد انتخابات از هر امری که بتواند در پیشبرد اهداف سیاسی و حزبی و پیروزی در انتخابات کمک کند، بهره می‌گیرد ولی حاکمان و کارگزاران اسلامی باید دارای فضائل اخلاقی مانند تعهد، تدین، پاکدستی، راستگویی و سایر صفات پسندیده باشند و باید عاری از رذائل اخلاقی نظیر دروغ، فساد، غیبت، نیرنگ و سایر صفات ناپسند باشند. در این زمینه آیات و روایات فراوانی بیان شده است. در اینجا به چند آیه درباره اخلاق پسندیده رسول خدا ﷺ اشاره می‌کنیم:

خداوند در این زمینه رسول خدا ﷺ را به «خُلُق عَظِيمٍ» ستوده و درباره‌اش فرموده: «و اخلاق نیک برجسته‌ای در اندرون تو وجود دارد» (قلم: ۴).

در قرآن کریم، آیاتی اخلاقی و تربیتی آمده است که از معجزات آشکار در معرفت نفس انسانی و توجه دادن انسان به فضایل است. یکی از رموز موفقیت پیامبر اسلام در جذب مشرکان و منافقان سخت دل، همین خلق و خوی مهربانانه ایشان بود به حدی که خداوند؛ بهره‌مندی از این نعمت بزرگ را برای پیامبرش رحمتی از جانب خود می‌داند و می‌فرماید: «به [برکت] رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم [و مهربان] شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را بخش و برای آن‌ها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن...» (آل عمران: ۱۵۹).

از انگیزه‌های مهم بعثت انبیا، تزکیه نفوس و جان مردم از بیماری‌های روحی است که سر منشأ همه بد اخلاقی‌ها است تا بدین سبب مکارم اخلاق در بین جامعه نمایان شود. در قرآن می‌خوانیم: «خداوند بر مؤمنان منت نهاد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی که در میان آن‌ها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند، و آن‌ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (آل عمران: ۱۶۴؛ بقره: ۱۲۹).

بنابراین، خود انبیا بویژه پیامبر اسلام ﷺ به‌عنوان والی جامعه دارای بلندترین مکارم و فضائل اخلاقی بودند و یکی از علل بعثت آنان، تزکیه مردم از رذائل اخلاقی و روحی بوده است.

## نتیجه گیری

اخلاق سیاسی و اخلاق انتخابات در متون دینی؛ یعنی قرآن و روایات معصومان علیهم السلام مورد تأکید و اهمیت است؛ زیرا در بینش قرآنی، دین امری جامع و کامل است و برنامه‌های سیاسی هم دارد. اخلاق انتخابات در اسلام واجد هنجارهای متعددی است که مردم و نامزدهای انتخابات را به رقابت سالم دعوت می‌کند. نظام مردم‌سالاری دینی دارای ارزش‌ها و اصولی است که از قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام اخذ شده است و در اینجا به برخی از آن‌ها پرداخته شد تا برای مردم، کاندیداهای و متصدیان انتخابات سازنده باشد. از دستاوردهای این پژوهش آن است که؛ ورود و خروج افراد در مناصب قدرت محفوف به هنجارهایی است که عدم رعایت آن‌ها می‌تواند انتخابات را از فضای اسلامی خارج و آن را آکنده به نابهنجارهای غیراخلاقی نماید و رعایت این ارزش‌ها می‌تواند فضای رقابتی سالم همراه با رفاقت را در انتخابات رقم بزند.





## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: انتشارات نیل، ۱۳۷۷.
۲. افلاطون، جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
۳. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: تهذیب، ۱۴۱۶ق.
۴. حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانات مقام معظم رهبری در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۴۰۲/۳/۱۴.
۵. حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانات رهبری در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۶/۰۳/۱۴.
۶. دشتی، محمد، شرح نهج البلاغه، قم: الهادی، ۱۳۸۲.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۳.
۸. رنجبر، مقصود، اخلاق سیاسی (چشم انداز امام علی علیه السلام)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۸۱.
۹. صدوق، محمد بن حسن، الأمالی، بیروت: موسسه الاعلی للمطبوعات، ۱۳۳۵.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه المیزان، تهران: محمدی، ۱۳۶۹.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمرتضی، ۱۴۲۷ق.
۱۳. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نی، ۱۳۸۷.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.



۱۶. مصباح یزدی، محمدتقی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، چاپ چهارم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۷. معرفت، محمدهادی، ولایت فقیه، قم: موسسه التمهید، ۱۳۷۷.
۱۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ پانزدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۱۹. ملکی، علی، انقلاب اسلامی ایران؛ زمینه‌ها و پیامدها، قم: یاد اندیشه، ۱۳۹۴.
۲۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله، آئین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸.
۲۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله، ولایت فقیه، قم: آزادی، [بی‌تا].
۲۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۵.



## انتخابات و نظارت‌های شورای نگهبان / نشست علمی\*

سیدابراهیم حسینی\*\*

محمدرضا باقرزاده\*\*\*

### چکیده

### اشاره

آنچه پیش‌روی دارید گزارشی از نشست با موضوع «انتخابات و نظارت‌های شورای نگهبان» است که در مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات برگزار گردیده است و آنچه را ملاحظه می‌فرمائید، برگرفته‌ای از آن نشست است که با حضور دو نفر از اساتید بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم حسینی و نیز حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا باقرزاده از اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام انجام گرفته است که خوانندگان این نشریه را به بهره‌مندی از آن توصیه می‌کنیم.

### مقدمه

مکتوبی که در پیش رو دارید گزارشی از نشست است که با موضوع «انتخابات و نظارت‌های شورای نگهبان» در مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات برگزار گردیده است

---

\*. این محتوا گزیده‌ای از نشست است که در ۱۲ خرداد ۱۴۰۰ در مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمیه) در پاسخ TV به صورت مجازی برگزار شده و سپس تدوین گردیده و دبیر علمی آن جناب دکتر علی مجتبی‌زاده بوده است.

\*\* عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، [ebrahimhoseini@iki.ac.ir](mailto:ebrahimhoseini@iki.ac.ir)

\*\*\* عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، [bagherzadel@iki.ac.ir](mailto:bagherzadel@iki.ac.ir)

و آنچه را ملاحظه می‌فرمائید، برگرفته‌ای از آن نشست است که با حضور دو نفر از اساتید بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم حسینی و نیز حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا باقرزاده از اعضای هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام انجام گرفته است که خوانندگان این نشریه را به بهره‌مندی از آن توصیه می‌کنیم.

**دبیر جلسه:** ضمن خیرمقدم و تشکر از دو استاد بزرگوار؛ ابتدای بحث و گفت و گویمان را با صحبت‌های مقدماتی استاد بزرگوار جناب حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم حسینی شروع می‌کنیم و بعد از آن در خدمت جناب استاد بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا باقرزاده خواهیم بود.

**استاد سید ابراهیم حسینی:** انتخابات بیانگر یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی است چون نظام ما همانطور که در اصل اول و اصول مختلف قانون اساسی آمده است و در شعارهای اساسی حکومت و ملت ما در تظاهرات ضد استبدادی بود نظام جمهوری اسلامی است و جمهوریت در انتخابات تبلور پیدا می‌کند و طبیعتاً انتخابات مباحث مخصوص به خودش را دارد. از جمله بحث‌ها، حق رأی دادن و حق انتخاب شدن و فرایندی که اینجا مطرح می‌شود و شبهاتی که مطرح شده است، نیاز به تبیین دارد.

**دبیر جلسه:** نظارت در انتخابات با اینکه اصل آن در همه کشورها یک چیز متداولی است و در همه کشورها اعمال می‌شود ولی متأسفانه در کشور ما تا بحث نظارت پیش می‌آید با انبوهی از شبهات مواجه می‌شویم البته انگیزه‌های مختلفی در مخالفت با شورای نگهبان وجود دارد، کاری با آن جنبه‌های کینه‌توزی و دشمنی‌های مخالفان نظام نداریم ولی بعضی از ابهامات و شبهات است که گاهی در اثر دلسوزی نیز ممکن است مطرح شود که به اصل وجود نظارت شورای نگهبان و ساختار شورای نگهبان بر می‌گردد؟

**استاد سید ابراهیم حسینی:** در این خصوص در دو حوزه می‌توان بحث را مطرح کرد یکی درباره اصل وجود نظارت است که یک بحث فقهی و حقوقی می‌شود و یک بحث دیگر؛ بحث عملکردی است؛ در خصوص اصل وجود نظارت در هیچ کجای عالم، انتخاباتی که برگزار می‌شود ولو اینکه به‌عنوان انتخابات آزاد هم باشد، این‌گونه نیست که بگوئیم هیچ شرطی ندارد؛ گرچه طبق قانون اساسی نباید کسی را از حق خودش محروم کرد ولی

طبیعتاً یکسری شرایطی مطرح می‌شود که مطابق قانون اساسی و نیز مطابق با قوانین و یا تعهدات بین‌المللی است؛ یعنی شما طبیعتاً هرکجا می‌خواهید انتخابات برگزار کنید بدون قید و شرط نیست هم برای کسانی که می‌خواهند رأی بدهند و هم برای کسانی که می‌خواهند انتخاب شوند و هم نحوه برگزاری آن؛ مثلاً شما نمی‌توانید بگوئید بچه یکساله هم می‌تواند رأی دهد! در همه کشورها گفته‌اند که سن رأی دادن یا ۱۸ سال یا ۲۱ سال یا ۲۳ سال سن است، در بسیاری از کشورها عدم سوء پیشینه افراد را به‌عنوان یکی از شرایط مطرح کرده‌اند، در همه کشورها تابعیت آن کشور شرط رأی دادن است که جزء حقوق شهروندی مطرح می‌شود و یا مسائلی این‌گونه مطرح می‌شود؛ حالا سوال این است، از کجا معلوم می‌شود که این فرد این شرط را دارد یا ندارد؟ به‌عنوان مثال درباره فردی که می‌خواهد انتخاب شود حتماً باید تابعیت آن کشور را داشته باشد و چندین سال مقیم آن کشور باشد و شرایط سنی و عدم سوء پیشینه و شرایط دیگری که مطرح می‌کنند.

بنابراین طبیعتاً باید یک مرجع تشخیصی هم باید باشد که تشخیص بدهد؛ آیا این داوطلب شرایط را دارد یا ندارد، حالا آن مرجع تشخیصی آیا نظرش را ترتیب اثر می‌دهند یا نمی‌دهند نیز در اینجا مهم است؛ یعنی اگر این شرط را نداشت، به او می‌گویند؛ شما نمی‌توانید رأی بدهید یا آن کسی که می‌خواهد انتخاب شود اصلاً حق انتخاب شدن را ندارد و نمی‌شود او را جزء نامزدها قرار داد؛ به این‌گونه نظارت‌ها نظارت استصوابی گفته می‌شود، در تمام دنیا (با توجه به این شرایط) انتخابات آزاد به معنای انتخابات بدون قید و شرط نداریم، (در این انتخاب‌ها) شرط هم برای انتخاب شدن و هم برای انتخاب کردن و هم برای برگزاری انتخابات وجود دارد؛ طبیعتاً شما وقتی شرط قائل می‌شوید باید یک مرجع نظارتی برای تشخیص آن داشته باشید که نظارتش هم (طبق قانون) استصوابی می‌شود و در کشورما این نظارت به عهده شورای محترم نگهبان گذاشته شده است و در کشورهای دیگر گاهی به‌عنوان وزارت کشور است (به‌عنوان مثال این نظارت در فرانسه به عهده وزارت کشور است. البته اشتباه نشود یک وقت درباره نحوه برگزاری انتخابات می‌خواهیم صحبت کنیم؛ در فرانسه به عهده شورای قانون اساسی فرانسه است اما درباره تأیید برخورداری شرایط نامزدها باید بگویم این امر نوعاً به عهده وزارت کشور است) و گاهی

هم مثل ترکیه این کار به عهده شورای عالی انتخابات است و در کشوری مثل آمریکا این احزاب هستند که این کار را می‌کنند البته اضافه بر این، مثل رأی اعتبار که می‌خواهند (به این فرد) بدهند در خود مجلس نمایندگان هم حق دارند که این کار را انجام بدهند بنابراین در کشورهای مختلف گوناگون عمل می‌کنند، (ولی) در همه کشورها علاوه بر انتخاب کردن، شرایط و نیز مرجع تشخیص آن وجود دارد؛ نظارتشان هم، نظارت استصوابی است؛ (مثلاً در ماده ۵۸، ۵۹ و ۶۰ قانون اساسی فرانسه با صراحت تمام گفته است که وقتی شورای قانون اساسی فرانسه نظر داد در مورد انتخابات، دیگر قابل فرجام خواهی نیست که شما بخواهید اعتراض کنید؛ در ایالات متحده آمریکا هم بر اساس ماده و اصل یک، بند ۵ این شرایط را به ایالت‌ها واگذار کرده که متفاوت عمل می‌کنند؛ مثلاً بعضی از ایالت‌ها (درباره برخی از افراد) عدم سوء پیشینه را خواسته‌اند و بعضی‌ها گفتند که معتبر نیست).

بنابراین کسانی که می‌خواهند انتخاب شوند باید شرایطی را داشته باشند اما این شرایط را چه کسی تعیین می‌کند و کجا ذکر می‌کند، این مباحث معمولاً در قانون اساسی نوشته می‌شود که ساختار اساسی حکومت و حقوق ملت و حقوق شهروندی در آن قانون نوشته می‌شود؛ البته ما در کشورمان انواع مختلفی از انتخابات داریم مثلاً در مورد مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی، اصل ۶۲ تعیین شرایط را بر عهده مجلس گذاشته است؛ نوشته است مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و با انتخاب و رأی مخفی تشکیل می‌شود؛ پس دو نکته را گفته است که مستقیم انتخاب می‌شوند و با رأی مخفی هم باشد، شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان و کیفیت انتخابات را قانون معین خواهد کرد.

**دبیر جلسه:** با وجود لزوم نظارت در امر انتخابات پس دلیل طرح برخی از ابهامات چه می‌باشد؟ آیا نباید شبیه کشورهای دیگر نظارت را طوری پیش ببریم که با ابهام کمتری مواجه گردد؟

**استاد محمدرضا باقرزاده:** بحث ضرورت شورای نگهبان که مطرح می‌شود معمولاً یک پیش‌فرضی دارد؛ یعنی کسانی که این شبهه را مطرح می‌کنند معمولاً پیش‌فرضشان یک پیش‌فرض اشتباهی است که بر اساس آن پیش‌فرض اشتباه آن شبهه را مطرح می‌کنند، گاهی

انتخابات در درون نظام سیاسی به منزله فراندوم تلقی می‌شود و بعضی‌ها فکر می‌کنند؛ انتخابات یک فضای است برای آن‌هایی که ناراضیتی از اصل نظام سیاسی دارند؛ یعنی در حقیقت آن‌ها به دنبال این هستند که در روند انتخابات بیایند، وارد شوند و کار خودشان را در انتخابات پیش ببرند، البته می‌بینند که یک نهادی به نام شورای نگهبان می‌آید و نمی‌گذارد آن گزینه‌هایی که می‌توانند آن‌ها را بهتر به هدفشان برساند تأیید شوند، از این رو شورای نگهبان را زیرسوال می‌برند. (در ایران شورای نگهبان است و هر جای دیگر ممکن است نهاد دیگری باشد).

در همه نظام‌های سیاسی انتخاباتی که در درون یک نظام سیاسی برگزار می‌شود (در واقع) آن با فراندوم متفاوت است، برای همین شما نباید توقع داشته باشید که در انتخابات همه آراء و سلیق حتی ضد نظام وجود داشته باشد؛ (یعنی وقتی شما) موضوع را به دقت ببینید، ملاحظه می‌کنید که آراء و سلیق در درون نظام قابل پذیرش است، ولی آراء و سلیقی چون جریان‌های ضد نظام نمی‌تواند در فهرست کاندیدای تأیید شده آن نظام سیاسی در انتخابات مطرح شود که به دنبال آن مردم بتوانند به آن‌ها رأی بدهند، بنابراین باید این نکته مورد توجه قرار گیرد که ما) نباید انتخابات را به معنای فراندوم اصل نظام تلقی کنیم، آن‌هایی که در خصوص شورای نگهبان معمولاً این شبهه را مطرح می‌نمایند در این فضا سیر می‌کنند.

نکته دیگر اینکه هیچ جای دنیا انتخابات در درون نظام سیاسی را یک نهاد بین المللی برگزار نمی‌کند؛ بلکه اگر وضعیت خیلی فوری و اضطراری در کشوری ایجاد شود و یک نظام سیاسی هم دیگر صلاحیت اعمال حاکمیت نداشته باشد، در آن وقت نهادهایی بین المللی اگر بخواهند به آن کشور بیایند و مثلاً برای ابقای آن شخص و یا نظامی که در شرایط خیلی حاد و استثنایی قرار گرفته است فراندومی برای آن پیش بینی می‌شود، پس در این حالت ممکن است این فرض تصور شود، لکن در وضعیت عادی کشورها برای تعیین زمامداران خودشان، سازوکاری دارند که خودشان تدوین می‌کنند و کشورهای که قانون اساسی دارند این سازوکار را در قانون اساسی تبیین می‌کنند و در جمهوری اسلامی این سازوکار توسط شورای نگهبان انجام می‌شود.

(نکته اساسی) در خصوص ضرورت شورای نگهبان این است که ما در دو حوزه به وجود یک نهادی مثل شورای نگهبان نیاز داریم، یک حوزه صلاحیت است (و یکی) دیگر هم حوزه مشروعیت می‌باشد، در نظام اسلامی هرکسی (برای هرکاری) مشروعیت ندارد و باید در خصوص انتصاب آن به آن موقعیت و مسئولیت باید اذن الهی (وجود داشته باشد)، یکی از معیارهایی که شورای نگهبان باید رعایت کند این است که طرف مشروعیت تصدی آن حوزه را باید داشته باشد، (از این رو) فرض کنید (وقتی) می‌گوئیم معتقد به مذهب شیعه باید باشد یا معتقد به اسلام باید باشد، (برای این است که) اگر غیر این باشد اصلاً مشروعیت ندارد (که در این مسئولیت قرار گیرد)؛ مثلاً اگر کسی اعتقاد به اسلام نداشته باشد و بگوئیم این فرد مثلاً بتواند در انتخابات شرکت کند، این مشروعیت ندارد و این را خدا اجازه نداده است؛ چنان‌که خدا در مورد رهبر هم یک شرایطی دارد که رهبر از کسانی باشد که الف، ب و ج این شرایط را داشته باشد تا اذن الهی به آن تعلق گرفته باشد.

از بحث مشروعیت که بگذریم بحث صلاحیت است. ما در اداره نظام سیاسی و تصدی مناصب افرادی که می‌خواهند بیایند باید یک (حداقلی از) صلاحیت‌هایی که اولاً همه دنیا دارند باید داشته باشند؛ ثانیاً یک صلاحیت‌هایی است که اختصاص به نظام جمهوری اسلامی دارد، صلاحیت‌هایی که در همه دنیا می‌گویند (آنچه خوبان همه دارند) مثلاً مدیریت، قدرت و توانایی فرد و نیز «کفایت» که این‌ها را همه دنیا می‌دانند، اما در نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر این شرایطی که همه دنیا بر آن تأکید دارند، شرایط اختصاصی دیگری هم وجود دارد، (محال است در آمریکا یا روسیه یا ژاپن کسی به منصب اجرایی، یا تقنینی و یا قضایی برسد، (ولی شرایط مورد نظر آنان را نداشته باشد)، (درباره برخورداری از شرایط اولیه باید بگوئیم)؛ این یک چیز عقلی است، البته این صلاحیت‌ها و شرایط هم بر حسب نظام (و ملاک‌های مورد نظر) خودشان می‌باشد؛ (به هر حال) یک صلاحیت‌هایی است که اختصاصی اسلام و نظام اسلامی است و آن صلاحیت‌هایی که اختصاصی نظام اسلامی است مثل اینکه در بحث ولایت فقیه، فقهت، آشنایی با مبانی اسلام یا در موضوع ریاست جمهوری اعتقاد به مذهب شیعه و یا اعتقاد به اسلام و یا نظام اسلامی شرط است، این‌ها را کجا باید احراز کنند، اگر ما نهادی به نام شورای نگهبان نداشته باشیم، همه مردم



بخواهند این را احراز کنند، آیا می‌توانند! یعنی آیا تک تک مردم در خصوص صلاحیت‌های بینشی، گرایشی، مسائل امنیتی می‌توانند بررسی کنند! طبعاً نمی‌توانند.

بنابراین وجود یک شورایی به نام شورای نگهبان یک ضرورت است؛ یعنی باید یک نهادی باشد (که شرائط و صلاحیت‌ها را بررسی کند) شما ببینید ما در مجلسی که ۲۷۰ نماینده دارد برای بررسی یک لایحه یا طرح نمی‌گوئیم کل نماینده‌ها بنشینند و لایحه را مطالعه کنند، بلکه می‌فرستند به کمیسیون که چند نفر است و یک تعداد محدودی است، ده نفر و یا بسته به کمیسیون‌ها متفاوت می‌باشد، آن‌ها آن قانونی که می‌خواهند تصویب شود را به‌عنوان طرح و یا لایحه (مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند؛ یعنی لازم است) در محیط کوچکتر و بعد از آن به صحن علنی ببرند.

نهاد شورای نگهبان جایی است که درباره تک تک افراد می‌توانند اولاً با مجاری اطلاعاتی کشور ارتباط بگیرند و در خصوص آن‌ها اطلاعات کسب کنند و جمع‌بندی در مورد آن اطلاعات داشته باشند و بر اساس آن، صلاحیت‌های لازم را احراز کنند، از این‌روی درباره ضرورت وجود شورای نگهبان و ایجاد شبهه در مورد ضرورت شورای نگهبان بیش از آنچه که یک بحث علمی باشد، یک بحث سیاسی است؛ یعنی همیشه ما در این چهل سال این بحث را داشتیم و تمام هم نمی‌شود و شما مطمئن باشید کشورهایی که خودشان اصلاً قانون اساسی ندارند؛ (یعنی ما جزء کشورهایی هستیم که قانون اساسی داریم و نظام مشروطه هستیم مشروط به قانون اساسی)؛ کشورهایی که خودشان اصلاً قانون اساسی ندارند و حتی شما می‌بینید که زمان انتخابات می‌شود مثلاً شیوخ منطقه‌ای یا کشورهای کوچک این‌ها در مورد نظارت استصوابی در جمهوری اسلامی یا مثلاً مهندسی انتخابات (ادعاهایی را مطرح می‌کنند) خیلی جالب است (در برخی از این موارد) این شیوخ در خصوص جمهوری اسلامی ایران می‌گویند که مهندسی انتخابات می‌شود، یا این چه دموکراسی‌ای است؟! مردم در این کشورهایی که این شیوخ حاکم هستند اصلاً در عمرشان نمی‌دانند صندوق رأی چه شکلی است، حالا این شیوخ درباره انتخابات ایران حرف و حدیث دارند! به هر حال (طرح برخی شبهات) بیشتر انگیزه سیاسی دارد گرچه باید بحث‌های لازم هم در این خصوص انجام بگیرد و مردم و اذهان عمومی جامعه نسبت به این مسائل مقداری اطلاع پیدا کنند.

**دبیر جلسه:** نکته‌ای که در مورد انتخابات معمولاً مطرح می‌شود بحث آزاد بودن آن است؛ یعنی مردم آزادانه بین نامزدهای انتخاباتی فردی را انتخاب کنند و همین آزادی مردم در این زمینه مبنا و اصل قرار بگیرد. اعمال نظرهایی که در مورد شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان مطرح می‌شود، این یک نوع تصویری است که مغایر با بحث آزادی باشد و نکته بعدی هم این است که دخالت یک نهادنظارتی هم چون شورای نگهبان (برداشت) نوعی مهندسی انتخابات را به دنبال دارد، این جهت‌دهی، مردم را از آن آزادی انتخاب دور می‌کند و اجازه نمی‌دهد که آزادانه انتخاب خودشان را انجام بدهند؟

**استاد سید ابراهیم حسینی:** واقعیتش این است که اگر انتخابات آزاد نباشد دیگر انتخابات نیست حالا مثل اینکه انتصابات است، انتخاب یعنی چندگزینه باشد و از میان آن گزینه‌ها با آزادی انتخاب شود، این موضوع مسلمی است، اما آیا انتخاب آزاد و یا انتخابات آزاد به این معناست که هیچ ضابطه‌ای نداشته باشد، عرض کردیم دنیا هم این وضعیت را نمی‌پذیرد، در اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۱، بند سوم آمده است خواست مردم باید مبنای اعتبار و اقتدار یک کشور باشد از کجا بفهمیم مردم چه می‌خواهند؟ این خواست مردم در یک انتخابات آزاد و مورد وثوق باید بیان شود، پس انتخابات بیانگر خواست مردم است و ما هم در اصل اینکه اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی باشد موافق هستیم، لکن مشروعیت حکومت الهی بستگی به خواست پروردگار متعال دارد و خداوند متعال می‌گوید چه کسانی صلاحیت این کار را دارند تا مشروع شوند، حکومت اسلامی بدون حضور مردم و بدون حضور جمهور و بدون خواست مردم در واقع تحقق پیدا نمی‌کند، بلکه مقام معظم رهبری می‌فرمایند؛ یک قسمت از مشروعیت هم بستگی به همان حضور مردم دارد، همین‌طوری که حضرت امام علیه السلام در آخرین استفتایی که از ایشان شده است؛ که « ولی فقیه در چه چیزی مشروعیت دارد؟» فرمودند؛ در جمیع صور مشروعیت دارد ولکن توتلی امور مسلمین در تشکیل حکومت اسلامی بستگی به رأی مردم دارد که در صدر اسلام به آن بیعت می‌گفتند، الآن (در قالب) بحث انتخابات مطرح می‌شود، بنابراین رأی مردم و خواست مردم همان‌طوری که می‌گوئیم جمهوریت (در اینجا معنا پیدا می‌کند)، اصلاً نظام جمهوری؛ یعنی نظامی که مناصب کشور با رأی مردم انتخاب شوند و در کشور ما از رهبری تا بقیه این‌گونه است.



اما اگر این انتخاب آزاد به این معنا باشد که ما هرکسی را که خواستیم انتخاب کنیم، هیچ کجای دنیا این‌گونه نیست و این خلاف عقل است؛ (مثل اینکه شما یک ماشین خیلی خوبی را بدهید و بگوئید اینجا رانندگی آزاد است هرطور دلت خواست و هرکسی می‌خواهد پشت فرمان ماشین بنشیند و هر جایی خواست برود)، کجای دنیا چنین کاری را قبول می‌کنند؛ (هرکسی را که خواست گواهینامه رانندگی بدهند؛ شما برای یک ماشینی که می‌خواهد در یک جاده برود می‌گویند شما باید گواهینامه رانندگی داشته باشید، همین گواهینامه داشتن؛ یعنی آن محدود می‌شود و هرکسی نمی‌تواند پشت فرمان ماشین بنشیند)، این نکته اول اما نکته دوم این است که این شرط را دارد یا ندارد و این بر می‌گردد به بحث اول که اگر شما شرایطی را گذاشتید، طبیعی است که باید محلی مشخص شود و نظارت کند که آیا این شرایط را دارد یا ندارد، البته ممکن است بگویند اینکه این شرط را دارد یا ندارد را بگذارید خود مردم انجام بدهند، حکومت اگر بخواهد دخالت کند ممکن است مهندسی کند ... بر فرض که این‌گونه باشد، اینکه اسناد سجلی دارد یا ندارد و اینکه شرط تابعیت را دارد و یا ندارد، سوء سابقه دارد یا ندارد، مردم از کجا بدانند؟ اینجا یک خدمتی است به مردم؛ یعنی وجود دستگاهی مثل شورای نگهبان کمک کننده به جمهوریت است مردم چه می‌خواهند؟ مردم می‌گویند ما که نمی‌شناسیم آن صلاحیت اولیه را دارا است؛ (یعنی انتظار این است که بعد از واجد بودن صلاحیت‌های اولیه داوطلب وارد رقابت انتخابات شده است)، شورای نگهبان با توجه به نحوه انتخاب و انتصابش و با توجه به موقعیتش نسبت به ارکان حکومت (قوه مجریه، مقننه و قضائیه) بهترین دستگاه است، مستقل‌ترین دستگاه است؛ چون وابسته به هیچ کدام از این‌ها نیست، در کشورهای دنیا مثلاً شورای قانون اساسی که در فرانسه است نه نفر عضو دارد، علاوه بر ریاست جمهوری‌های قبلی، از آن نه نفر عضو، سه نفر را ریاست جمهور مشخص می‌کند، سه نفر را مجلس نمایندگان و سه نفر را مجلس سنا پس وابسته به این‌ها می‌شود و رئیسشان را هم رئیس جمهور مشخص می‌کند و از کجا معلوم است که جهت‌گیری نداشته باشد ... پس اگر مهندسی باشد، می‌توان گفت؛ اینجا مهندسی می‌شود؛ چنان‌که شما دیدید در خود انتخابات آمریکا ترامپ می‌گفت که این‌ها دارند مهندسی می‌کنند ولی در آمریکا در دیوان عالی چه بسا این مباحث باشد یا احزاب، احزاب هم روبروی همدیگر قرار می‌گیرند، بتوانند اعمال نظارت کنند ولی اگر شما دستگاهی مثل شورای نگهبان داشتید که زیرمجموعه قوه مقننه و قضائیه و مجریه است، بلکه شش نفرشان به‌عنوان فقهای عادل زمان شناس بصیر از سوی مقام معظم رهبری

منصوب می‌شوند که از بهترین فقها در آن جایگاه هستند و وابسته به هیچکدام از این‌ها نیستند و نیز با توجه به شرایط و تقوا و بصیرتی که دارند اینکه ما بگوئیم جانبدارانه عمل می‌کنند، خلاف انصاف است و نیز خلاف رویه عملی است، بنابراین مهندسی به این معنا امکان ندارد و شش نفر هم رئیس قوه قضائیه کاندید می‌کند و مجلس انتخاب می‌کند؛ یعنی نه این است و نه آن است، از این رو استقلالی که اینجا دارد هیچ کشور دیگری ندارد، استقلال سیاسی و حقوقی که نهاد شورای نگهبان دارد، یکی از امتیازات بسیار مهمی است که در نظام جمهوری اسلامی رعایت شده است.

**دبیر جلسه:** جناب استاد باقرزاده، برخی به دنبال القای این ذهنیت هستند که در ایران انتخابات نمایشی است و رقابتی در کار نیست و به عبارتی مهندسی شده است، این‌ها جزء عباراتی است که متأسفانه به کار برده می‌شود توضیح بفرمائید به چه ملاکی می‌توان گفت؛ انتخاباتی که در کشور ماست نمایشی نیست و فرمایشی نمی‌تواند باشد.

**استاد محمدرضا باقرزاده:** لابد اگر بخواهیم فرمایشی نباشد باید شورای نگهبانی نباشد ... در قانون اساسی گفته شده است که شورای نگهبان مرجع احراز صلاحیت‌های مناصب سیاسی در جامعه است و تا زمانی که این قانون اساسی تغییر نکرده است این قانون اساسی مستمسک می‌باشد، گرچه ساز و کار تغییر هم در خود قانون اساسی پیش بینی شده است، به هر حال نمی‌شود گفت که به طور مثال شما فوتبال بازی کنید و وسط فوتبال بگوئید که ما چرا آفساید داریم؛ یعنی چه که توپ یک مقدار از خط عبور کرده است، می‌گوئید؛ اوت شده است؛ بگذارید بازی‌مان را بکنیم یا داور نمی‌گذارد که بازی کنیم! و یا یعنی چه آن طرف یک گلر دارد! ما تا حالا چند بار می‌خواستیم گل بزنیم اما نشد این هم شد بازی!! نمی‌شود شما فوتبال بازی کنید و قواعد را بخواهید هر لحظه عوض کنید، این‌طور نمی‌شود که بعضی‌ها در این نظام سیاسی زندگی می‌کنند، ولی ملتزم به قانون و قواعد آن نباشند، در هر انتخاباتی همین حرف‌ها را تکرار می‌کنند که نمی‌شود ما شورای نگهبان نداشته باشیم، همیشه خبرگان نداشته باشیم ....

**دبیر جلسه:** یکی از سوالاتی که در مورد شورای نگهبان و مسئله دخالت شورای نگهبان مطرح می‌شود این است که نظارت‌های شورای نگهبان باعث می‌شود ما حضور حداکثری که خیلی هم دغدغه مقام معظم رهبری و مطالبه ایشان است را نداشته باشیم و این نظارت‌ها را به عنوان مانع حضور حداکثری مردم ببینیم؛ چون سلاقی مختلف حضور پیدا نمی‌کنند و نامزدهایی که نماینده افکار و اندیشه‌های مختلف باشند حضور ندارند و این باعث می‌شود



که بعضی‌ها دلسرد شوند و یا انتخابات را خیلی جدی نگیرند یا به این بهانه که نامزد مورد علاقه ما توسط شورای نگهبان کنار گذاشته شده است بنابراین ما دلیلی بر حضور در انتخابات نداریم این را چگونه تحلیل می‌فرمائید؟

**استاد سید ابراهیم حسینی:** در این باره دو نکته را عرض می‌کنم نکته اول اینکه وقتی می‌گوئیم «جمهوری اسلامی» یک رکن آن «جمهوریت» است، اگر ما به این نتیجه برسیم که بعضی از رویه‌ها یا برخی از ساختارها باید عوض شود در اصل یک‌صد و هفتاد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی گفته است؛ با این سازوکار شما می‌توانید تجدیدنظر کنید، اما برخی از آن اصول را شما نمی‌توانید به آن دست بزنید؛ محتوای آن یکی جمهوریت است همانطور که شما نمی‌توانید اسلامیت را به هم بزنید (در خصوص) جمهوریت نظام هم نمی‌توانید (این تغییر را انجام دهید)، برای اینکه نظام به استبداد کشیده نشود بر اساس بند هشتم از اصل سوم دولت جمهوری اسلامی به معنای تمام ارکان آن (نه تنها قوه مجریه موظف است بلکه دولت و نظام اسلامی باید) تمام امکاناتش را برای برنامه‌هایی (چون) مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خویش بسیج کند؛ (چنانکه) در اصل پنجاه و ششم بسیار عالی این (موضوع) بیان شده است؛ حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و همان انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است؛ یعنی حق تعیین سرنوشت که در انتخابات به نمایش گذاشته می‌شود حقی الهی است و هیچ کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند و یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طُرُقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند، در نکته دوم می‌خواهم بگویم؛ شورای نگهبان وظیفه‌اش مصلحت اندیشی نیست، وزارت کشور و دستگاه‌های نظارتی مسئول اجرای قانون هستند آن دستگاه‌های دیگر هستند که باید این کار را بکنند؛ پس شورای نگهبان وظیفه‌اش مصلحت اندیشی نیست، وظیفه‌اش توجه به مَرِّ قانون است، همه ما دغدغه مشارکت و حضور حداکثری را داریم، آن کسانی که این دغدغه را دارند بیایند کمک کنند و انتخاب هرچقدر شایسته تر شود حضور مردم بالاتر می‌رود؛ چنان‌که فرمودند: «الناس عماد الدین» مردم پایه هستند اگر پایه نباشد، ستون هم نیست. حقیقتاً جمهور مردم و حضور حداکثری مردم را پاس بداریم ....

**دبیر جلسه:** اگر نکته‌ای مانده لطفاً بفرمایید.

**استاد محمدرضا باقرزاده:** ... چرا نباید به سمت یک نظام انتخاباتی عقلانی برویم؛ چون

اساساً نظام انتخاباتی اگر عقلانی باشد ... مردم هم احساس تکلیف می‌کنند، این احساس تکلیف و احساس مسئولیت را باید از رویه داوطلبان و نامزدها یاد بگیرند، مردم وقتی نگاه می‌کنند که داوطلبان همدیگر را تخریب می‌کنند و اصراری هم ندارند که رأی بیاورند (و فقط می‌خواهند در این دوره زمانی تبلیغات خودشان را معرفی کنند، بدون اینکه افترا، تهمت و یا توهینی باشد)؛ چون مردم باید انتخاب کنند، مردم اینطوری مشارکتشان آرام آرام بیشتر می‌شود و یا اینکه ما صحنه انتخابات را تبدیل کنیم به یک نمایش مضحک و حراج اخلاق و معنویت و ارزشهای دینی و ...؛ به نظر می‌رسد که اتفاقاً شورای نگهبان باید یکبار برای همیشه مسیر را به سمت ارزشهای اول انقلاب برد، مردم ما باید رقابت صحیح اخلاقی را از داوطلبانی که همه مؤمن باشند به انقلاب و همه نجیب باشند یاد بگیرند، به هر حال به نظر من اصلاً نظارت با حضور حداکثری هیچ منافاتی ندارد، به نظر من مردم ما واقعاً از رقابت‌های زشت اخلاقی در انتخابات ناراضی هستند؛ یعنی برای همین امور مردم دلسرد می‌شوند، امیدواریم که خدای متعال خودش لطف کند و مردم در این انتخابات حضور حداکثری پیدا کنند و یک انتخابات پرشور علیرغم القانات دشمن داشته باشیم، انشالله.

**دبیر جلسه:** از اساتید معظم تشکر می‌کنیم و اگر نکته پایانی و تکمیلی دارید بفرمائید استاد سید ابراهیم حسینی: استفاده کردیم از نظرات جناب استاد باقرزاده، من نیز به عنوان یک ایرانی، یک طلبه، یک مسلمان استدعا می‌کنم همه مردم چه آن کسانی که عرق ملی دارند چون منافع کشور ایران مطرح است) و چه آن کسانی که عرق دینی دارد (در این انتخابات شرکت کنند)، امروز که پرچم حضرت علی و فاطمه علیها السلام بر تارک این عالم به اهتزاز درآمده و می‌درخشد به خاطر همین حضور مردم است، این عزت و اقتدار کشور ما در دنیا مرهون حضور مردم است.

**دبیر جلسه:** از اساتید معظم جناب حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم حسینی و حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا باقرزاده تشکر می‌کنیم انشالله در این دوره هم شاهد حضور حداکثری مردم و انتخاب آگاهانه و صحیحشان باشیم. والسلام

## پاسخ به پرسش‌ها و شبهات منتخب / انتخابات\*

### چکیده

### اشاره

فصلنامه پاسخ با توجه به رسالت مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه بر آن است تا یک بخش از نشریه را به درج تعدادی از پرسش‌ها و شبهات مطرح در موضوعات مختلف که در گروه‌های علمی این مرکز بررسی و پاسخ داده شده اختصاص دهد. در این بخش به اختصار حاصل برخی از این پژوهش‌ها برای استفاده پژوهشگران محترم و مخاطبان عزیز نشریه پاسخ ارائه می‌گردد.

### شبهه اول: مغایرت دموکراسی با اسلام

ملاک و معیار در دموکراسی مراجعه به آراء عمومی و پذیرفتن رأی اکثریت است، این رجوع به آراء مردم با اسلام مغایرت دارد، زیرا اگر عموم مردم اشتباه بیندیشند و اشتباه انتخاب کنند، از آن‌ها پیروی نمود.

### پاسخ

برای بررسی موضوع رابطه دموکراسی و دین اسلام و همچنین «رأی اکثریت» و اعتبار آن باید به دو نکته اساسی توجه نمائیم:

نکته اول: اینکه ملاک و معیار اسلام با ملاک و معیار حکومت‌های دموکراسی غرب

---

\*. مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات - حوزه‌های علمیه - گروه سیاست.

متفاوت است، ملاک و معیار در حکومت اسلامی پیروی از حق است، درحالی‌که ملاک و معیار دموکراسی غرب، پیروی از اکثریت است، محور و معیار نظام اسلامی حق است و مشروعیتش را از پیروی از حق می‌گیرد، البته در خصوص اکثریت و کاربرد آن در نظام اسلامی می‌توان گفت؛ در نظام اسلامی در بعضی موارد و مراحل «اکثریت» معتبر است و جایگاه خاص خود را دارد که مقام «تشخیص حق» است، نه «تثبیت حق»؛ یعنی حق را وحی الهی تبیین و تثبیت می‌کند و در مقام اجرای حق، رأی اکثریت کارساز است و گاهی هم در مواردی که تشخیص حق دشوار است و صاحب نظران اختلاف نظر دارند، رأی اکثریت معیار است (ر.ک. جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۹۰ و ۹۱)، برای توضیح بیشتر باید گفت؛ تفاوت اساسی اکثریت در نظام‌های دموکراسی غرب با اکثریت در نظام اسلامی در این است که در حکومت اسلامی، حق و قانون، پیش از اکثریت و مقدم بر آن است و اکثریت کاشف حق است، نه مولد و به وجود آورنده آن، ولی در نظام‌های دموکراسی غربی اکثریت پیش از حق و قانون و به وجود آورنده آن است، جایگاه دوم اکثریت در اسلام مقام عمل و اجراست (همان)، به این معنا رأی اکثریت مردم در کارهای اجرایی خودشان که در آن امر و نهی دینی نرسیده، در واقع معتبر است و این می‌تواند به‌عنوان یک اصل عقلایی مورد قبول باشد و دلیل آن نیز پیروی از اصل ترجیح راجح و اجتناب از ترجیح بدون مرجح و یا ترجیح مرجوح است. بدیهی است استناد به اکثریت، نه به معنی آن است که جانب حق و باطل معلوم نیست، پس اکثریت دلیل حقانیت یک جانب باشد و نه بدان معنی است که اگر حق در جانب اقلیت تشخیص داده شود، تبعیت از اکثریت لازم است (عمید زنجانی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۹)، بلکه یک راه حل و اصل عقلایی در مقام تشخیص است و همانطوری که اشاره کردیم در مقام اجرا کاربرد دارد.

نکته دوم: پذیرفتن رأی اکثریت از سنخ تبعیت از اکثریت در دموکراسی‌های غربی نیست؛ زیرا در دموکراسی غربی معیار حق و درستی، اکثریت و تبعیت از آن است، ولی در نظام اسلامی ملاک و معیار حق و درستی، اکثریت نیست، بلکه اکثریت افراد خُبره و صالح، امر کشف و تشخیص را برعهده دارند و آراء عمومی و رأی اکثریت در نظام جمهوری اسلامی ملاک و میزان حق در برابر باطل نیست و یا بر حق بودن امری را ثابت نمی‌کند و صرفاً



رجحان امری از اموری که مخالفت با دین و قوانین اسلام هم ندارد را روشن می‌نماید؛ یعنی از این اموری که مخالفتی با دین ندارد معلوم می‌شود، کدام رجحان و قابلیت ترجیحی برای اجرا دارد و یا در خصوص مجلس شورای اسلامی می‌توان گفت؛ رأی اکثریت مردم و اکثریت نمایندگان زمینه را برای ترجیح نظرات راجح در میان کارشناسان و نیز اجرای آن را تسهیل می‌کند و این همان بهره‌گیری از اصل عقلایی ترجیح طرف راجح و کنار گذاشتن طرف مرجوح است، دیگر اینکه آراء عمومی و رأی اکثریت، زمینه مقبولیت و شرایط را برای تحقق حکومت حق و مشروع فراهم می‌نماید و حکومت مشروع می‌تواند با همین مقبولیتی که از رأی اکثریت حاصل شده است، با اقتدار و پشتیبانی آراء عمومی و رأی اکثریت، زمینه را برای انجام اعمال صالح فراهم کند.

### شبهه دوم: مشروعیت حکومت از جانب مردم

با توجه به اینکه امام خمینی علیه السلام، میزان را رأی مردم می‌دانستند، مشروعیت حکومت هم از ناحیه مردم است.

#### پاسخ

در پاسخ به این شبهه نخست بررسی نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی ضروری است. آنچه مسلم و مورد وفاق علماء دین است، آن است که در اسلام، نظامی مشروعیت می‌یابد که قوانین آن در راستای احکام الهی باشد. از لحاظ حکم شرعی فلسفه وجودی ولی فقیه، آن است که خداوند در مرتبه نخست، امام معصوم را به‌عنوان حاکم بر مردم قرار داده است، لکن در زمان غیبت، به دلیل عدم حضور معصوم در بین مردم و از طرفی ضرورت تداوم اجراء احکام الهی در جامعه؛ می‌بایست نزدیک‌ترین فرد به معصوم، به لحاظ شرائط سه گانه (آگاهی کافی از اسلام و قوانین الهی، تقوا و دوری از هوای نفس و برخورداری از تدبیر و مدیریت و قدرت در ایجاد هماهنگی میان قوای مربوط به حکومت) بر مردم ولایت داشته باشد که در اصطلاح به چنین فردی «ولی فقیه» می‌گویند (مصباح یزدی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، ۱۳۷۹، ص ۱۶۵). لذا به دلیل داشتن همین نیابت فقیه از امام معصوم است که حکم وی نافذ و لازم‌الاتباع می‌گردد، لکن این تا زمانی است که مخالف قانون الهی نباشد (همان).

در اینجا برای پی‌بردن به نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی توجه به این نکته ضروری است که با تأکید صاحب نظران، در واقع، يك حکومت تنها با احراز شرائط لازم حکومتی، متصف به مشروعیت الهی می‌گردد (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۴۹۰).

بدیهی است، اگر چنین حکومتی در عالم خارج نیز مورد پذیرش مردم قرار گیرد، کارآمد و مقتدر نیز خواهد بود، ولی اگر مردم آن را نپذیرند و یا پس از پذیرش نقض کنند، طبعاً چنین حکومتی متزلزل خواهد شد، گرچه رهبر آن علی بن ابیطالب علیه السلام باشد، بر این اساس، نقش مردم در تحقق حکومت اسلامی بسیار تعیین‌کننده است، لکن «مشروعیت بخشی» به حکومت، خصوصیتی است که تنها شایسته مقام الهی است. در حکومت ولایی که حضرت امام علیه السلام نیز به آن معتقد بودند، نه فرد و سلیقه‌ها و علاقه‌های شخصی، بلکه دین و عدالت حاکمیت می‌یابد، بر این اساس، در وهله نخست میان حکومت دینی و ولایی با مشارکت مردم، در تدبیر و هدایت امور، ناسازگاری و منافاتی به چشم نمی‌خورد؛ زیرا قرار گرفتن ولایت و اقتدار سیاسی جامعه اسلامی در دست فقیه عادل و التزام وی و دیگر آحاد جامعه نسبت به تعالیم اسلام و لزوم هماهنگی و تبعیت ایشان از احکام حکومتی اسلام، مانع از آن نیست که مردم در تعیین اعضای نهادهای قدرت سیاسی و انتخاب ولی امر خویش مشارکت داشته باشند، بلکه اساس ایده جمهوری اسلامی که رهبر انقلاب ارائه نمودند، بر مبنای تفکر سازگاری میان حکومت دینی و مشارکت مردمی شکل گرفت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز وجوه مدنی حکومت با وجوه دینی آن در ناسازگاری قرار ندارند (قانون اساسی، اصول ۶ و ۱۰۷). بر این اساس، در ایده بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، مشارکت مردمی و وجوه مدنی حکومت، جا را برای حاکمیت دین و التزام به تعالیم شرع تنگ نمی‌کند، لکن این مسئله به مفهوم مشروعیت مردمی یا تقدم خواست مردم برخواست خداوند نیست. بدیهی است، حضرت امام علیه السلام با اعتقاد به ضرورت حضور و نقش گسترده اقشار مختلف جامعه در حکومت اسلامی و توصیه اکید به مسئولان، مبنی بر فراهم نمودن زمینه مشارکت مردم در حکومت (امام خمینی، جایگاه مردم در نظام اسلامی از نظر امام علیه السلام، ۱۳۹۲، ص ۴۷) میزان را در تعیین مسئولان جمهوری اسلامی، مردم می‌دانستند (همان، ص ۳۷). لکن در اعتقاد ایشان این موضوع به آن دلیل بود که مردم مسلمان ایران خود با آزادی تمام، خواستار حکومت عدل اسلامی و تحقق احکام الهی اسلام

بودند (امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۲۲، ص ۱۸۱) ایشان در خرداد ۱۳۶۰ در جمع فرماندهان سه‌گانه ارتش، میزان را در آراء ملت دانستند (امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۶۱، ج ۱۵، ص ۴) در آن زمان عده‌ای که از ابتدا نیز با انقلاب و مردم همراه نبودند برای برهم زدن آرامش جامعه با طرح مسئله فراندوم، خواستار رأی‌گیری مجدد از مردم در خصوص جمهوری اسلامی شدند که حضرت امام علیه السلام در این تاریخ با هوشیاری به موقع فرمودند: «... اعتقاد ما این است که میزان، آراء ملت است، لکن گمان نکنید که اگر فراندوم برگزار شود اوضاع به نفع شما تغییری خواهد کرد و شما خواهید توانست آمریکا را در ایران مجدداً به قدرت برسانید بلکه مردم ما همان مردمی هستند که به جمهوری اسلامی و قانون اساسی رأی دادند و نمایندگان را بر سرکار آوردند...» (همان). آنچه از این بیان حضرت امام علیه السلام به دست می‌آید آن است که ایشان معتقد بودند نظام جمهوری اسلامی از مردم جدا نیست و آن نکته‌ای است که بارها بر آن تأکید داشتند (همان، ج ۷، ص ۲۵۳) و به این دلیل، میزان را در این نظام آراء ملت می‌دانستند لکن همان‌گونه که گذشت، دیدگاه ایشان در این مسئله، به مفهوم تقدم یافتن خواست مردم بر خواست الهی و مشروعیت مردمی به‌جای مشروعیت الهی نیست، بلکه به این معنی است که نه مردم و نه نمایندگان ایشان، مجاز نیستند تا حکمی از احکام دین و قانونی از قوانین شریعت را نسخ و ملغی نمایند، بر این اساس رأی و اقبال مردم نمی‌تواند مشروعیت‌بخش حکومت و لائی‌گرده، از این‌رو نباید حقانیت و مشروعیت حکومت را در رأی و اقبال مردم جستجو کرد، بلکه نقش مردم صرفاً مقبولیت‌بخشی به حکومت دینی است؛ بنابراین در حکومت دینی فعالیت مدنی مردم در چارچوب اصول و ارزش‌های اسلام و حکومت دینی نه تنها ممکن بلکه يك ضرورت شرعی است؛ زیرا مسلمان به حکم مسلمانی خویش و براساس وظایف دینی خود، مکلف به اهتمام به امور مسلمین، خیرخواهی و نصیحت نسبت به زمامداران، امر به معروف و نهی از منکر و نظارت بر اعمال دولتمردان و صاحبان اقتدار سیاسی است، لکن همان‌گونه که گذشت این امر به مفهوم مشروعیت یافتن حکومت دینی از جانب مردم نیست، هرچند مردم به حکم وظیفه شرعی خویش موظف هستند با حمایت و پشتیبانی از ولی فقیه واجد شرایط زمینه اجرای احکام الهی را فراهم آورند.

### شبهه سوم: نمایشی بودن انتخابات در ایران

حضور مردم در انتخابات ایران نمایشی است و صرفاً جنبه تبلیغاتی در برابر غربی‌ها دارد.

#### پاسخ

پیش از پرداختن به موضوع، لازم است اشاره نماییم که به طور کلی انتخابات در سطح دنیا به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) انتخابات آزاد؛ ب) انتخابات نمایشی.

انتخابات آزاد، انتخاباتی است که در آن بر اساس شرایط و فرهنگ سیاسی حاکم بر یک کشور، شرایط یک انتخابات آزاد که در ادامه ذکر خواهد شد، همچون آزاد بودن حضور سلیق سیاسی و آزادی حضور انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و ... رعایت شود. در مقابل، انتخابات نمایشی عبارت است از انتخاباتی که صرفاً ظاهری از انتخابات را داشته و رأی و نظر واقعی مردم در آن لحاظ نمی‌شود، به عبارت دیگر انتخابات نمایشی انتخاباتی است که شرایط انتخابات آزاد در آن لحاظ نمی‌گردد.

در کشورهایی که در آن‌ها فرد و یا عده معدودی حاکمیت دارند و با وجود اینکه عنوان دموکراتیک و یا جمهوری دارند ولی انتخابات به گونه‌ای صورت می‌گیرد که امکان انتخاب گزینه‌ای غیر از گزینه دولت خواسته وجود ندارد و از طرفی مردم هم در آن کشورها هیچ استقبالی از انتخابات نمی‌کنند، در واقع در آن کشورها تنها ظاهری از دموکراسی وجود داشته و انتخاباتی هم که برگزار می‌شود نمایشی خوانده می‌شود؛ همچون مصر در دوران مبارك.

در این میان برخی تلاش دارند تا انتخابات در وضعیت فعلی ایران را نیز از نوع انتخابات نمایشی قلمداد نمایند و حال آنکه اساساً چنین اتهامی به این نظام و انتخابات آن وارد نمی‌باشد؛ چراکه تمامی اصول مردم‌سالاری و نیز شرایط واقعی بودن انتخابات، در آن لحاظ شده و وجود برخی محدودیت‌ها نیز همچون محدودیت‌هایی که در هر کشور مدعی مردم‌سالاری مطرح می‌باشد مانعی در واقعی بودن انتخابات تلقی نمی‌شود وگرنه در هیچ کشوری انتخابات واقعی وجود خارجی ندارد و انتخابات حتی در کشورهای غربی هم باید يك نمایش دروغین بزرگ تلقی شود.

برای اینکه بگوئیم در يك کشور انتخابات به شکل واقعی برگزار شده و فاقد عنوان نمایشی بودن باشد، لازم است چند نکته در نظر گرفته شود که در جمهوری اسلامی ایران نیز همه آن‌ها مد نظر قرار می‌گیرد:



## ۱. حق مردم در رأی دادن

یکی از مهم‌ترین اصولی که آن را می‌توان جزء پایه‌های انقلاب اسلامی قرار داد حق مردم در تعیین سرنوشت خود است که از جمله نمادهای آن مشارکت مردم در انتخابات است، این حق به‌عنوان يك حق معتبر از سوی رهبران نظام، همواره مورد تأکید بوده است و در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قانون‌گذاران بوده است، به‌عنوان مثال در بند ۸ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش»، به‌عنوان یکی از مواردی در نظر گرفته شده است که دولت جمهوری اسلامی باید همه امکانات خود را در جهت نیل به آن به‌کارگیرد، همچنین بر اساس اصل ششم قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات، انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد» که این اصل و اصول مشابه آن حاکی از این است که مردم حق دارند که در انتخابات مختلف مشارکت کرده و از این طریق در سرنوشت سیاسی کشور خویش سهیم باشند.

## ۲. حق مردم در انتخاب شدن

بر اساس اصول مختلف قانون اساسی، هر فردی که شرایط و صلاحیت‌های لازم برای تصدی مسئولیتی را دارد، حق دارد که خود را در معرض انتخاب دیگران قرار دهد و مردم با اعلام نظر خود در انتخابات، از میان افرادی که صلاحیت لازم را دارا هستند، فرد اصلح را انتخاب می‌کنند، البته برخی تلاش می‌کنند تا مشروط بودن حضور افرادی که خود را در معرض انتخاب می‌گذارند به داشتن شرایط خاص را مغایر با انتخابات واقعی تلقی نمایند و حال آنکه این موضوع، يك اصل عقلی بوده و در هر جامعه‌ای نیز برای تصدی مسئولیت‌های مختلف يك سری شرایط در نظر گرفته می‌شود.

## ۳. برگزاری انتخابات سالم از طریق ابزارهای نظارتی سالم

یکی از عواملی که باعث می‌شود تا انتخابات يك کشور از حالت نمایشی بودن خارج شود، نظارت دقیق و مؤثر بر انتخابات به‌منظور برگزاری انتخاباتی سالم و واقعی است تا به این

ترتیب کسانی که واقعاً مردم به آنها رأی داده‌اند، بتوانند زمام امور کشور را در دست بگیرند، در هر کشوری به‌منظور تحقق چنین امری سازوکاری پیش‌بینی شده است و در کشور ما نیز شورای نگهبان قانون اساسی (غیر از انتخابات شوراها) به همراه ابزارهای نظارتی دیگری که در ادامه ذکر خواهد شد زمینه‌ساز چنین امری شده است. البته ممکن است برخی افراد وجود نظارت شورای نگهبان را باعث فرمایشی شدن انتخابات عنوان نمایند. درحالی‌که با اندکی تأمل در برخی شواهد، می‌توان نتیجه گرفت که اساساً چنین شائبه‌ای نباید مطرح شود و یا در صورت مطرح شدن قابل رفع می‌باشد؛ چراکه به لحاظ نظری نظارت شورای نگهبان بر انتخابات، زمینه‌ساز انتخاباتی است که در آن صرفاً افراد با صلاحیت و کسانی که شرایط اولیه را دارا هستند، در فرایند رقابت حاضر شده و کسانی که صرفاً تلاش می‌کنند تا به کمک پول و امکانات و جاذبه‌های تبلیغاتی به کسب رأی بپردازند، نتوانند به سوء استفاده از فضا پرداخته و بر مسندی تکیه بزنند که صلاحیت آن را ندارند، به لحاظ عملی نیز از تجلی حضور مردم در انتخابات‌های مختلف می‌توان دریافت که حضور شورای نگهبان و نظارت هر چه دقیق‌تر؛ نه تنها مانعی در جهت مشارکت مردم نیست، بلکه عاملی در جهت حضور هر چه بیشتر مردم است و شواهد حاکی از آن است که مردم خواستار انتخاباتی هستند که در آن ناظرانی امین به نمایندگی از آنان، ابتدا افراد قابل اعتماد و واجد صلاحیت اولیه را شناسایی کرده و در مرحله بعدی مردم به راحتی بتوانند زمام امور کشور خود را به دست فرد اصلح از میان افراد صالح بسپارند.

نکته دیگری این است که فرایند نظارت در جمهوری اسلامی ایران به‌گونه‌ای است که شائبه هر گونه تخلف گسترده و تقلبی را از میان می‌برد و باعث جلب اعتماد مردم به نتایج انتخابات می‌گردد؛ چراکه حداقل سه دسته در انتخابات جمهوری اسلامی ایران بر آن نظارت می‌کنند که عبارتند از:

الف) شورای نگهبان در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری، خبرگان و رفراندوم‌ها و نیز در انتخابات شوراها هیأت‌های نظارت بر انتخابات؛

ب) هیأت‌های اجرایی که متشکل از معتمدان محلی هستند و اکثر آنها از افراد فرهنگی، اهل علم دانشگاهی و حوزوی و ... هستند، به همراه مجریانی که بیشتر از میان قشر-

فرهنگی کشور برگزیده می‌شوند؛

ج) ناظران کاندیدها که بنابر قانون تا آخرین لحظه اخذ رأی حق دارند در حوزه رأی‌گیری حضور داشته باشند و بر فرایند انتخابات نظارت نمایند.

#### ۴. حضور سلايق سياسي مختلف در عرصه انتخابات

يکي از دلايل واقعي بودن انتخابات اين است که سلايق سياسي مختلف در انتخابات حق حضور و مشارکت فعال دارند. در جمهوری اسلامی ایران نیز از حضور همه سلايق سياسي در عرصه انتخابات استقبال می‌شود، البته در نظام اسلامی نیز همچون هر نظام مردم‌سالار ديگري، حضور برخی از افراد نامعقول است؛ به‌عنوان مثال ریاست جمهوری، نهادی است که در رأس آن فردی قرار می‌گیرد که عنوان مسئول اجرای قانون اساسی را دارا می‌باشد، بر این اساس جریانی که هیچ اعتقادی به قانون اساسی ندارد و یا هیچ التزامی به آن نداشته و با اقدامات خود نیز بارها قانون‌شکنی خود را به اثبات رسانده است، قطعاً صلاحیت حضور در این مسند را نخواهد داشت، علاوه بر این، قطعاً جریان‌ات معارض همچون تروریست‌های منافق نیز صلاحیت حضور در انتخابات را نخواهند داشت؛ چنان‌که هیچ کشوری اجازه نمی‌دهد تروریست‌ها و کسانی که استقلال و تمامیت ارضی کشور را تهدید می‌کنند (همچون تجزیه‌طلبان و کسانی که با عوامل بیگانه در ارتباط هستند و درصدد زمینه‌سازی برای بسط سلطه بیگانه بر کشور هستند و نیز غارتگران بیت‌المال که صلاحیت حفاظت از آن را ندارند و ...) در معرض انتخابات قرار گیرند و با این حال، هیچ‌کسی ادعا نمی‌کند که انتخابات این کشورها نمایشی است.

#### ۵. گردش نخبگان و سلايق سياسي

يکي ديگر از شواهد عدم نمایشی بودن انتخابات اين است که سلايق سياسي مختلف، علاوه بر حضور در انتخابات، امکان انتخاب شدن هم داشته باشند و در نتیجه در طول زمان، سلايق سياسي مختلف زمام امور را به دست گیرند؛ به‌گونه‌ای که به‌صورت متوالی اکثریت به اقلیت تبدیل و اقلیت به اکثریت تبدیل شود و یا افراد و نیز جریان‌ات خارج از اقلیت و اکثریت امکان حضور در دور رقابت‌ها، را پیدا کنند و حتی بتوانند به بالاترین مناصب رسمی کشور دست پیدا کنند که چنین امری در کشور ما بارها اتفاق افتاده است.



### شبهه چهارم: شرکت نکردن در انتخابات به دلیل عملکرد برخی مسئولان

برخی عملکردها و یا حرف و حدیث‌هایی که دربارهٔ مسئولین مطرح می‌شود، مردم را در شرکت در انتخابات ناامید می‌کند و انگیزه شرکت در انتخابات را از بین می‌برد.

#### پاسخ

در پاسخ باید یادآور شویم که انتخابات یکی از عرصه‌هایی است که برای همه آحاد جامعه، هم حق و هم تکلیف است، حق از آن جهت که باید در اداره کشور و سرنوشت خویش سهم بوده و تکلیف از آن جهت که برای پاسداری از این مرزوبوم باید در آن حضور یابند؛ چنان‌که رهبری معظم انقلاب در بیانی در این ارتباط چنین می‌فرماید: «(انتخابات) هم حق و هم تکلیف مردم است که بیایند و سرنوشت کشورشان را به‌دست خودشان معین کنند»، نمی‌توان بخاطر برخی از عملکردهای نادرست، بطور کلی از موضوع مهمی همانند انتخابات، کناره گرفت، بلکه نفس حضور و تعیین افراد لایق است که خواهد توانست به خواسته‌های مشروع مردم، جامه عمل پوشیده و مسائل کشور را بر مبنای صحیح آن به پیش برد.

باید دانست که هر فردی از نظر شرعی و قانونی، مسئول عملکرد خویش است؛ یعنی اگر مسئولی احیاناً تخلفی نمود نباید موجب بروز و گسترش خلاف از سوی آحاد جامعه گردد؛ چراکه در این صورت هیچ اصلاحی در جامعه اتفاق نخواهد افتاد، بنابراین اگر به اصلاح جامعه فکر می‌کنیم، بهترین راه این است که اولاً خود را از گرفتار آمدن به امور ناپسند در امان بداریم و ثانیاً بر اساس وظیفه خطیر امر به معروف و نهی از منکر، مسئولان را متوجه اعمالشان بنماییم.

البته نباید این مهم را از نظر دور داشت که اساس انقلاب، بر حضور مردم در صحنه بوده، به‌گونه‌ای که اگر این حضور تعیین‌کننده نبود، انقلاب به پیروزی نمی‌رسید؛ چنانکه اصل ششم قانون اساسی یکی از مظاهر این حضور را، انتخابات دانسته و می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد».

از این‌رو نقش و اهمیت حضور در انتخابات بر کسی پوشیده نیست؛ چراکه این مهم



یکی از راه‌های اعمال نظر برای تمام جامعه بوده تا از این طریق در انتخاب مسئولان صالح مؤثر باشند.

از جمله انگیزه‌های که مردم می‌توانند با آن وارد صحنه شده و در انتخابات حضوری سرنوشت‌ساز داشته باشند، حفظ اساس انقلاب است که به اعتقاد امام خمینی علیه السلام از اهم واجبات می‌باشد؛ چنان‌که فرمودند: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر ... از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز با آن مزاحمت نمی‌کند» (موسوی خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۱۵۳)؛ چراکه این انقلاب می‌تواند اسلام را نیز حفظ نماید، بنابراین امت اسلامی نباید با برخی از عملکردها و یا بعضی از سخنان ناامید شده و نسبت به حفظ اصل نظام اسلامی و به‌طور کلی اسلام کوتاهی کنند.

از دیگر انگیزه‌های حضور جدی مردم در عرصه انتخابات، مایوس ساختن دشمنان اسلام و انقلاب است، این حقیقت بر کسی مخفی نیست که این دشمنان همواره در طول بیش از چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی در تلاش بوده‌اند تا مردم را از صحنه مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی و ... کشور خارج نمایند و آنان را نسبت به امور جاری کشور اسلامی بی‌تفاوت نمایند، از این‌رو برای از بین بردن نقشه‌ها و طرح‌های دشمنان که هدفی جز دور نمودن مردم از حکومت اسلامی ندارند، ما باید همیشه هوشیاری و بیداری خویش را حفظ و در عمل دست رد به سینه بدخواهان بزنیم.

### شبهه پنجم: جرایب شرط فقاقت در مجلس خبرگان

چرا درباره عضویت افراد به‌عنوان نماینده مجلس خبرگان، برخورداری از شرط فقاقت لازم است.

#### پاسخ

دلیل این امر را باید در ماهیت نظام جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان و شرایط و ویژگی‌های مقام رهبری در نظام اسلامی پی‌جویی نمود؛ زیرا «نظام ما بر اساس ارزش‌های اسلامی شکل گرفته و محتوای آن باید اسلامی باشد؛ بنابراین برای رسیدن به این هدف، باید در رأس این نظام، کسی قرار بگیرد که بیش از دیگران به مبانی اسلام و نحوه اجرای آن آشنا باشد و این همان مسئله ولایت فقیه است که ضامن اسلامی بودن نظام است. حال با توجه

به اینکه وظیفه اصلی مجلس خبرگان تشخیص فرد مناسب برای تصدی مقام ولایت است به نظر می‌رسد عاقلانه‌ترین و منصفانه‌ترین راه این است که اعضای خبرگان کسانی باشند که خود در فقاہت دستی دارند، اگر به ما بگویند بهترین استاد دانشگاه در فلان رشته کیست، باید جواب را از استادان دانشگاه گرفت. کسانی توان تشخیص اصلح (شایسته‌ترین) برای تصدی مقام ولایت فقیه را دارند که خود بهره‌ای از شرایط آن مقام و منصب داشته باشند و از آن ویژگی‌ها - هر چند در مرتبه پایین‌تر - بهره‌مند باشند (مصباح یزدی، پرسشها و پاسخ‌ها، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۹) بنابراین اعضای مجلس خبرگان باید در کنار فقاہت و اجتهاد، مرتبه‌ای از شرایط رهبری را دارا باشند؛ یعنی حد نصابی از فقاہت، از آگاهی به مصالح اجتماعی و سیاسی و تدبیر و عدالت و... چراکه «اگر قرار است فقیهی دارای صفات فقاہت و عدالت و سیاست و تدبیر و... تعیین شود، خبرگان نیز باید دارای چنین جامعیتی در حد نازل باشند تا بتوانند فقیه جامع الشرایط را تشخیص دهند، یکی از شرایط خبرگان رهبری آن است که در شناخت اوصاف معتبر در رهبری توانایی داشته باشند (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۴۵۶) از این رو در ماده سوم قانون انتخابات مجلس خبرگان آمده است که «خبرگان منتخب مردم باید دارای شرایط زیر باشند:

الف) اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛

ب) اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد؛

ج) بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز؛

د) معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛

ه) نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی (حکومت اسلامی، سال سوم، شماره دوم (۸)،

ص ۱۱۰) بر اساس قانون اساسی «شرایط و صفات رهبر:

۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛

۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛

۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای

رهبری» (قانون اساسی، اصل ۱۰۹) است؛ اما این سه شرط در عرض هم اعتبار ندارند و

فقاہت در میان این شرایط از اهمیت بیشتری برخوردار است، آنچه نظام اسلامی را از سایر نظام‌های سیاسی جدا می‌کند؛ نه مدیریت و نه تدبیر و سیاست رهبر بلکه مدیریت و سیاستی است که برخاسته از دیانت و فقاہت اوست، از این رو فقاہت در رأس این صفات و شرایط قرار دارد و روشن است که برای شناسایی و تشخیص چنین رهبری باید کسانی وجود داشته باشند که خود در فقاہت دستی داشته باشند و با مبانی اسلام آشنایی داشته باشند. «ما معتقدیم آنچه عنصر اصلی نظام را تشکیل می‌دهد، اسلام است. مدیریت در همه کشورها هست. چنان نیست که در دیگر کشورها - که نظامشان اسلامی نیست - شخص اول مملکت مدیر نباشد. پس از این جهت امتیازی بر دیگران نداریم. امتیاز و صبغه ویژه کشور و نظام ما، اسلامی بودن است؛ یعنی آنچه بیش از همه بر آن تأکید می‌کنیم اسلامی بودن نظام است. آنچه برای رهبر بیش از همه لازم است، فقاہت است. از این رو می‌گوییم ولی فقیه و نمی‌گوئیم ولی عادل. البته رهبر باید عادل نیز باشد، نمی‌گوییم ولی سیاسی (سیاستمدار) اگر چه رهبر باید به سیاست نیز آشنا باشد. پس تأکید ما بر کلمه فقیه از آن روست که عنصر اصلی در نظام ما، اسلام است و فقیه؛ یعنی اسلام شناس» (مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۹۳). البته تأکید بر فقاہت به معنای نادیده گرفتن سایر شرایط در خبرگان رهبری نیست، بلکه همان‌طور که اشاره کردیم، خبرگان رهبری باید علاوه بر فقاہت واجد مرتبه‌ای از شرایط رهبری باشند تا زمینه‌شناسی دقیق و توانایی شناخت اوصاف معتبر در رهبری برای آن‌ها فراهم گردد و تجربه طلایی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بیانگر این حقیقت است که عموم نمایندگان مجلس خبرگان افرادی هستند فقیه، آشنا به زمانه و آگاه به ویژگی‌های شخصیتی افراد هستند که در صحنه‌های مختلف حاضر بوده و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از صفات و روحیات مسئولان آگاهی دارند. از این رو از ویژگی‌های علمی و فقاہتی سابقه توأمندی و مدیریتی و یا عملکرد پرهیزکاری و عدالتی فرد یا افراد مورد نظر برای رهبری باخبر هستند و افزون بر آن به دور از احساسات زودگذر یا معیارهای ذهنی یا علمی به مجموعه صفات مثبت و منفی می‌نگرند.

بنابراین جایگاه و اهمیت ویژه فقاہت در میان سایر شرایط رهبری که تضمین‌کننده

اسلامیت نظام است و ماهیت مجلس خبرگان که اقتضا می‌کند اعضای آن توانایی لازم را برای شناسایی رهبر نظام اسلامی دارا باشند و این امر ایجاب می‌کند که اعضای مجلس خبرگان، حد نصابی از شرایط رهبری را دارا باشند و واجد مرتبه‌ای از ویژگی‌های رهبری باشند، بیانگر لزوم فقاہت اعضای مجلس خبرگان و عدم صلاحیت غیرفقاہا برای این امر است. البته ناگفته نماند عدم صلاحیت غیرفقاہا برای حضور در مجلس خبرگان به معنای نادیده گرفتن نظریات آنان نیست و اعضای مجلس خبرگان «اگر زمانی نیاز به مشورت با متخصصان باشد در کمیسیون‌ها و مشورت‌ها از نظرات آنان استفاده می‌کنند و این از مصوبات مجلس خبرگان است که برای فعال شدن مجلس مزبور با مسئولان تماس می‌گیرند و در کمیسیون‌ها می‌توانند از صاحب‌نظران سیاسی و غیرسیاسی دعوت کنند، بنابراین اولاً؛ باید میان فقیه جامع‌الشرایط و خبرگان تناسب در جامعیت باشد و ثانیاً؛ خود خبرگان عالم و روحانی به امور سیاسی و اجتماعی آگاهی دارند؛ زیرا بدون آن صلاحیت ورود در مجلس خبرگان را ندارند و ثالثاً؛ هر جا که لازم باشد برای دقت و ظرافت بیشتر از آگاهان سیاسی و متخصصان گوناگون استفاده می‌کنند» (جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸، ص ۴۵۷)، مجموع این دلایل ایجاب می‌کند که اعضای مجلس خبرگان صرفاً مجتهد باشند.

### شبهه ششم: احتمال خطای خبرگان در انتخاب رهبری

خبرگان رهبری ممکن است در کشف مصداق ولی فقیه دچار اشتباه شوند و یا حتی احتمال این وجود دارد که جریان نفوذ در مجلس مذکور رخنه کند و مسیر را به سمت شخص مورد نظر خود هدایت کند.

### پاسخ

احتمال اشتباه خبرگان در تعیین رهبری با توجه به سازوکارهایی که در این زمینه در نظر گرفته شده و اعمال می‌گردد، فرض نادری است؛ زیرا اولاً؛ نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری، همه مجتهدانی هستند که لازم است علاوه بر شرایط و صلاحیت‌های علمی و گزینش مردمی، از ویژگی‌های اخلاقی ممتاز نظیر تقوا و عدالت برخوردار باشند و این ویژگی‌ها عامل بازدارنده در ایشان است. ثانیاً؛ صلاحیت اعضای خبرگان رهبری باید توسط

شورای نگهبان احراز گردد. ثالثاً: کمیسیون‌های تخصصی مجلس خبرگان، نظارت بر استمرار صفات و شرایط رهبری دارند. رابعاً: تصمیم‌گیری برای تعیین رهبری در این مجلس با رأی و نظر اکثریت اعضا گرفته می‌شود. مجموع این عوامل موجب می‌شود تا احتمال اشتباه و خطا از سوی ایشان و احتمال نفوذ بسیار کاهش پیدا کند و اطمینان لازم حاصل شود. چنین فرض‌های بسیار نادر در واقعیات و مسائل اجتماعی به هیچ‌وجه قابل توجه و مورد اعتنای عقلا نمی‌باشد، زیرا همواره سعی در این است که در فرایندهای ادارهٔ جامعهٔ بشری، مکانیزم‌هایی که به صورت طبیعی از وقوع خطا و اشتباه جلوگیری می‌کنند در نظر گرفته و اعمال نمایند و آلا در تمامی مسائل بشری و در همهٔ کشورها می‌توان چنین احتمالاتی را مطرح نمود.

در عین حال برای موارد نادر نیز راهکار حقوقی و قانونی لازم به صراحت در اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی پیش بینی شده است؛ در قسمتی از این اصل چنین آمده: «هر گاه... معلوم شود رهبر از آغاز، فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد». بر این اساس اگر مجلس خبرگان، از همان آغاز، به اشتباه، کسی را که دارای شرایط نبوده است، به رهبری انتخاب کند و بعد معلوم شود که او شرایط لازم را ندارد، رهبر از مقام خود برکنار می‌شود و دیگر هیچ‌گونه مسئولیت و اختیاری در این زمینه نخواهد داشت.

نظارت بر رهبری منحصر در گزینش و نظارت مجلس خبرگان نیست، بلکه علاوه بر سازوکارهای درونی نظیر تقوا و عدالت همیشگی در رهبری و سازوکارهای بیرونی توسط مجلس خبرگان رهبری، نظارت‌های عمومی توسط مراجع عظام تقلید، حوزه‌های علمیه، شخصیت‌ها و بزرگان مورد اعتماد مردم وجود دارد.

بر اساس مبانی دینی از آنجا که رهبری منوط به برخورداری شرایط و صلاحیت‌های لازم است. در صورت فقدان این شرایط و شایستگی، صلاحیت رهبری را از دست داده و حتی اگر مجلس خبرگان او را عزل نکنند، دیگر صلاحیت رهبری را نخواهد داشت و خود به خود منعزل می‌شود.

## فهرست منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه «ولایت فقاہت و عدالت»، قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۲. طباطبایی، منوچهر، حقوق اساسی، تهران: میزان، ۱۳۸۰.
۳. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۴. قاضی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۵. لاریجانی، محمدجواد، تدین، حکومت و توسعه، [بی‌جا]: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، ۱۳۷۷.
۶. مصباح یزدی، محمدتقی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
۷. مصباح یزدی، محمدتقی؛ پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۰.
۸. موسوی خمینی، روح‌الله، جایگاه مردم در نظام اسلامی از نظر امام علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ، تبیان ۳۵، ۱۳۹۲
۹. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر- آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.
۱۰. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.



## The Electoral Ethics from the Perspective of the Qur'an and the Narrations of the Infallible Imams (AS)

Ali Maleki\*

### Abstract

Election is a peaceful method for legislating and selecting leaders, and one of the features of democratic governments. Islam, through religious texts, including Qur'anic verses and the narrations of the Imams (as), has outlined its own ethical principles for elections. This research employs an academic approach, utilizing a descriptive-analytical method for the examination of Qur'anic and narrative texts. It aims to theoretically analyze the features and criteria introduced by the Holy Qur'an and the narrations of the Infallible (as) in the context of elections. Additionally, it explores the distinctive attributes of Islamic political ethics concerning elections within the framework of a religious democracy, drawing comparisons with modern democracies. The main finding of this research is the theoretical analysis of Islamic electoral ethics through the analysis of Qur'anic and narrational texts and in line with the political ethics of elections. This analysis not only clarify the theoretical benefits of Islamic elevated ethics but also serve as a guide for Islamic governments in their political development programs. Defining Islamic political ethics and its distinctions from modern political ethics are among the other findings of this research.

**Keywords:** Elections, Electoral ethics, Political ethics, Religious democracy, The Holy Qur'an, Narrations.

---

\*. Assistant Professor, Department of Islamic Sciences, State University of Tafresh;  
ali\_malaki70@yahoo.com

## The Requirements for Maximum Participation in the Elections of the Islamic System

Mohammad Malekzadeh\*

### Abstract

Elections constitute one of the most significant events of the Islamic Revolution in Iran and represent the dignity and puissance of the Islamic Iran. The Islamic Republic system of Iran possesses two defining characteristics: “God-centricity” and “democracy.” From the outset, the Islamic system articulated its objectives based on divine criteria and values, acknowledging its identity and manifestation through the presence of the people and reliance on the public opinions. As the Islamic Republic of Iran is a religious and popular system, its stability and puissance, after prioritizing the preservation of Islamic values, are contingent upon the widespread presence and participation of the people in political arenas, such as elections. According to the findings of this research, achieving maximum participation requires attention from all sectors of the system, including officials, election candidates, and the general public, to fulfill the responsibilities defined within the Islamic system for conducting vibrant, healthy, competitive, and lawful elections within the framework of fair competition. This study investigates the duties and responsibilities assigned to these three groups to achieve maximum and competitive participation in the elections of the Islamic system, employing a descriptive-analytical method using a scientific process.

**Keywords:** Elections, Selection of the most qualified person, People, Political participation, Islamic system.



---

\* Research Assistant at the Institute for Cultural and Islamic Thought, malekzadeh1350@gmail.com.





## Dos and Don'ts in Electoral Competitions

Ali Mojtabazadeh \*

### Abstract

Electoral competition is an inseparable part of elections. The principle of systematic and regulated electoral competition, to ensure its health and constructive role and prevent its negative consequences, is accepted by all rational individuals and political systems. What distinguishes it is the intellectual and value foundations governing political systems and their dominant culture. This article, using a descriptive-analytical method and library-based research, argues that in the Islamic political system, the political activities and competition of parties and political groups should take place within the framework of the Islamic value system. This framework considers electoral competitions Based on adherence to the law, ethics-centeredness, rationality, value-centeredness shape the prerequisites for healthy electoral competitions. Conversely, behaviors such as instigating conflicts and crises, engaging in factionalism, undermining opponents, hurling insults and accusations, blurring lines with enemies, prioritizing party and faction interests over national concerns, fostering opposition and denial of others instead of healthy competition, and making unrealistic and unlawful promises are viewed as the drawbacks of electoral competitions.

**Keywords:** Elections, Electoral competitions, Dos, Don'ts, Political movements.

---

\*. Ph.D. in Islamic Sciences, specializing in the Islamic Revolution; a.mojtabazadeh@chmail.ir.

## The Epistemological Foundations and the Nature of Political Participation in Imam Khomeini's Elevated Political Thought

Mohammad Sajjadifar\*

### Abstract

Political participation, as the effective intervention of people in political affairs, is one of the fundamental pillars of democratic systems. In Imam Khomeini's Elevated Political Thought, no political-social structure has been accepted without the consent and will of the people. This research employs a documentary and library-based method and a content analysis and description approach.

The objective is to find an answer to the question of how Imam Khomeini portrayed political participation and on what foundations he established it. The findings indicate that Imam Khomeini, by putting forth a monotheism-centric interpretation of existence, human, and society, and linking the world and the hereafter, considers the political-social system as a platform for the growth of human virtues and graces. He defines politics as the management of affairs and the education and guidance of people towards achieving worldly and otherworldly interests.

The research leads to the conclusion that political participation is a duty and obligation that individuals are bound to fulfill. Every individual is obliged and responsible, to the extent of their ability, to establish the interests and benefits of society through their participation as a form of comprehensive worship. Participation, in any form necessary, should be carried out in the same manner.

**Keywords:** Imam Khomeini, Political participation, Elevated political thought, Monotheistic system, Accountability.



---

\*. Ph.D. in Teaching Islamic Sciences, Allamah Tabataba'i University; sajjadifar531@gmail.com.



## The Necessity of Public Participation in Elections

Abulhasan Baktash\* - Seyed Ruhollah Latifi\*\*

### Abstract

Elections represent the embodiment of democracy in any society that its legitimacy is directly linked to the level of public participation. The increase or decrease in public engagement in such a society signifies the fortification or weakening of the underpinnings of democracy. This issue holds substantial significance in the Islamic system of Iran, where the stability and puissance of the system hinge upon attention to this matter. Consequently, the adversaries of the system aim to diminish public participation in order to undermine the legitimate foundations of the Islamic system.

This article, employing a descriptive-analytical approach and conducting a library-based study, delves into the necessity of public participation in elections. It meticulously examines the impediments that lead to diminished participation and suggests strategies to surmount these obstacles. The proposed strategies encompass elevating awareness and fostering insight, comprehending the effectiveness of people's involvement in elections, the imperative for the government to address public demands, emphasizing social justice and its active implementation across various strata of governance and society, fostering a constructive competitive environment in elections, presenting comprehensive programs and objectives by candidates, steering clear of deviant personal and factional conflicts, refraining from presenting a negative portrayal of the country's conditions, instilling a sense of responsibility among the people for their national and religious duties, and encouraging participation in elections through the elites of the society.

**Keywords:** Elections, Democracy, Participation, People.

---

\*. Ph.D. in Teaching Islamic Sciences, specializing in "The Islamic Revolution";  
abolhasan.baktash.a@gmail.com

\*\* . Ph.D. in Teaching Islamic Revolution, University of Islamic Sciences of Qom;  
srlatify@gmail.com

## Table of Content

<b>Necessary Developments in the Sciences and Seminarian Scholars</b> Ayatollah Alireza Arafi .....	7
<b>The Necessity of Public Participation in Elections</b> Abulhasan Baktash - Seyed Ruhollah Latifi.....	13
<b>The Epistemological Foundations and the Nature of Political Participation in Imam Khomeini's Elevated Political Thought</b> Mohammad Sajjadifar .....	27
<b>Dos and Don'ts in Electoral Competitions</b> Ali Mojtazadeh .....	47
<b>The Requirements for Maximum Participation in the Elections of the Islamic System</b> Mohammad Malekzadeh.....	67
<b>The Electoral Ethics from the Perspective of the Qur'an and the Narrations of the Infallible Imams (AS)</b> Ali Maleki .....	87
<b>Elections and Supervisions of the Guardian Council / A Scientific Meeting</b> Seyed Ebrahim Hoseini - Mohammad Reza Baqerzadeh .....	107
<b>Answers to Selected Questions and Doubts</b> Politics Department .....	119

**PASOKH**  
**A Scientific-Specialized Quarterly Journal**  
**for Answering Religious Doubts**  
Volume 8 · Issue 32 · Winter 2024

---

**Publisher:** The Center for Studies & Responding to Religious Doubts  
in the Islamic Seminaries (Hawza)  
**Director-in-Charge:** Mohammad Baqir Pour Amini  
**Editor-in-Chief:** Hamid Karimi  
**Executive Manager:** Mohammad Kazem Hosseini Kouhsari  
**Associate Editor:** Ali Asghar Foroutan  
**Page Setup:** Sajjad Naseri

---

**Editorial Board:**

**Abul Hasan Baktash**  
Director of Politics & Society Department at the Center for Studies &  
Responding to Religious Doubts  
**Amir Ali Hasanlu**  
Director of History Department at the Center for Studies & Responding to  
Religious Doubts  
**Nasrollah Darwishi**  
Deputy of Research at the Center for Studies & Responding to  
Religious Doubts  
**Ezzoddin Rezanejad**  
Professor at Al-Mustafa International University  
**Hasan Reza Rezaei**  
Assistant Professor at Al-Mustafa International University  
**Hasan Rezaei Mehr**  
Assistant Professor at Al-Mustafa International University  
**Ahmad Reza Famil Dardashti**  
Director of Doubt Analysis Department at the Center for Studies & Responding  
to Religious Doubts  
**Hamid Karimi**  
Associate Professor at Iran University of Science & Technology  
**Hasan Mo'allemi**  
Associate Professor at Baqir al-'Ulum University

---

**Address**

Qom, Bajak, Alley 8, The Center for Studies & Responding to Religious Doubts  
(Islamic Seminaries).

**Website:** [www.pasokhmag.ir](http://www.pasokhmag.ir)  
**E-mail:** [ntpasokh@gmail.com](mailto:ntpasokh@gmail.com)

---

**Registration No. at the Ministry of Culture and Islamic Guidance:** 76437  
Fam Digital Publications

\*\*\*

There is no objection to citing the contents of this quarterly on the condition of  
acknowledging the sources.